

خیانت / ۱



خیانت / ۳

ہشت گناہ

بر اساس ۷۰۰ سند از قرآن و حدیث
سید علی روحبخش

فهرست

۹.....	مقدمه.....
۱۳.....	عیب‌جویی.....
۱۶.....	آثار عیب‌جویی.....
۲۲.....	برخورد صحیح با عیوب دیگران.....
۲۱.....	چاپلوسی.....
۲۹.....	آثار تملق در شنونده.....
۳۱.....	آثار تملق در گوینده.....
۳۵.....	علل تملق.....
۴۲.....	حسد.....

۴۵ آثار حسادت
۴۵ آثار روانی
۴۷ آثار معنوی
۵۱ آثار اجتماعی
۵۳ آثار جسمانی
۵۴ مواظب حسودان باشید!!
۵۶ پیشگیری از حسادت
۶۱ جدل
۶۳ تعریف جدل
۶۴ توصیف جدل
۶۵ آنچه با جدل همراه می‌شود
۶۷ علل جدل
۶۹ آثار جدل
۷۲ پرهیز از جدل خصوصا با
۷۳ آثار ترک جدل
۷۴ صورتهای چهارگانه جدل
۷۵ جدل پسندیده!
۷۷ تمسخر
۷۹ مقدمه
۸۰ انواع سوژه تمسخر
۸۲ ابزار تمسخر
۸۳ علل تمسخر
۸۵ موارد تمسخر
۸۶ مصادیق تحقیر
۸۷ آثار تمسخر و سرزنش

خیانت / ۷

۵۱ فریب
۹۱ توصیف فریب
۹۳ آثار فریب
۹۴ آثار ترک فریب
۹۴ مصادیق فریب
۹۶ چند نکته
۹۸ غیبت
۱۰۰ تعریف غیبت
۱۰۲ توصیف غیبت و غیبت کننده
۱۰۵ آثار غیبت
۱۱۱ علل غیبت
۱۱۲ وظیفه شنونده غیبت
۱۱۵ كفاره غیبت
۱۱۷ غیبت‌های مجاز
۱۲۰ علاج بدگویی
۱۲۲ چند نکته
۱۲۵ خیانت
۱۲۷ مقدمه
۱۳۰ خصوصیت انحصاری امانتداری
۱۳۳ رابطه امانتداری و دین
۱۳۵ خداوند امین
۱۴۰ توصیف امانتداری
۱۴۱ تحلیل شخصیت امین و خائن
۱۴۵ توصیف امانتدار
۱۴۷ مصادیق امانت و خیانت

۱۴۷	۱- حفظ اسرار
۱۴۷	تعریف سر
۱۴۸	مواردی که می شود افشای سر نمود
۱۴۸	دقت بیشتر در حفظ بعضی از اسرار
۱۴۹	مصادیق افشای سر
۱۴۹	۲-انجام صحیح مسئولیتها:
۱۴۹	مسئولیتهای الهی
۱۵۵	مسئولیتهای حقوقی
۱۵۹	مسئولیتهای اخلاقی
۱۶۰	۳- حفظ امنیت مالی
۱۶۰	سه نکته
۱۶۱	امانت و اقتصاد
۱۶۲	نحوه رواج خیانت در جامعه
۱۶۶	نحوه برخورد با مقوله خیانت
۱۶۸	افراد غیر قابل اعتماد
۱۷۰	برخورد با خائنین
۱۷۲	امانت و خیانت در قیامت
۱۷۳	تعابیر اخروی از امانت
۱۷۴	امانت در ادعیه
۸۵	مستندات
۱۷۷	منابع

مقدمه

مؤمنین بزرگوار سلام علیکم!

بارش رحمت خداوند آن چنان گسترده است که پایانی برای آن نیست. او انسان را آفرید و زمینه رشدش را تا بالاترین قله‌های کمال برایش مهیا ساخت. قله‌هایی که وقتی انسان به آنها صعود می‌کند این لیاقت را می‌یابد که قله‌های دیگری را فتح کند و همچنین در ابدیت پیش رود.

... رحمت خداوند پایانی ندارد!

اسلام عزیز، این بزرگ نعمت خداوند بر بشر آن چنان عمیق و جامع است که هیچ سخن تازه و درستی را برای دیگران باقی نگذاشته است و دیگران باید همه همتشان را در فهم این دین کامل مصروف دارند و غواص دریای ژرف آن گردند و هر از چندگاهی درّی درخشان از آن استخراج کنند و گنجینه علوم عرضه نمایند و آن را غنا بخشند. خداوند چون خالق انسان است پس او را بهتر از هر کس

می‌شناسد. او به درستی می‌داند چه چیز او را اوج داده و چه چیز باعث هلاکت اوست:

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ / و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم. » (ق / ۱۶)

خداوند این آگاهی که به انسان دارد را از دو طریق به او منتقل نموده است:

۱. از طریق الهام به خود او

« وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا / سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. » (شمس / ۷)

« فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا / سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد. » (شمس / ۸)

بر همین اساس انسان نسبت به صفات مثبت و منفی خود میزانی از بصیرت را دارد « بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ / بلکه انسان خود بر نفس خویش بیناست. » (قیامت / ۱۴)

۲. از طریق وحی به پیامبران: پیامبران مامور شده‌اند تا سخن خداوند را مستقیماً به انسانها برسانند و اگر نیاز باشد با کلام خود آن را تفسیر نمایند. « بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ / ازیرا آنان را [با دلایل آشکار و نوشته‌ها] فرستادیم، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند. » (نحل / ۴۴)

پس فطرت و وحی بهترین راهنمای انسان برای خودشناسی است.

درباره کتاب

آنچه در این نوشتار مطالعه خواهید نمود بررسی مستندات اسلامی در موضوع شناخت هشت گناه رایج است:

عیب‌جویی، چاپلوسی، حسد، جدل، تمسخر، فریب، غیبت و خیانت... شناخت دقیق این گناهان از نظر تعریف و توصیف، آثار و علل، راه درمان و همچنین عقوبت صاحبان آنها - در صورتی که توبه نکنند- سرفصل‌هایی است که تلاش شده است به همه آنها رسیده شود. این نوشتار از نظر نوع تدوین آن مانند کتاب «آیین مهربانی» اثر دیگری از نویسنده است. در این نوع نگارش نویسنده از خود هیچ مطلبی و حتی کلمه‌ای را به محتوای کتاب اضافه نمی‌کند. آنچه او انجام می‌دهد چینه‌ش دقیق مستندات است؛ به نوعی که خود مستندات قرآنی و حدیثی، یکدیگر را توضیح داده و تکمیل می‌کنند.

کتاب آیین مهربانی با ۱۴۰۰ سند از قرآن و حدیث مسائل مربوط به روابط دوستی را مورد بررسی قرار داده است. در بخش آداب دوستی، این آداب به قسمت آداب شایسته و آداب ناشایست تقسیم شده است.

آداب ناشایست در کتاب آیین مهربانی که همان هشت گناه است- تنها در قلمروی روابط دوستی- مورد بررسی قرار گرفته است و اما در این کتاب این هشت گناه بر اساس هفتصد سند قرآنی و حدیثی به طور مفصل ارزیابی شده است.

ان شاء الله آداب شایسته نیز در فرصتی دیگر به عنوان جلد سوم این مجموعه ارائه خواهد شد.

سید علی روح بخش / تهران مرداد ۱۳۸۸

خیانت/۱۳

فصل اول

هشت گناه
عیب جوئی

خیانت / ۱۵

عیب جویی

عیب جویی به معنای جمع آوری نقطه ضعفهای دیگران و استفاده زشت از آنها در وقت مناسب است.^۱ از این خصلت زشت تعبیر شده است به «چریدن در مرتع آبروی دیگران»^۲.

آثار عیب جویی

عیب جویی سبب می شود تا انسان دچار انواع عیوب و مشکلات شود:^۳

^۱ ... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) شَيْءٌ يَقُولُهُ النَّاسُ عَوْرَةَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ يَذْهَبُونَ إِنَّمَا عُنَى عَوْرَةَ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَزِلَّ زَلَّةً أَوْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ يُعَابُ عَلَيْهِ فَيَحْفَظُ عَلَيْهِ لِيُعِيرَهُ بِهِ يَوْمًا مَا. (تهذيب: ۱/۳۷۵) حذیفه گوید: به امام صادق (عليه السلام) گفتم: مردم می گویند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است. حضرت فرمود: مراد آن نیست که تو گمان کردی بلکه مراد از عورت مؤمن لغزشی است که از او سرزند یا سخنی که موجب نقص اوست بگوید و آن را بخاطر بسپرنند که روزی بر او عیب گیرند.

^۲ حَسْبُ ابْنِ آدَمَ مِنَ الْإِثْمِ أَنْ يَرْتَعَ فِي عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ. (ورام: ۲/۱۲۲) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): همین برای گناهکار شدن فرزند آدم بس که در آبروی دوست مسلمانش بچرد.

۱. عیب‌جویی سبب گناه زشت عیب‌گویی می‌گردد زیرا تا انسان اهل تجسس در کار دیگران نباشد چیزی برای غیبت کردن ندارد.^۴
۲. موجب رسوایی^۵ سریع^۶ فرد نسبت به عیوب شخصی‌اش می‌شود.^۷ زیرا وقتی انسانی دوست دارد تا زشتی انسانهای دیگر برملا شود نباید انتظار

^۳ كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ (کافی: ۲/۴۵۹) امام باقر (علیه‌السلام): همین عیب برای مرد بس است که از مردمان ببیند چیزی را که از (دیدن) آن چیز در خودش کور است.

^۴ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا (حجرات: ۱۲) تجسس نکنید! بعضی از شما بعضی دیگر را بدگویی نکند!

^۵ مَنْ غَابَ عَيْبًا (کنز: ۱/۲۷۹) امام علی (علیه‌السلام): هر کس عیب بگیرد از او عیب گرفته می‌شود.
^۶ إِنْ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ أَرْبَعِينَ جَنَّةً فَمَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا كَبِيرًا رَفَعَ عَنْهُ جَنَّةً فَإِذَا إِغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِشَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِنْهُ انْكَشَفَتْ تِلْكَ الْجَنَّةُ عَنْهُ. (اختصاص: ۲۲۰) امام صادق (علیه‌السلام): همانا خداوند تبارک و تعالی بر بنده مؤمنش چهل سیر قرار داده است پس هرکس گناه بزرگی انجام دهد یک سیر او را بر می‌دارد و زمانی که بوسیله چیزی که از برادر مؤمنش می‌داند از او بدگویی کند همه آن سپرها از او برداشته می‌شود.

^۷ ... قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ثُمَّ انْصَرَفَ مُسْرِعًا حَتَّى وَضَعَ يَدَهُ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصْ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لِمَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. (ثواب: ۲۴۱) راوی گوید: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از نماز جماعت، به سرعت [محل نماز را] ترک گفتند تا اینکه دستشان را بر درب مسجد گذاشتند و با صدای بلندی ندا بر آوردند: ای گروه کسانی که به زبان ایمان آورده ولی ایمان را در قلب خود خالص نکرده‌اید، امور پوشیده مؤمنین را مورد کنکاش قرار ندهید چرا که هرکس که این کار را انجام دهد خداوند امور پوشیده او را مورد کنکاش قرار می‌دهد و هر کس را که خداوند این چنین کند او را رسوا کرده است و لو اینکه او در درون خانه‌اش باشد.

داشته باشد که زشتیهای خودش آشکار نگردد و با این رسوایی به سختی رنج نکشد.^۸ انسانها هر رفتاری را که انجام دهند هرچند کوچک باشد متناسب با کاری که کرده‌اند پاداش یا مجازات خواهند دید.^۹ چه بسیار از اجتماعات انسانی که دارای فرهنگ زشت عیب‌جویی نبوده و نیستند و در نتیجه عیبوشان از نظر دیگران مخفی مانده است.^{۱۰}

^۸ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (سوره نور: ۱۹) به یقین کسانی که دوست دارند (و فعالیت می‌کنند) که عمل زشت در میان کسانی که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند (اطلاع از عمل زشت کسی یا ارتکاب عمل زشت شایع شود) برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک است.

^۹ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزله: ۷ و ۸) پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید.

^{۱۰} كَانَ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامٌ لَهُمْ غُيُوبٌ فَسَكَتُوا عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ فَاسْكَتَ اللَّهُ عَنْ غُيُوبِهِمُ النَّاسَ فَمَاتُوا وَ لَا غُيُوبَ لَهُمْ عِنْدَ النَّاسِ وَ كَانَ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامٌ لَا غُيُوبَ لَهُمْ وَ فَتَكَلَّمُوا فِي غُيُوبِ النَّاسِ فَأَظْهَرَ اللَّهُ لَهُمْ غُيُوبَهُمْ لَمْ يَزَالُوا يُعْرِفُونَ بِهَا إِلَى أَنْ مَاتُوا. (امالی طوسی: ۴۴) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): در مدینه طوایفی بودند که برای آنها عیوبی بود پس ایشان از گفتن عیبهای مردم سکوت نمودند و خداوند هم مردم را از عیبهای آنها ساکت نمود (مردم را بعیبهای آنان متوجه نفرمود) پس مردند در حالی که برای آنها نزد مردم عیبهایی نبود، و (نیز) طوایفی در مدینه بودند که عیب‌هایی جهت ایشان (در نظر مردم) نبود پس درباره عیبهای مردم سخن گفتند پس خداوند عیب‌های آنها را برای مردم ظاهر و آشکارا ساخت که همیشه بآن عیب‌ها شناخته میشدند تا آنکه مردند.

۳. بر اساس آنچه گفته شد صاحبان عیب باید بیش از دیگران مواظب باشند تا در پی رسوایی دیگران نباشند ولی انسان بر اساس نادانی که دارد زمینه رسوایی‌اش را خودش فراهم می‌کند.^{۱۱}

۴. عیب‌جو، بار گناه صاحب عیب را بر دوش می‌کشد.^{۱۲} زیرا صاحب عیب با این رسوایی که در دنیا برایش پیش آمده است، دیگر از مجازات روز قیامت معاف خواهد بود و خداوند او را دوباره به رنج نخواهند افکند.^{۱۳}

۱۱ قَالَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْغِنَى الْبِخْلَاءُ لِأَنَّ النَّاسَ إِذَا اسْتَعْنَوْا كَفُّوا عَنِ أَمْوَالِهِمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الصَّلَاحَ أَهْلُ الْعُيُوبِ لِأَنَّ النَّاسَ إِذَا صَلَحُوا كَفُّوا عَنِ تَتَبِعِ عُيُوبَهُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْحِلْمَ أَهْلُ السَّفْهِ الَّذِينَ يَحْتَاجُونَ أَنْ يُعْفَى عَنْ سَفْهِهِمْ فَأَصْبَحَ أَهْلُ الْبِخْلِ يَتَمَنُونَ فَقْرَ النَّاسِ وَأَصْبَحَ أَهْلُ الْعُيُوبِ يَتَمَنُونَ مَعَايِبَ النَّاسِ وَأَصْبَحَ أَهْلُ السَّفْهِ يَتَمَنُونَ سَفْهَ النَّاسِ وَفِي الْفَقْرِ الْحَاجَةُ إِلَى الْبِخْلِ وَفِي الْفَسَادِ طَلَبُ عَوْرَةِ أَهْلِ الْعُيُوبِ وَفِي السَّفْهِ الْمَكْفَاةُ بِالذُّنُوبِ. (فقیه: ۴/۴۰۱) امام صادق (علیه‌السلام): سزاوارترین کسانی که باید آرزوی توانگری مردم را بکنند بخیلانند زیرا اگر مردم (از نظر اقتصادی) توانا شوند دیگر کاری به اموال اینان ندارند و سزاوارترین کسانی که باید برای مردم آرزوی خوب بودن را بکنند افراد دارای عیب هستند زیرا زمانی که مردم خوب باشند چشم از عیوب ایشان باز دارند و سزاوارترین کسانی که باید آرزوی بردباری برای مردم بکنند سفیهانند چرا که به گذشت مردم محتاجند ولی وضع چنین شده که بخیلان آرزوی فقر مردم و معیوبان آرزوی عیب در مردم را و سفیهان آرزوی سفاهت مردم را دارند با اینکه فقر، موجب نیاز به انسان بخیل می‌گردد و فساد مایه عیب‌جویی از معیوبان است و سفاهت سبب کیفر گنهکاران می‌شود.

۱۲ أَلَا وَمَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَالَّذِي أَتَاهَا. (فقیه: ۴/۱۵) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آگاه باشید هرکس از عمل زشتی اطلاع پیدا کند سپس (خبر) آن را افشاء نماید او مثل همان کسی است که این عمل زشت را انجام داده است.

۱۳ مَنْ اطَّلَعَ مِنْ مُؤْمِنٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ سَيِّئَةٍ فَأَفْشَى ذَلِكَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَكْتُمْهَا وَلَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ كَعَامِلِهَا وَعَلَيْهِ وَزُرُ ذَلِكَ الَّذِي أَفْشَاهُ عَلَيْهِ وَكَانَ مَغْفُورًا لِعَامِلِهَا وَكَانَ عِقَابُهُ مَا أَفْشَى عَلَيْهِ فِي

۵. عیبجویی سبب خواهد شد خود عیب جو نیز مبتلا به همان عیب شود^{۱۴}، حتی اگر این ابتلا تا اواخر عمر به تأخیر بیافتد^{۱۵}.
۶. عیبجویی باعث خواهد شد انسان عیوب خود را فراموش کند و در پی اصلاح آنها بر نیاید.^{۱۶} بر حدس هایش بر علیه دیگران تکیه نموده، ولی به یقین خود درباره بدی هایش اهمیتی ندهد^{۱۷}.

الدُّنْيَا مَسْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ يَجِدُ اللَّهُ أَكْرَمَ مَنْ أَنْ يُنْتَنَى عَلَيْهِ عِقَابًا فِي الْآخِرَةِ وَقَالَ مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَهَدَمَ مُرُوتَهُ لِيُسْقِطَهُ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ (اختصاص: ۳۲) امام صادق (علیه السلام): هر کس آگاه شود بگناه و کار بد مؤمن و آن را از او فاش کند و آن را نبوشاند و از خدا برایش آمرزش نخواهد نزد خداوند همچون انجام دهنده آن است و گناه آنچه فاش کرده بر او است و انجام دهنده آن گناه آمرزیده است و عقاب او همین است که گناهش در دینا فاش شده است ولی در آخرت پوشیده است و در باید که خدا کریم تر از آنست که در آخرت دوباره او را عقاب کند، و: هر که بدی از مؤمنی نقل کند تا او را زشت و بی آبرو جلوه دهد و از چشم مردم بیندازد خداوند او را از ولایت خود به ولایت شیطان براند، و شیطان هم او را نپذیرد.

^{۱۴} لَا تُظْهِرِ السَّمَاتَةَ بِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيُنْتَلِيكَ. (امالی صدوق: ۲۲۷) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): به برادر (دینی) ات اظهار سرزنش نکن چرا که (ممکن است) خداوند او را مورد رحمت خود قرار دهد ولی تو (به همان گناه برادرت) مورد آزمایش قرار بگیری.

^{۱۵} مَنْ أَدَاعَ فَاَحْشَهُ كَانَ كَمُبْتَدِيهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَرْكَبَهُ (کافی: ۲/۳۵۶) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس (خبر) عمل زشت و گناهی را پخش سازد مانند شروع کننده و (انجام دهنده) آن می باشد و هر کس مؤمنی را در رابطه با چیزی (و گناهی) تحقیر نماید عمر او به سر نمی آید مگر اینکه آن کار را انجام می دهد.

^{۱۶} كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ (کافی: ۲/۴۵۹) امام باقر (علیه السلام): همین عیب برای مرد بس است که از مردمان ببیند چیزی را که از (دیدن) آن چیز در خودش کور است.

۷. عیبجویی موجب دوام نیاوردن دوستیها^{۱۸} و جدایی و تفرقه^{۱۹} می‌گردد. زیرا انسانها تحمل آگاهی از عیوب دیگران را ندارند.^{۲۰}

۸. عیبجویی زمینه‌ای برای تزلزل اعتقادی^{۲۱} و ایمانی^{۲۲} می‌گردد و موجب می‌شود تا پایین‌ترین مرتبه شرارت سقوط کند^{۲۳}. کسی که عیبجویی می‌کند نمی‌گذارد اسم اعظم «ستار العیوب» خداوند ظهور پیدا کند. کسی که مانع

^{۱۷} يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا إِنَّ أَحَدَكُمْ يُبْغِضُ صَاحِبَهُ عَلَى الظَّنِّ وَلَا يُبْغِضُ نَفْسَهُ عَلَى اليَقِينِ. (تحف: ۵۱۱)
حضرت عیسی (علیه‌السلام): ای بندگان دنیا یکی از شما به صرف گمانی بر دوستش خشم می‌گیرد ولی بر اساس قطع به عیوب خود بر خود خشم نمی‌گیرد.

^{۱۸} مَنْ اسْتَقْصَى عَلَى صَدِيقِهِ انْقَطَعَتْ مَوَدَّتُهُ. (غرر: ۴۲۲) امام علی (علیه‌السلام): هر کس به دنبال شمردن لغزش‌های دوستش باشد، رابطه دوستیش با او قطع خواهد شد.

^{۱۹} الْإِسْتِقْصَاءُ فُرْقَةٌ (تحف: ۳۱۵) امام صادق (علیه‌السلام): پی عیب دیگران بودن موجب جدایی است.
^{۲۰} لَوْ نَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَأَفْتُمْ (عیون: ۲/۵۳) امام علی (علیه‌السلام): اگر یکدیگر را کشف کنید همدیگر را دفن نمی‌کنید. (یا به معنای این که عیبهای یکدیگر را نمی‌پوشانید و یا به این معنا که از نفرتی از یکدیگر پیدا می‌کنید بدنهای مرده یکدیگر را حتی دفن هم نمی‌کنید).

^{۲۱} أذْنَى الْكُفْرِ أَنْ يَسْمَعَ الرَّجُلُ عَنْ أَخِيهِ الْكَلِمَةَ فَيَحْفَظُهَا عَلَيْهِ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَحَهُ بِهَا أَوْ لِيَسْكَلَ لَخْلَاقَ لَهُمْ. (کشف: ۹۴) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): کمترین کفر این است که فردی از دوستش سخنی بشنود و آن را حفظ نماید تا بعداً او را رسوا سازد؛ برای این افراد هیچ بهره‌ای در دنیا و آخرت نیست

^{۲۲} أذْنَى مَا يُخْرِجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يُوَخِيَ الرَّجُلَ عَلَى دِينِهِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتَهُ لِيَعْتَفَهُ يَوْمًا مَا. (معانی: ۳۹۴) امام صادق (علیه‌السلام): کمترین چیزی که با آن هر فردی از ایمان خارج می‌شود این است که با فردی رابطه برادری دینی ایجاد نماید و بعد لغزش‌ها و خطاهايش را شمارش نماید تا یک روزی او را در تنگنا قرار دهد.

^{۲۳} أَلَا أُتْبِكُمْ بِشِرَارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ الْبَاغُونَ لِلْبِرِّاءِ الْمَعَايِبِ (کافی: ۲/۳۶۹) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

ظهور اسماء خداوند می‌شود در واقع این اسماء را منکر شده است و انکار اسماء خداوند کفر است.^{۲۴}

۹. عیب‌جویی موجب حماقت و فریب می‌شود زیرا با ظاهر کم اهمیت خود، این همه مشکل را برای صاحب خود به ارمغان می‌آورد.^{۲۵}

بر خورد صحیح با عیوب دیگران

بهترین برخورد با عیوب دیگران این است که:

- از تجسس پرهیز نموده و در پی کارهای خطا و عیوب دیگران نیستند.^{۲۶}
- اگر اتفاقاً عیبی را هم دیدند آن را توجیه می‌نمایند.^{۲۷}

^{۲۴} وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (اعراف: ۱۸۰) و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید، و کسانی را که در مورد نامهای او به کزی می‌گیرند رها کنید. زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت.

^{۲۵} إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ مُتَّقِدًا لِّذُنُوبِ النَّاسِ نَاسِيًا لِّذُنُوبِهِ فَاَعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مُكِرَ بِهِ (سراثر: ۵۶۹) امام صادق (علیه‌السلام): هر زمان دیدید بنده ای به دنبال عیوب دیگران است و عیوب خود را فراموش نموده است بدانید که فریب خورده است.

^{۲۶} خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَىٰ إِخْوَتِهِ مُسْتَقْصِيًّا. (غرر: ۴۱۷) امام علی (علیه‌السلام): بهترین دوستان کسانی هستند که به دنبال شمارش عیوب دوستان خود نیستند.

^{۲۷} إِقْبَلْ عُذْرَ أَخِيكَ وَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا. (کنز: ۱/۹۳) امام علی (علیه‌السلام): عذر دوستت را بپذیر و اگر برای کاری کرده عذری ندارد به دنبال عذری برای او باش.

- اگر نتوانستند توجیه کنند از دوستشان می‌خواهند که علت کارش را بگوید^{۲۸}. و بعد او را در آنچه می‌گوید تصدیق کنند هرچند افراد زیادی بر خلاف آن گواهی دهند^{۲۹}.
- اگر عیب ثابت شد نه تنها به دیگران اطلاع نمی‌دهند^{۳۰} که حتی نمی‌گذارند دوستشان نیز پی به آگاهی آنها ببرد^{۳۱}.
- برای دوست خود از درگاه خداوند طلب بخشش می‌کنند^{۳۲}.
- اگر چنانچه به طریقی این عیب فاش شد، با دفاع نمودن از دوست^{۳۳} و بیان خوبی‌های او^{۳۴}، از گسترش بیشتر آن جلوگیری می‌کنند^{۳۵}.

^{۲۸} اَقْبِلْ مِنْ مُنْتَصِلٍ عَذْرًا صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا فَتَنَّاكَ الشَّفَاعَةَ. (وسائل: ۱۲/۲۱۷) امام علی (علیه- السلام): عذر کسی که خود را بی گناه می‌داند بپذیر چه راست بگوید و چه دروغ، آنوقت است که به شفاعت خواهی رسید.

^{۲۹} الْمُؤْمِنُ أَصْدَقُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ سَبْعِينَ مُؤْمِنًا عَلَيْهِ (صفات: ۳۷) امام صادق (علیه‌السلام): مؤمن نسبت به خودش راستگوتر از هفتاد نفری است که بر علیه او شهادت می‌دهند.

^{۳۰} لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟! فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات: ۱۲) یگدیگر را بدگویی نکنید، آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟! این برای شما ناخوشایند است.

^{۳۱} أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ كَثْرَةُ تَعَاْفُلِهِ عَمَّا يَعْلَمُ (غرر: ۴۵۲) امام علی (علیه‌السلام): شاخص‌ترین اخلاق کریم تعافل اوست از آگاهی‌هایی که درباره دیگران دارد.

^{۳۲} ۱۶- مَنْ أَطَّلَعَ مِنْ مُؤْمِنٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ سَيِّئَةٍ فَأَفْشَى ذَلِكَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَكْتُمْهَا وَلَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ كَعَامِلِهَا (اختصاص: ۳۲) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس آگاه شود بگناه و کار بد مؤمن و آن را از او فاش کند و آن را نبوشاند و از خدا برایش آمرزش نخواهد نزد خداوند همچون انجام دهنده آن است.

- اگر به صورت اتفاقی با عیب کسی آشنا شدند او را با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر از آن عیب باز می‌دارند. چه این که مؤمنین نسبت به یکدیگر ولایت و مسئولیت دارند^{۳۶}.
- از دوست شدن با افراد عیب‌جو به سختی فرار می‌کنند^{۳۷}.

^{۳۳} الصَّادِقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي عَيْبِكَ وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ. (غرر: ۴۲۴) امام علی (علیه‌السلام): دوست صادق کسی است که در رابطه با عیوبی که داری تو را نصیحت نماید و هنگام حضور نداشتن تو از تو دفاع نماید.

^{۳۴} وَ رَوَى أَنَّ عَيْسَى (علیه‌السلام): مَرَّ وَ الْحَوَارِيُّونَ عَلَيَّ جَيْفَةَ كَلْبٍ فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ مَا أَتَنَّا رِيحَ هَذَا فَقَالَ عَيْسَى (علیه‌السلام): مَا أَشَدَّ بَيَاضَ أَسْنَانِهِ كَأَنَّهُ يَنْهَاهُمْ عَنْ غَيْبَةِ الْكَلْبِ وَ يَنْهَهُهُمْ عَلَيَّ أَنَّهُ لَا يُذَكَّرُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا أَحْسَنُهُ (ورام: ۱/۱۱۷)

^{۳۵} مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ" (نور: ۱۹) (کافی: ۳۵۷/۲) امام صادق (علیه‌السلام): هرکس آنچه را که از مؤمنی با دو چشمش شنیده و با دو گوشش شنیده نقل نماید جزء کسانی است که خداوند فرموده است: "برای آن‌ها که دوست دارند کارهای زشت بین مؤمنین شایع شود، عذاب درناکی است".

^{۳۶} وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (توبه: ۷۱) مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند.

^{۳۷} لِيَكُنْ أِبْعَضُ النَّاسِ إِلَيْكَ وَ أْبَعْدُهُمْ مِنْكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ. (غرر: ۴۱۹) امام علی (علیه‌السلام): باید میغوض‌ترین افراد و دورترین آن‌ها نزد تو کسی باشد که به دنبال عیوب دیگران است.

خیانت / ۲۵

فصل دوم

هشت گناه
چاپلوسی

خیانت / ۲۷

چاپلوسی

تملق و چاپلوسی یعنی ستایش بیش از استحقاق^{۳۸}. بنابراین متملق کسی است که بیش از آنچه درباره خوبی‌های فردی باور دارد او را بستاید. البته ممکن است آن فرد لایق آن تعریف باشد^{۳۹} ولی مهم قبول و باور متملق است. لذا هم اطراف انسانهای خوب متملق یافت می‌شود و هم اطراف انسانهای بد. با این فرق

^{۳۸} النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ (نهج: ۵۳۵) ستودن بیش از استحقاق تملق است. کمتر از استحقاق ناتوانی و یا حسادت است.

^{۳۹} وَلَيْكُنْ أَبْغَضُ أَهْلِكَ وَ وُزَرَائِكَ إِلَيْكَ أَكْثَرُهُمْ لَكَ إِطْرَاءً بِمَا فَعَلْتَ أَوْ تَرْبِيئاً لَكَ بِغَيْرِ مَا فَعَلْتَ (دعائم: ۱/۳۵۵) امام علی (علیه‌السلام) خطاب به مالک اشتر: باید در میان خانواده و وزراء از کسی بغض داشته باشی که بیشتر تو را بخاطر کارهایی که انجام داده ای اغراق گونه بستایند یا این بخاطر آنچه انجام ندادی مدحت کنند.

که چاپلوسانِ مردانِ با ایمان در عینی که راست می‌گویند، طماع، حسود^{۴۰} و منافق^{۴۱} هستند، ولی متملقین انسانهای پست، طماع و دروغگو می‌باشند.

آثار تملق در شنونده

۱. ایجاد کبر و احساس عزت‌های موهوم^{۴۲}. زیرا با علاقمندی به تملق دیگران، کاستیها فراموش می‌شود و تلاشی برای رفع آنها صورت نمی‌گیرد و بدنبال آن انسان از آثار سوء آنها رهایی نمی‌یابد^{۴۳}.
۲. نابود شدن بصیرت دینی^{۴۴}. زیرا با مفتون شدن و فریب خوردن مسیر رشد از شیب بیشتری برخوردار می‌شود^{۴۵}. به صورتی که آنقدر تملق‌ها او را مست می‌کند که انگار جسمی بی‌سر (ناهوشیار) را با خود یدک می‌کشد^{۴۶}.

^{۴۰} لِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ (الخصال: ۱/۱۲۱)
 امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: برای حسود سه علامت است: وقتی حضور دارد تملق می‌گوید و وقتی حضور ندارد بدگویی می‌کند و همچنین هنگام صییب، مصیبت زده را سرزنش می‌کند (که چرا مواظب نبودی تا دچار مصیبت نشوی!)
^{۴۱} إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (منافقون: ۱) چون منافقان نزد تو آیند گویند: «گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند.

^{۴۲} كَثْرَةُ التَّنَاءِ مَلَقٌ يَحْدُثُ الزَّهْوُ وَ يُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ [الغرة] (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): ستایش زیاد چاپلوسی است و موجب خودپسندی در شنونده شده و او را به کبر و غرور نزدیک می‌کند.
^{۴۳} لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَ يَحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةِ مَنْ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران: ۱۸۸) گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است!

^{۴۴} حُبُّ الْإِطْرَاءِ وَ التَّنَاءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ عَنِ الدِّينِ (ورام: ۲/۱۲۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

۳. کاسته شدن عواطف خالص انسانی^{۴۷} و تبدیل دوستی‌ها به مجموعه‌ای از تملقها^{۴۸} و منفور گشتن انسانهای خیرخواه^{۴۹}.

۴. تحمیق و ضعیف شدن قوای فکری^{۵۰}. فرد مورد تملق، ستایش چاپلوسان را باور می‌کند و تصور نمی‌کند که آنها او را با این تعریف‌ها مسخره می‌کنند^{۵۱}. باور تملق، عین نادانی^{۵۲} و خودفریبی است^{۵۳}. و واقعاً جای شگفتی است، وقتی از بدی‌های انسان می‌گویند او خشمگین می‌شود

^{۴۵} كَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِالتَّنَاءِ عَلَيْهِ (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): چه بسیار از آنها که مورد تعریف قرار می‌گیرند مورد وسوسه (عُجِب) قرار گیرند.

^{۴۶} مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ ذَبَحَكَ (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): هر کس تو را تعریف کند ذبح نموده است.

^{۴۷} حُبُّ الْإِطْرَاءِ وَ التَّنَاءِ ... يَدْعُ الدِّيَارَ بِلِقَاعِ (ورام: ۲/۱۲۱) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): دوست داشتن ستایش و مدح ... شهر را ویرانه می‌کند.

^{۴۸} فَسَدَ الْإِحَاءُ فَلَيْسَ تَمَّ إِخْوَةٌ إِلَّا التَّمَلُّقُ بِاللِّسَانِ وَ بِالْيَدِ. (قلوب: ۱/۹۹) امام صادق (علیه‌السلام): دوستان تباه گشته‌اند و دوستی جز تملق به زبان و به دست، یافت نمی‌گردد.

^{۴۹} أَجْهَلُ النَّاسِ الْمُعْتَرُّ بِقَوْلِ مَادِحٍ مُتَمَلِّقٌ يُحَسِّنُ لَهُ الْقَبِيحَ وَ يُبْعِضُ إِلَيْهِ النَّصِيحَ. (غرر: ۷۴) امام علی (علیه‌السلام): نادانترین مردم کسی است که از آنچه مدح کننده‌ای می‌گوید فریب خورد، کسی که زشتی‌هایش را نیکو جلوه داده و خیرخواه را نزد او منفور نماید.

^{۵۰} طَلَبُ التَّنَاءِ بغيرِ اسْتِحْقَاقٍ خُرْقٌ (غرر: ۴۶۷) امام علی (علیه‌السلام): خواستن مدح بدون استحقاق کودنی است.

^{۵۱} مَادِحُكَ بِمَا لَيْسَ فِيكَ مُسْتَهْزِئٌ بِكَ فَإِنْ لَمْ تَسْعِفْهُ بِنَوَالِكِ بَالِغٍ فِي ذَمِّكَ وَ هِجَائِكَ (غرر: ۴۶۷) امام علی (علیه‌السلام): ستایش کننده تو به آن چه که در تو نیست تمسخر کننده تو است، اگر حاجت او را با عطای خود بر نیاوری در بدگویی از تو مبالغه می‌کند.

^{۵۲} أَجْهَلُ النَّاسِ الْمُعْتَرُّ ... (غرر: ۷۴) امام علی (علیه‌السلام): کسی به خود مغرور است جاهل‌ترین مردم است.

^{۵۳} كَمْ مِنْ مَغْرُورٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ. (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): چقدر غرورهایی (که غرورشان) بخاطر خوب گفتن در موردشان بوجود آمده است.

و حال آن که می‌داند آنها درست می‌گویند، و وقتی خوبی‌هایی را به او نسبت می‌دهند شاد می‌شود و حال آن که می‌داند آنها درست نمی‌گویند.^{۵۴}

آثار تملق در گوینده

۱. از بین رفتن روح ایمان^{۵۵} و خروج انسان از خط انبیا^{۵۶}.
۲. آلوده شدن تملق به شرک. وقتی صاحبان قدرت، بخاطر ترس و طمع، تملق می‌شوند، قدرت آنها در عرض قدرت خداوند انگاشته می‌شود و این نفی وحدانیت خداوند در صفت «قدرت» است.^{۵۷} خصوصاً اگر صاحبان قدرت، انسانهای زشت رفتار^{۵۸}، ستمگر^{۵۹} و یا از نظر شخصیتی انسانهای پستی^{۶۰} باشند.

^{۵۴} عَجِبْتُ لِمَنْ يُقَالُ: إِنَّ فِيهِ الشَّرَّ الَّذِي يَعْلَمُ أَنَّهُ فِيهِ كَيْفَ يَسْخَطُ! عَجِبْتُ لِمَنْ يُوصَفُ بِالْخَيْرِ الَّذِي يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِ كَيْفَ يَرْضَى. (میزان: ۴/۲۸۶۳) امام علی (علیه‌السلام): در تعجبم از کسی که در مورد او می‌گویند: در او بدی وجود دارد و او با اینکه می‌داند در او وجود دارد چرا عصبانی می‌شود؟! در عجبم از کسی که یک خوبی برای او گفته می‌شود و او با اینکه می‌داند در او آن خوبی نیست چگونه خوشحال می‌شود؟!.

^{۵۵} إِيَّاكَ وَالْمَلَقَ فَإِنَّ الْمَلَقَ لَيْسَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيْمَانِ (غرر: ۲۱۵) امام علی (علیه‌السلام): از تملق پرهیز زیرا تملق از ارزش‌های ایمان نیست.

^{۵۶} لَيْسَ الْمَلَقُ مِنْ خُلُقِ الْأَنْبِيَاءِ (غرر: ۲۱۵) امام علی (علیه‌السلام): تملق از اخلاق انبیاء نیست.

^{۵۷} أَكْثَرُ الْقَوْلِ أَنْ يُشْرَكَ فِيهِ الْكُذْبُ تَرْكِيَّةُ السُّلْطَانِ لِأَنَّهُ لَا يَقْتَصِرُ فِيهِ عَلَى حُدُودِ الْحَقِّ دُونَ التَّجَاوُزِ إِلَى الْإِفْرَاطِ (دعائم: ۱/۳۵۵) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): بیشترین کلامی که مخلوط با دروغ است سخنی است که در ستایش صاحب منصبی گفته می‌شود زیرا این ستایش در محدوده حق گفته نمی‌شود به گونه‌ای که به افراط نگراید.

^{۵۸} أَعْظَمُ اللَّوْمِ حَمْدُ الْمَذْمُومِ (غرر: ۲۶۱) امام علی (علیه‌السلام): بزرگترین پستی ستایش نمودن فرد مذموم است.

علت این همه زشتی تملق، بخاطر این است که: نفس، مدام تلاش می‌کند تا با تملق عقل و تصدیق سخنان او و بعد مغالطه و استفاده نادرست از سخنانش، خواسته‌های خود را موجّه نشان دهد^{۶۱} و با فریب عقل^{۶۲}، اراده انسان را تحت تسلط خود قرار دهد. بر این اساس انسان چاپلوس به عنوان نفس بیرونی، بهترین فرصت را برای شیطان بوجود می‌آورد^{۶۳} تا او رایحه متعفن خو پسندی را در قلب انسان بدمد^{۶۴}.

بر خورد مناسب با متملق

بر اساس آنچه گفته شد، در برخورد با متملق:

^{۵۹} مَنْ مَدَحَ سُلْطَانًا جَائِرًا أَوْ تَخَفَّ وَ تَضَعَّ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ (فقیه: ۴/۱۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هرکس صاحب منصب ستمگری را مدح کند و یا بخاطر طمع نزد او خود را سبک نموده و فروتنی نماید از نزدیکان او در دوزخ خواهد بود.

^{۶۰} مِنْ أَفْبَحِ الْمَدَامِ مَدْحُ اللَّئَامِ (غرر: ۲۶۱) امام علی (علیه‌السلام): از زشت‌ترین کارهای مذموم ستایش نموده انسان‌های پست و لئیم است.

^{۶۱} النَّفْسُ الْأَمَّارَةُ الْمَسْوُؤَةُ تَمَلِّقُ تَمَلِّقُ الْمُنَافِقِ وَ تَتَصَنَّعُ بِشِيمَةِ الصِّدِّيقِ الْمُوَافِقِ حَتَّى إِذَا خَدَعَتْ وَ تَمَكَّنَتْ تَسَلَّطَتْ تَسَلَّطَ الْعَدُوُّ وَ تَحَكَّمَتْ تَحَكَّمِ الْعَتُوُّ فَأُورِدَتْ مَوَارِدَ السَّوْءِ. (غرر: ۲۳۴) امام علی (علیه‌السلام): نفس اماره تزیین‌کننده، مثل تملق منافق تملق می‌کند و به شیوه دوست لطف می‌کند تا اینکه گول بزند و بتواند مثل دشمن مسلط شود و مثل یک متکبر سخن زور بگوید و فرد را به وارد شدن در موارد بد وادار کند.

^{۶۲} إِنَّ مَادِحُكَ لَخَادِعٌ [إِنَّ مَادِحُكَ الْخَاع] لِعَقْلِكَ، غَاشٍ لَكَ فِي نَفْسِكَ، بِكَاذِبِ الْإِطْرَاءِ وَ زُورِ الثَّنَاءِ. (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): بدرستی که ستایشگر تو، با بکارگیری ستودن‌های دروغ و مدح‌های تزیینی، گول زننده عقل تو و مشوش‌کننده قلبت است.

^{۶۳} حُبُّ الْإِطْرَاءِ وَ الْمَدْحِ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ. (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): دوست داشتن ستایش شدن و مدح شدن از مطمئن‌ترین فرصت‌های شیطان است.

^{۶۴} إِحْتَرَسُوا مِنْ سُورَةِ الْإِطْرَاءِ وَ الْمَدْحِ فَإِنَّ لَهُمَا رِيحًا خَبِيثَةً فِي الْقَلْبِ. (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): مواظب جلوه‌های ستودن و مدح کردن باشید که ایندو دارای بادی خبیث در قلب هستند.

الف. نباید سخنان متملق را باور نمود و ضروری تر این که نباید به دنبال ستایش دیگران بود^{۶۵}. باید انسان تلاش کند تا ستایش و نکوهش دیگران نزد او مساوی باشد زیرا واقعیت با تعریف و یا مذمت دیگران تغییر نمی کند^{۶۶}.

^{۶۵} فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحَدِّثُ الزَّهْوَ وَ تُدْبِي مِنَ الْغِرَّةِ وَ الْإِقْرَارُ بِذَلِكَ يُوجِبُ الْمَقْتَ مِنَ اللَّهِ (تحف: ۱۲۸) امام علی (علیه السلام): ستودن فراوان خود پسندی می آورد و به سرکشی و اداری می کند و

پذیرفتن این ها سبب خشم خدا می شود.

^{۶۶} لَا يَصِيرُ الْعَبْدُ عَبْدًا خَالِصًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَصِيرَ الْمَدْحُ وَ الذَّمُّ عِنْدَهُ سَوَاءً لِأَنَّ الْمَمْدُوحَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَصِيرُ مَذْمُومًا بِذَمِّهِمْ وَ كَذَلِكَ الْمَذْمُومُ فَلَا تَفْرَحُ بِمَدْحٍ أَحَدٍ فَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَا يُغْنِيكَ عَنِ الْمَحْكُومِ لَكَ وَ الْمَقْدُورِ عَلَيْكَ وَ لَا تَحْزَنُ أَيْضًا بِذَمِّ أَحَدٍ فَإِنَّهُ لَا يَنْقُصُ عَنْكَ بِهِ ذَرَّةً وَ لَا يَحْطُ عَنْ دَرَجَةِ خَيْرِكَ شَيْئًا وَ أَكْتَفِ بِشَهَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ وَ عَلَيْكَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَيَّ صَرَفِ الدَّمِّ عَنْ نَفْسِهِ وَ لَا يَسْتَطِيعُ عَلَيَّ تَحْقِيقَ الْمَدْحِ لَهُ كَيْفَ يُرْجَى مَدْحُهُ أَوْ يُخْشَى ذَمُّهُ وَ اجْعَلْ وَجْهَ مَدْحِكَ وَ ذَمِّكَ وَاحِدًا وَ قِفْ فِي مَقَامِ تَعْتَمِتُمْ بِهِ مَدْحَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نَشُورًا. (بحار: ۷۰/۲۹۴) امام صادق (علیه السلام): بنده ای در نزد خداوند به پاکی نمی رسد مگر اینکه مدح و ذم مردم در نظر او یکسان باشد، زیرا کسی که در نظر خداوند ممدوح می باشد با مذمت مردم مذموم نمی گردد کسی که در نزد خداوند مذموم می باشد با مدح و ستایش مردم ممدوح نخواهد شد، بنابراین با مدح کسی خوشحال نباش که مدح او تو را نزد خداوند مقرب نمی کند و مقدرات و سرنوشت تو را تغییر نمی دهد، از مذمت کسی هم محزون مباش زیرا با مذمت اشخاص چیزی از تو کاسته نمی گردد و از مقامت کم نمی گردد، و شهادت خداوند برای تو کفایت می کند، کسی که توانایی ندارد مذمت را از خود دور کند و یا مدح را بطرف خود بکشد چگونه از مدح مردم خوشش می آید و یا از مذمت آنان ناراحت می گردد باید به مدح و یا ذم مردم کاری نداشته باشی و باید کاری کنی که رضایت خدا و مدح او شامل حال تو گردد، مردم همه از آب پستی خلق شده اند و فقط کسانی می توانند سعادت پیدا کنند که در کارهای نیک شتاب داشته باشند خداوند متعال می فرماید: وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ نَبِيٌّ فرموده: وَ لَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نَشُورًا مردم توانایی

ب. باید متملق را به شدت^{۶۷} از خود دور نموده و مطرودش کرد^{۶۸}. خصوصاً اگر فرد متملق جزء انسانهای شرور باشد^{۶۹}. لذا به مسئولین حکومت اسلامی توصیه شده است که اولاً: چاپلوسان را از اطراف خود دور سازند^{۷۰} و ثانیاً: به آنها

ندارند نفع و ضرر را از خود دور کنند و یا مرگ و زندگی را در اختیار بگیرند و یا در قیامت برای خود کاری انجام دهند.

^{۶۷} إِذَا لَقَيْتُمُ الْمَدَاحِينَ فَاحْتُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ. (میزان: ۴/۲۸۶۰) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَسَلَّمَ): زمانی که به مدح کنندگان می‌رسید به صورت آنها خاک بپاشید.

^{۶۸} قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ فَاتْتَنَى عَلَيْهِ تَنَاءً حَسَنًا وَ أَطْرَاهُ وَ ذَكَرَ مَنَاقِبَهُ فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُتَكَلِّمُ لَيْسَ هَذَا حِينَ إِطْرَاءٍ وَ مَا أَحَبُّ أَنْ يَحْضُرَنِي أَحَدٌ فِي هَذَا الْمَحْضَرِ بغير النَّصِيحَةِ (دعائم: ۲/۳۵۳) فردی ایستاد و شروع به مدح حضرت کرد و مدح زیادی هم کرد و افتخارات و مناقب حضرت را هم در کلام طولانی بیان کرد، امام علی (عليه السلام) فرمود: ای سخنگو زمان مدح این زمان نیست و من غیر از نصیحت دوست ندارم چیز دیگری را در حضور من کسی بیان کند.

^{۶۹} شَرُّ التَّنَاءِ مَا جَرَى عَلَى السِّنَةِ الْأَشْرَارِ. (غرر: ۴۸۰) امام علی (عليه السلام): بدترین ستایش‌ها چیزهایی است که بر زبان‌های بدان جاری می‌شود.

^{۷۰} وَلَيْكُنْ أَبْغَضُ أَهْلِكَ وَ وُزَرَائِكَ إِلَيْكَ أَكْثَرَهُمْ لَكَ إِطْرَاءً بِمَا فَعَلْتَ أَوْ تَزِينًا لَكَ بِغَيْرِ مَا فَعَلْتَ (دعائم: ۱/۳۵۵) امام علی (عليه السلام) خطاب به مالک اشتر: باید در میان خانواده و وزراء از کسی بغض داشته باشی که بشتر تو را بخاطر کارهایی که انجام داده ای اغراق گونه بستايند یا این بخاطر آنچه انجام ندادی مدحت کنند.

که دوست دارند مورد تملق قرار گیرند هیچ پستی ندهند^{۷۱}، خصوصاً پست قضاوت^{۷۲}.

ج. وقتی انسان ستایشی را می شنود بگوید: «خداوندا! تو من را بهتر از خودم می شناسی و من خودم را بهتر از آنها می شناسم، خداوندا! من را بهتر از آنچه آنها درباره من فکر می کنند قرار بده! و آنچه را که از من نمی دانند ببخش!»^{۷۳}

علل تملق

انسانها به دو علت تملق می گویند:

اول این که: بعضی از انسانها بخاطر حماقتی که دارند، در ستایشها و نکوهشهایشان، اغراق می کنند^{۷۴}. آنها نمی فهمند که برای جلب دوستی نه تنها

^{۷۱} اخذَرُ أَنْ تَسْتَعْمِلَ أَهْلَ التَّكْبُرِ وَ التَّجْبُرِ وَ النَّخْوَةَ وَ مَنْ يُحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَ الثَّنَاءَ وَ الذِّكْرَ وَ يَطْلُبُ شَرَفَ الدُّنْيَا وَ لَا شَرَفَ إِلَّا بِالتَّقْوَى (دعائم: ۱/۳۶۱) امام علی (علیه السلام): بر حذر باش از اینکه اهل تکبر، زورگویی، خود بزرگ بینی و کسی را که خوش آمد گویی، مدح شدن و از او یاد کردن (در محافل) را دوست دارد و کسی که دنبال موقعیت در دنیا است را بکار گیری که هیچ شرفی جز با تقوا وجود ندارد.

^{۷۲} ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ ... مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءٌ وَ لَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ وَ أَوْلَيْكَ قَلِيلٌ. (نهج: نامه ۵۳) امام علی (علیه السلام): آن کسی را برای قضاوت در بین مردم انتخاب کن ... که ستایش فراوان، وی را به خودبینی نکشاند و خوش آمد گوئی او را بر نیانگیزاند و این افراد کم هستند.

^{۷۳} وَ مَدَحَهُ قَوْمٌ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ. (نهج: حکمت ۱۰۰) امام علی (علیه السلام): حضرت را گروهی در محضر خودش مدح کردند، بعد از آن فرمود: خداوندا تو آگاه تر از خود من به من هستی و من خودم آگاه تر از آنها نسبت به خودم هستم، خداوندا من بهتر از آنچه می گویند قرار بده و آنچه را که از من نمی دانند ببخش.

^{۷۴} أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ. (غرر: ۷۷) امام علی (علیه السلام): بزرگترین حماقت، مبالغه در تعریف نمودن و بدگویی نمودن است.

نیازی به ستایش‌های زبانی نیست بلکه این ستایش‌ها در فرد مقابل ایجاد تردید نسبت به اصل دوستی می‌کند.^{۷۵}

کافی است انسان کسی را قلباً دوست داشته باشد و درباره او زیبا بیان‌دیشد^{۷۶} و در مرحله بعد با نگاه‌های محبت‌آمیز، او را مورد ستایش قرار دهد.^{۷۷} و اگر زمانی که دوستش مورد بدگویی دیگران قرار گرفت، با ذکر خوبی‌هایش، از او دفاع نماید^{۷۸} و البته تلاش کند که این ستایش‌ها به گوش او نرسد.^{۷۹}

دوم این که: انسانها بخاطر ترس از فقر دچار تملق می‌شوند و زشتی فقر نیز به خاطر همین خصلت‌های زشتی است که در انسان ایجاد می‌کند.^{۸۰}

^{۷۵} قَالَ أَبُو الْحَسَنِ النَّالِيُّ (عليه السلام) لِرَجُلٍ وَ قَدْ أَكْثَرَ مِنْ إِفْرَاطِ النَّاءِ عَلَيْهِ أَقْبَلُ عَلَيَّ شَأْنِكَ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَلَقِ يَهْجُمُ عَلَيَّ الظَّنَّة. (بحار: ۷۰/۲۹۵) امام هادی (عليه السلام) به کسی که بسیار حضرت را مدح می‌کرد: توجهت را به خودت معطوف کن، کثرت تملق مرا در معرض بدگمانی قرار می‌دهد.

^{۷۶} إِذَا حَلَلْتَ مِنْ أَخِيكَ فِي مَحَلِّ الثَّقَةِ فَأَعْدِلْ عَنِ الْمَلَقِ إِلَى حُسْنِ النَّيَّةِ. (بحار: ۷۰/۲۹۵) امام هادی (عليه السلام): زمانی که دوستت را در جایگاه مورد اعتمادی یافتی از چاپلوسی گذر نموده و به خالص نمودن نیت درباره او برس.

^{۷۷} إِنَّ الْمَوَدَّةَ يُعْبَرُ عَنْهَا اللِّسَانُ وَعَنِ الْمَحَبَّةِ الْعَيْنَانِ. (غرر: ۴۱۳) امام علی (عليه السلام): از مودت‌ها زبان‌ها سخن می‌گویند و از محبت‌ها چشم‌ها.

^{۷۸} مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ فَاسْتَطَاعَ أَنْ يَنْصُرَهُ فَانصُرْهُ فَانصُرَهُ نَصْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (فقيه: ۴/۳۷۱) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): کسی که در نزد او برادر مسلمانش را غیبت کنند و

بعد توانش را به کار بگیرد تا برادرش را کمک کند، خداوند او را کمک می‌کند.

^{۷۹} إِنَّمَا يُحِبُّكَ مَنْ لَا يَتَمَلَّقُكَ وَ يُثْنِي عَلَيْكَ مَنْ لَا يُسْمِعُكَ. (غرر: ۴۱۷) امام علی (عليه السلام): کسی که تملقت را نمی‌گوید تو را دوست دارد و کسی از تو تمجید می‌کند که این تعریف‌ها را به گوش تو نمی‌رساند.

^{۸۰} مَا أَشَدَّ حُزْنَ النِّسَاءِ وَ أَبْعَدَ فِرَاقَ الْمَوْتِ وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَقْرٌ يَتَمَلَّقُ صَاحِبَهُ ثُمَّ لَا يُعْطَى شَيْئاً. (کافی: ۸/۲۲۰) رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): چقدر غم زن‌ها سخت است و جدایی با مرگ دور و دراز است و سخت‌تر از همه این‌ها بینوایی و نداری است که گرفتار به آن، تملق و چاپلوسی کند و چیزی هم به او ندهند.

ولی اگر درست اندیشیده شود انسان باید با ترجیح فقر، از (۱) حسادت نسبت به اطرافیان، (۲) تحمل بی مورد ستم صاحبان قدرت و (۳) تملق دوستان، خود را رها سازد^{۸۱} و بر خلاف عادات انسانی و تمایلات قلبی تملق کسی را نگوید^{۸۲} و با پیشگیری از رسوایی^{۸۳} بر محرومیت‌های خود نیافزاید^{۸۴}.

انسان در زمان نیاز باید همه ستایش‌ها، و تملق‌ها را در آستان خداوند مطرح کند^{۸۵} زیرا او لایق همه این‌هاست^{۸۶}.

انسانی که بخاطر چشم داشت به امکانات دیگران آنها را می‌ستاید طبیعتاً هنگام بروز تنگدستی‌شان آنها را وامی‌گذارد^{۸۷}.

^{۸۱} الْفَقْرُ خَيْرٌ [لِلْمُؤْمِنِ] مِنْ حَسَدِ الْجَبْرَانِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ وَ تَمَلُّقِ الْإِخْوَانِ. (عُدَّة: ۱۰۷) امام علی (علیه‌السلام): فقر برای مردم از حسادت همسایه، ستم سلطان و تملق دوستان بهتر است.

^{۸۲} لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَتَمَلَّقُ إِذَا حَضَرَ وَ يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ. (فقیهه: ۴/۳۵۸) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): اشخاص متظاهر و فریبکار سه علامت دارند: هر گاه با انسان روبرو گردند چاپلوسی می‌کنند، هر گاه دور باشند غیبت می‌نمایند و اگر برای آدمی مصیبت و ناراحتی پیش آید سرزنش می‌کنند.

^{۸۳} مَنْ جَلَسَ فِي ظِلِّ الْمَلِكِ لَمْ يَسْتَقِرَّ بِهِ مَوْضِعُهُ لِكثْرَةِ تَنَقُّلِهِ وَ تَصَرُّفِهِ مَعَ الطَّبَاعِ وَ عَرَفَهُ النَّاسُ بِالْخَدِيعَةِ. (شرح: ۲۰/۳۳۹) امام علی (علیه‌السلام): کسی که زیر سایه تملق بنشیند، بخاطر زیادی نقل و انتقال و همواره گشتن به دور افراد مختلف جای ثابتی ندارد و مردم (شخصیت) او را با کلک می‌شناسند.

^{۸۴} إِيَّاكَ وَ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ. (الفقیهه: ۴/۴۱۰) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): مواظب طمع باش که آن فقری آشکار است.

^{۸۵} عَلَيْكُمْ بِمَسْأَلَةِ ذُلٍّ وَ خُضُوعٍ وَ تَمَلُّقٍ وَ خُشُوعٍ وَ تَوْبَةٍ وَ نُزُوعٍ. (بحار: ۷۴/۳۴۲) امام علی (علیه‌السلام): بر شما باد خواستن (از خداوند همراه با) کرنش، فروتنی، تملق، خشوع، توبه و اشتیاق شدید.

^{۸۶} أَنْتَ أَحَقُّ مَنْ تَابَ عَلَيَّ وَ قَبِلَ الْعُذْرَ وَ الْمَلَقَ. (المتهجد: ۴۹۶) خداوند تو لایقترین کس برای این هستی که بسوی من برگردی و عذر و تملق مرا قبول کنی.

این چنین فردی نه تنها بدترین دوست^{۸۸} که بدترین دشمن است^{۸۹} زیرا بعد از به هم ریختن اوضاع و در انتقام به خاطر آن همه ستایش‌های زورکی، به سختی، زبان به بدگویی می‌گشاید.^{۹۰}

در این وقت انسان باید خود را ملامت کند که چرا با هزینه نمودن بی مورد اموال خود برای افراد متملق، آنها را دور خود جمع نموده است.^{۹۱}

^{۸۷} وَ أَحْذَرُ ذَوِي الْمَلِكِ اللَّئَامِ فَإِنَّهُمْ فِي النَّائِبَاتِ عَلَيْكَ مِمَّنْ يَحْطَبُ. (دیوان: ۴۹) امام علی (علیه‌السلام): از پستهای صاحب تملق دوری کن چرا که آنها در تلخیهایی که بر فرد فرو می‌آید از جمله کسانی هستند که (تلخی را) بیشتر می‌کند.

^{۸۸} فَإِنْ زَلَّتْ بِصَاحِبِهِمُ النَّعْلُ ثُمَّ احْتَجَّ إِلَىٰ مُعَوْنَتِهِمْ وَ مُكَافَأَتِهِمْ فَأَلَامُ خَلِيلٍ وَ شَرُّ خَدِينٍ. (کافی: ۴/۳۲) امام علی (علیه‌السلام): اگر کفش یکی از آنها پاره شود سپس به کمک آنها و همراهی آنها احتیاج پیدا کند پست‌ترین دوست و بدترین مونس هستند.

^{۸۹} إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَعَانِي بِمَكَائِدِهِ وَ نَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَانِدِهِ وَ وَكَلَّ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلِكِ، وَ يَنْظُرُنِي عَلَىٰ شِدَّةِ الْخَنَقِ. (صحيفة: دعاء ۴۹) امام سجاد (علیه‌السلام): ای خداوند من، چه بسا دشمن ستمگر که با مکاید خویش مرا بیازرد و دامهای خود بر سر راه من تعبیه کرد و مرا زیر نظر خود گرفت و چونان درنده‌ای که در کمین شکار گریخته خود بنشیند در کمین من نشست تا مگر فرصت حمله‌اش به دست افتد و در همان حال که با گشاده رویی چاپلوسی می‌کرد با نگاه خشم آلودش در من می‌نگریست.

^{۹۰} مَا دَحُكَ بِمَا لَيْسَ فِيكَ مُسْتَهْزِئٌ بِكَ فَإِنْ لَمْ تَسْعِفْهُ بِنَوَالِكِ بِالْعِ فِي ذَمِّكَ وَ هِجَائِكَ (غرر: ۴۶۷) امام علی (علیه‌السلام): ستایش کننده تو به آن چه که در تو نیست تمسخر کننده تو است، اگر حاجت او را با عطای خود بر نیاوری در بدگویی از تو مبالغه می‌کند.

^{۹۱} لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمُ فَإِنْ بَقِيَ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهِرُ الشُّكْرَ لَهُ وَ يُرِيهِ النُّصْحَ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مَلَقٌ مِنْهُ وَ كَذِبٌ. (کافی: ۴/۳۱) امام علی (علیه‌السلام): هیچ مردی مالش را در غیر جای مناسب و در غیر مورد کسانی که مستحق آن مال هستند قرار نمی‌دهد مگر اینکه خداوند تشکر کردن و قدردانی آنها را حرام می‌کند (آنها قدردانی نمی‌کنند) و محبت آنها از آن کس دیگر خواهد بود و اگر کسی از آنها با صاحب مال باقی بماند و از او قدردانی کند و خیرخواهی خود را به او نشان دهد صرفاً تملق و کذب است.

نکته آخر:

همان‌گونه که تملق دیگری مذموم است، تعریف از خود نیز عملی زشت بوده و دارای همان آثار شوم است^{۹۲}، هر چند هم که راست بگوید^{۹۳}؛ زیرا اگر هدف از آن جذب دیگران باشد، خداوند این مهم را بر عهده گرفته است^{۹۴}. و اگر صرف اظهار برتری باشد، انسان چه برتری می‌تواند بر دیگری داشته باشد و حال آن که خداوند همه را از زمین آفریده و در رحم مادران قرار داده است!!^{۹۵} بر این اساس اگر کسی بگوید من بهترینم! بدترین است و اگر بگوید من در بهشتم، در دوزخ است^{۹۶}.

^{۹۲} مَنْ مَدَحَ نَفْسَهُ ذَبَحَهَا. (غرر: ۳۰۷) امام علی (علیه‌السلام): کسی که خود را مدح کند خود را ذوب کرده است.

^{۹۳} أَفْبِحُ الصَّدْقِ تَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَي نَفْسِهِ (غرر: ۴۶۶) امام علی (علیه‌السلام): زشت‌ترین حرف راست خودستایی است.

^{۹۴} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا. (نساء: ۴۹) آیا به کسانی که خویششان را پاک می‌شمارند ننگریسته‌ای؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند، و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی‌بینند.

^{۹۵} هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (نجم: ۳۲) خداوند نسبت به شما از همه آگاه‌تر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد!

^{۹۶} مَنْ قَالَ إِنِّي خَيْرُ النَّاسِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ النَّاسِ وَمَنْ قَالَ إِنِّي فِي الْجَنَّةِ فَهُوَ فِي النَّارِ. (نوادر: ۱۰) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس که بگوید من بهترین مردمم بدترین مردم است و هر کس که بگوید من در بهشتم در دوزخ است.

البته اگر هدف از تعریف صرف معرفی خود برای مسئولیت پذیری در آینده^{۹۷} و یا توجیه مسئولیتی باشد که هم اکنون بر عهده گرفته است^{۹۸}، آنوقت نه تنها تعریف از خود زشت نیست که ممکن است ضرورت هم داشته باشد^{۹۹}.

^{۹۷} قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ. (یوسف: ۵۵) [یوسف] گفت: «مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که من نگهدارنده دانا هستم.

^{۹۸} أَلْبَلُغُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ. (اعراف: ۶۸) رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم.

^{۹۹} (امالی صدوق: ۲۱۸) امام صادق علیه السلام: یک یهودی خدمت پیغمبر آمد و تند بآن حضرت نگاه می‌کرد، فرمود: ای یهودی چه حاجت داری؟ عرض کرد: تو برتری یا موسی یا عمران پیغمبر که خدا با او سخن گفت و تورات و عصا به او داد و دریا را برایش شکافت و با ابر بر سرش سایه انداخت، پیغمبر فرمود: خوب نیست کسی خود را بستاید ولی می‌گویم که چون آدم گناه کرد توبه‌اش این بود که گفت خدایا تو را بحق محمد و آل محمد خواهش می‌کنم مرا بیماری و خداوند او را آمرزید و چون نوح سوار کشتی شد و از غرق ترسید گفت خدایا از تو می‌خواهم بحق محمد و آل محمد که مرا از غرق نجات بدهی و خداوند او را نجات داد و چون ابراهیم را بر آتش افکندند گفت خدایا بحق محمد و آل محمد مرا از آن نجات بده و خداوند آن را بر او سرد و سلامت کرد و چون موسی عصایش را افکند و از آن ترسید گفت خدایا از تو خواهم بحق محمد و آل محمد که مرا امان بدهی و خداوند جل جلاله فرمود: مترس تو برتری. ای یهودی اگر موسی زمان مرا درک می‌کرد و به من ایمان نمی‌آورد نه ایمانش و نه نبوتش سودی نداشت، ای یهودی از ذریه من است آن مهدی که چون ظهور بکند عیسی بن مریم برای یاریش فرود می‌آید و او را پیش قدم می‌دارد و پشت سرش نماز می‌گذارد.

خیانت / ۴۱

فصل سوم

هشت گناه

حسد

خیانت / ۴۲

حسد

حسد به معنای آرزوی از بین رفتن نعمتهایی است که محسود (فرد مورد حسادت) در اختیار دارد هرچند این نعمتها از آن او نشود و «غبطه» آن است که همانند آن نعمتها را برای خود بخواهد بدون آن که آرزوی از بین رفتنشان را برای دیگری کند.^{۱۰۰}

^{۱۰۰} الحاسِدُ الَّذِي يَتَمَنَّى زَوَالَ النِّعْمَةِ عَنْ صَاحِبِهَا وَإِنْ لَمْ يُرِدْهَا لِنَفْسِهِ فَالْحَسَدُ مَذْمُومٌ وَالْغِبْطَةُ مَحْمُودَةٌ وَهُوَ أَنْ يُرِيدَ مِنَ النِّعْمَةِ لِنَفْسِهِ مِثْلَ مَا لِصَاحِبِهَا وَلَمْ يَرِدْ زَوَالُهَا عَنْهُ. (جامع: ۱۶۰) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): حاسد کسی است که آرزوی از بین رفتن نعمت دیگری را دارد هر چند آن را برای خود نخواهد بنابراین حسادت بسیار مورد سرزنش است و غبطه پسندیده است و آن اینکه نعمتی که دیگری دارد را برای خود نیز بخواهد و آرزوی از بین رفتن نعمت دیگری نباشد.

آثار حسادت

آثار روانی

حسد به عنوان بدترین و جهان شمول‌ترین^{۱۰۱} مرض^{۱۰۲} شیطانی^{۱۰۳} لاعلاج^{۱۰۴}، در میان رذایل اخلاقی^{۱۰۵} و عیوب روانی^{۱۰۶} مطرح است که هیچ مانندی ندارد^{۱۰۷}.

حسد آنچنان روح را در تسلط خودش نگه می‌دارد^{۱۰۸} که آن را بیشتر از رنجهای دنیوی، عذاب می‌دهد^{۱۰۹}، و هیچ لذت^{۱۱۰} و آسایشی^{۱۱۱} را برایش باقی نمی‌گذارد^{۱۱۲}. انسانی که سوار بر حسد شده است باید بداند این مرکب چموش

^{۱۰۱} دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ الْبَغْضَاءُ وَالْحَسَدُ. (عیون: ۱/۳۱۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): بسوی شما درد امتهای قبلی آمده است که بغض و حسادت باشد.

^{۱۰۲} الْحَسَدُ شَرُّ الْأَمْرَاضِ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت بدترین دردهاست.

^{۱۰۳} الْحَسَدُ مَقْتَصَةُ إِبْلِيسَ الْكُبْرَى. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت بزرگترین دام شیطان است.

^{۱۰۴} الْحَسُودُ لَا يَبْرَأُ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسود (بیماری است که) خوب نمی‌شود.

^{۱۰۵} رَأْسُ الرَّذَائِلِ الْحَسَدُ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): منشا همه زشتی‌ها حسادت است.

^{۱۰۶} الْحَسَدُ رَأْسُ الْعُيُوبِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت منشا همه عیوب است.

^{۱۰۷} الْحَسَدُ مَرَضٌ لَا يُؤْسَى. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت مرضی است که مانند ندارد.

^{۱۰۸} الْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت زندانی کردن روح است.

^{۱۰۹} الْحَسَدُ أَحَدُ الْعَذَابَيْنِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): (اگر دو عذاب بزرگ وجود داشته باشد) حسد یکی از آن دو عذاب است.

^{۱۱۰} أَقَلُّ النَّاسِ لَذَّةَ الْحَسُودِ. (فقیه: ۴/۳۹۴) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): کمترین مردم در خوش بودن حسودان هستند.

^{۱۱۱} لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ. (ارشاد: ۱/۳۰۳) امام علی (علیه‌السلام): برای حسود آسایشی نیست.

^{۱۱۲} لَيْسَتْ لِبَحِيلٍ رَاحَةٌ وَلَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ. (فقیه: ۴/۳۹۴) امام صادق (علیه‌السلام): برای بخیل راحتی و برای حسود لذتی نیست.

جز زحمت^{۱۱۳} و بدبختی^{۱۱۴} و پستی^{۱۱۵} و حقارت^{۱۱۶} و ننگ^{۱۱۷} و فساد^{۱۱۸} و شومی^{۱۱۹} و حسرت^{۱۲۰} و ذلت^{۱۲۱} و اندوه^{۱۲۲} و فقر^{۱۲۳} ثمری دیگر ندارد و لذا به عنوان بدترین همراه انسان^{۱۲۴}، زندگی او را به سختی آشفته می‌سازد^{۱۲۵}.

- ^{۱۱۳} الْحَسَدُ مَطِيئَةُ التَّعَبِ. (بحار: ۷۵/۱۳) امام علی (علیه‌السلام): حسد مرکب رنج است.
- ^{۱۱۴} ثَمَرَةُ الْحَسَدِ شَقَاءُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): نتیجه حسادت، بدبختی در دنیا و آخرت است.
- ^{۱۱۵} الْحَسَدُ دَابُّ السُّقْلِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت روش انسانهای پست است.
- ^{۱۱۶} احذروا الحسد فإنه يزرى بالنفس. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): از حسادت بپرهیزید که شخص را حقیر می‌کند.
- ^{۱۱۷} الْحَسَدُ عَيْبٌ فَاضِحٌ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت عیبی رسوا کننده است.
- ^{۱۱۸} إِذَا أَمْطَرَ التَّحَاسُدُ نَبَتَ التَّفَاسُدُ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): زمانی که باران حسد ورزیدن بارید فساد می‌روید.
- ^{۱۱۹} مَنْ وَلِعَ بِالْحَسَدِ وَلِعَ بِهِ الشُّؤْمُ. (بحار: ۷۵/۱۱) امام علی (علیه‌السلام): کسی که بسوی حسادت بجهد شومی به روی او می‌جهد.
- ^{۱۲۰} الْحَسُودُ كَثِيرُ الْحَسَرَاتِ مُتَضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسود حسرتهايش افزايش مي‌يابد و گناهانش چند برابر مي‌گردد.
- ^{۱۲۱} الْحَسُودُ لَا يَسُودُ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسود آسایش ندارد.
- ^{۱۲۲} مَا رَأَيْتُ ظَالِمًا أَشْبَهَ بِمَظْلُومٍ مِنَ الْحَاسِدِ نَفْسٍ دَائِمٌ وَقَلْبٌ هَائِمٌ وَحَزَنٌ لَازِمٌ. (تحف: ۲۱۶) امام علی (علیه‌السلام): ظالمی را شبیه تر به مظلوم، از حاسد ندیدم، او همواره، حسرت میکشد، دلش غمگین است و اندوه از او دست بر نمیدارد.
- ^{۱۲۳} لَيْسَ ... لِحَسُودٍ غِنًى. (تحف: ۳۶۴) امام صادق (علیه‌السلام): هیچ چیزی حسود را بی نیاز نمی‌کند.
- ^{۱۲۴} شَرُّ مَا صَحِبَ الْمَرْءَ الْحَسَدُ. (تحف: ۸۲) امام علی (علیه‌السلام): بدترین چیزی که همراه فرد می‌شود حسادت است.
- ^{۱۲۵} الْحَسَدُ يَنْكُدُ الْعَيْشَ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت زندگی را بی خیر و برکت می‌سازد.

آری حسد رذیله‌ای عادل است! زیرا ابتدا فریاد صاحبش را در آورده^{۱۲۶} و او را مورد ستم قرار می‌دهد^{۱۲۷} و در نهایت قربانی‌اش می‌کند^{۱۲۸}. مثل حسد شیطان که که موجب لعن ابدیش شد و از آن طرف زمینه انتخاب شدن آدم را به عنوان پیامبر آماده نمود^{۱۲۹}. و یا حسد فرزندان یعقوب بر برادر خود یوسف که موجب شد او عزیز مصر شود و آنها در وقت قحطی محتاج او شدند^{۱۳۰}.

آثار معنوی

حسد بزرگترین مانع در مسیر سعادت^{۱۳۱} و کمال^{۱۳۲} و معرفت^{۱۳۳} و فهم دین^{۱۳۴}، و در تضاد با مبانی ایمان^{۱۳۵}، و کرامت انسانی^{۱۳۶}، و اصول پارسایی^{۱۳۷}، و تجسم کاملی از شیطان^{۱۳۸} شناسانده شده است.

^{۱۲۶} إِنْ مِنْ أَشْرٍ مَا أَضْحَجَ الْمَرْءَ الْحَسَدُ. (جامع: ۱۵۹) امام علی (علیه‌السلام): از بدترین چیزهایی که فریاد انسان را در می‌آورد حسادت است.

^{۱۲۷} مَا رَأَيْتُ ظَالِمًا أَشْبَهَ بِمَظْلُومٍ مِنَ الْحَاسِدِ (تحف: ۲۱۶) امام علی (علیه‌السلام): ظالمی را شبیه تر به مظلوم، از حاسد ندیدم.

^{۱۲۸} لِلَّهِ ذُرُّ الْحَسَدِ مَا أَعْدَلَهُ بَدَأَ بِصَاحِبِهِ فَقَتَلَهُ. (ارشاد: ۱/۱۲۹) امام علی (علیه‌السلام): خیر زیاد بر حسد باد چقدر حسد عادل و دادگر است که اول صاحبش را می‌کشد.

^{۱۲۹} الْحَاسِدُ يُضِرُّ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُضِرَّ بِالْمَحْسُودِ كَمَا يُبْلِسُ أَوْرَثَ بِحَسَدِهِ لِنَفْسِهِ اللَّعْنَةُ وَالْأَدَمَ الْجَائِبَاءَ. (مصباح: ۱۰۴) امام صادق (علیه‌السلام): حسود قبل از اینکه به کسی که مورد حسادت است ضرر بزند به خودش ضرر می‌زند مانند شیطان که بخاطر حسادت برای خودش لعنت و برای آدم برگزیده شدن را بجا گذاشت.

^{۱۳۰} أَخَذَ النَّاسُ ثَلَاثَةً مِنْ ثَلَاثَةِ أَخَذُوا الصَّبْرَ عَنْ أَيُّوبَ وَ الشُّكْرَ عَنْ نُوحٍ وَ الْحَسَدَ عَنْ بَنِي يَعْقُوبَ. (صحيفة الرضا: ۸۳) امام سجاد (علیه‌السلام): مردم سه چیز را از سه کس گرفته اند، صبر را از ایوب، شکر را از نوح و حسادت را از فرزندان یعقوب گرفته اند.

^{۱۳۱} خُلُوْ الصَّدْرِ مِنَ الْغِلِّ وَ الْحَسَدِ مِنْ سَعَادَةِ الْمُتَعَبِّدِ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): تهی بودن سینه از کینه و حسادت از سعادت بنده خداوند است.

حسادت همه معتقدات دینی^{۱۳۹} و ایمانی^{۱۴۰} و خوبی‌های^{۱۴۱} انسان را از جلوه انداخته^{۱۴۲} و در ادامه آنها را از بین می‌برد و کفّه اعمال نیک او را هر چند هم

۱۳۲ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ بِهِ الصَّلَاةُ وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَتَرْكُ الْحَسَدِ وَالْعُجْبِ وَالْفَخْرِ. (تحف: ۳۹۰) امام کاظم (علیه‌السلام): ارزشمندترین چیزی که انسان بعد از شناخت خداوند می‌تواند بوسیله آن به خداوند نزدیک شود نماز، خوبی به والدین و ترک حسد، خود پسندی و فخر فروشی است.

۱۳۳ لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَالِمًا حَتَّى لَا يَحْسُدَ مَنْ فَوْقَهُ وَلَا يُحَقَّرَ مَنْ هُوَ دُونَهُ. (جعفریات: ۲۳۳) امام علی (علیه‌السلام): انسان عالم نمی‌شود مگر زمانی که به ما فوقش حسادت نورزد و زیردستش را کوچک شمارد.

۱۳۴ إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ السَّيِّئَةَ بِالسَّيِّئَةِ الْعَرَبَ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ وَالْأُمَّرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلَ الرَّسَائِقِ بِالْجَهْلِ. (کافی: ۸/۱۶۲) امام علی (علیه‌السلام): خداوند شش گروه را بخاطر شش چیز عذاب می‌کند: عرب بخاطر تعصب، ملائکین بخاطر کبر، حاکمان بخاطر ستم، عالمان بخاطر حسادت، تجار بخاطر خیانت و روستاییان بخاطر نادانی.

﴿سَيِّئَةٌ يَدْخُلُونَ النَّارَ قَبْلَ الْحِسَابِ بِسَيِّئَةٍ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْأُمَّرَاءُ بِالْجَوْرِ وَالْعَرَبُ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلَ الرَّسَائِقِ بِالْجَهَالَةِ وَالْعُلَمَاءَ بِالْحَسَدِ.﴾ (جامع: ۱۴۰) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): شش تن بی‌حساب بدوزخ می‌روند بسزای شش چیز، گفته شد یا رسول الله کیانند؟ فرمود: امراء بخاطر ستم کردن، عرب به خاطر تعصب داشتن، ملائکین به خاطر تکبر، تاجران بخاطر خیانت، روستاییان بخاطر نادانی و عالمان بخاطر حسد.

۱۳۵ الْإِيمَانُ بَرِيءٌ مِنَ الْحَسَدِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): ایمان از حسادت پاک است.

۱۳۶ الْكُرْمُ بَرِيءٌ مِنَ الْحَسَدِ. (غرر: ۳۸۱) امام علی (علیه‌السلام): کرامت از حسادت پاک است.

۱۳۷ لَيْسَ الْحَسَدُ مِنْ خَلْقِ الْأَتْقِيَاءِ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت از اخلاق پرهیزگاران نیست.

۱۳۸ سئل {الصادق عليه السلام} عن الحسد فقال لحمٌ ودمٌ يدور في الناس حتى إذا انتهى إلينا يئس وهو الشيطان. (معانی: ۲۴۴) امام صادق (علیه‌السلام) در مورد حسادت فرمود: گوشت و خونی است که در بین مردم می‌گردد و زمانی که به ما منتهی شود مایوس می‌شود و آن شیطان است.

۱۳۹ آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ. (کافی: ۲/۳۰۷) امام صادق (علیه‌السلام): آفت دین حسادت، خود پسندی و فخر فروشی است.

زیاد باشد^{۱۴۳}، سبک می‌کند^{۱۴۴} و مانع قبولی اعمال اکنون فرد می‌شود^{۱۴۵} و در نهایت، شرک^{۱۴۶} و کفر^{۱۴۷} را در دل او جای می‌دهد آن‌گونه که با شیطان عمل نموده است^{۱۴۸}.

^{۱۴۰} إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (کافی: ۲/۳۰۶) امام باقر (علیه‌السلام): بدرستی که حسادت ایمان را می‌بلعد همانگونه که آتش هیزم را می‌بلعد.

^{۱۴۱} إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (جامع: ۱۵۹) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از حسادت دوری کنید که حسادت خوبی‌ها را می‌بلعد همانگونه که آتش هیزم را می‌بلعد.

^{۱۴۲} دَعِ الْحَسَدَ وَالْكَذِبَ وَالْحِقْدَ فَإِنَّهُنَّ ثَلَاثَةٌ تَشِينُ الدِّينَ وَتُهْلِكُ الرَّجُلَ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت، دروغ و کینه را رها کن که این‌ها سه چیزی هستند که دین را زشت و انسان را از بین می‌برد.

^{۱۴۳} وَاللَّهِ لَوْ قَدَّمَ أَحَدُكُمْ مِلَّةَ الْأَرْضِ ذَهَبًا عَلَى اللَّهِ ثُمَّ حَسَدَ مُؤْمِنًا لَكَانَ ذَلِكَ الذَّهَبُ مِمَّا يَكُونُ بِهِ فِي النَّارِ. (تحف: ۳۰۷) امام صادق (علیه‌السلام): قسم به خداوند اگر یکی از شما به اندازه تمام زمین طلا خیرات کند اما نسبت به مومنی حسادت بورزد همین طلا از جمله چیزهایی است که بوسیله آن سوزانیده می‌شود.

^{۱۴۴} إِنَّ مِيزَانَ الْحَاسِدِ أَبَدًا خَفِيفٌ بِثِقَلِ مِيزَانِ الْمُحْسِنِ. (مصباح: ۱۰۴) امام صادق (علیه‌السلام): بدرستی که در مقابل سنگینی کفه ترازوی عمل کسی که مورد حسادت قرار می‌گیرد حسودی که همیشه در حال حسادت است کفه ترازویش سبک است.

^{۱۴۵} أَنْ فِي السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ مَلَكًا تَمُرُّ بِهِ الْأَعْمَالُ فَرُبَّمَا مَرَّ بِهِ عَمَلٌ كَالشَّمْسِ يُضِيءُ نُورًا فَيُرَدُّهُ وَيَقُولُ هَذَا فِيهِ حَسَدٌ فَاضْرِبُوا بِهِ وَجْهَ صَاحِبِهِ. (ارشاد: ۱/۱۲۹) از یکی از معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده: در آسمان پنجم فرشته ای ایست که اعمال بر او می‌گذرد و چه بسا بر او عملی می‌گذرد که مانند خورشید نور می‌دهد ولی آنرا بر می‌گرداند و می‌گوید: در این حسادت وجود دارد آن را به صورت صاحبش بزیند.

^{۱۴۶} يَقُولُ إِبْلِيسُ لِحُنُودِهِ الْقُوا بَيْنَهُمُ الْحَسَدَ وَالْبَغْيَ فَإِنَّهُمَا يَعْدِلَانِ عِنْدَ اللَّهِ الشَّرْكَ. (کافی: ۲/۳۲۷) امام صادق (علیه‌السلام): شیطان به جنودش می‌گوید: بین انسان‌ها حسادت و ظلم ایجاد کنید که این دو در نزد خداوند معادل شرک هستند.

این همه به این علت است که حسود بخاطر کوری باطنی که پیدا کرده است^{۱۴۹} نسبت به تقسیم نعمت، توسط خداوند^{۱۵۰} و در کل، در رابطه با مقدرات الهی به شدت اعتراض دارد^{۱۵۱} و منکر این است که خداوند تفضلی بر بندگان داشته باشد^{۱۵۲}.

^{۱۴۷} إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ. (کافی: ۸/۷) امام صادق (علیه السلام):

مواظب باشید که بعضی از شما بر دیگری حسادت نوزد چون ریشه کفر حسد است.
^{۱۴۸} لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ رَجُلٌ أَغْظَمَ مِنِّي عَلَىٰ مِنْكَ دَعْوَتِ اللَّهِ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ فَأَرَحْتَنِي مِنْهُمْ أَلَا أَعْلَمُكَ خَصَلَتَيْنِ إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِي مَا عَمِلَ وَإِيَّاكَ وَالْحِرْصَ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِأَدَمَ مَا عَمِلَ. (خصال: ۱/۵۰) امام صادق (علیه السلام): چون حضرت نوح (علیه السلام) از کشتی پیاده شد شیطان آمد و گفت: هیچ کس روی زمین به قدر تو بر من منت ندارد، با یک نفرین مرا از شر این همه فاسق و فاجر آسوده کردی، من در مقابل این خدمت دو پند به تو می‌دهم: از حسد بپرهیز که با من هر چه کرد حسد کرد، و از حرص و آز حذر کن که هر چه به سر آدم آمد از حرص بود.

^{۱۴۹} الْحَسَدُ أَصْلُهُ مِنْ عَمَى الْقَلْبِ وَالْجُحُودُ بِفَضْلِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَهُمَا جَنَاحَانِ لِلْكَفْرِ. (مصباح: ۱۰۴) امام صادق (علیه السلام): ریشه حسد کوری قلب و انکار آن نسبت به کرم الهی است و این دو بالهایی اند برای کفر.

^{۱۵۰} قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْحَاسِدَ سَاخِطٌ لِنِعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي. (کافی: ۲/۳۰۷) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): خداوند فرمود: حسود نسبت به نعمات من ناشکر و نسبت به روزهایی که بین بندگانم قسمت کرده ام را می‌گیرند.

^{۱۵۱} الْحَسُودُ غَضِبَانُ عَلَى الْقَدَرِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه السلام): حسود از مقدرات هم خشمگین است.

^{۱۵۲} قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْحَاسِدَ سَاخِطٌ لِنِعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي. (کافی: ۲/۳۰۷) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): خداوند فرمود: حسود نسبت به نعمات من ناشکر و نسبت به روزهایی که بین بندگانم قسمت کرده ام را می‌گیرند.

بر اساس آنچه گفته شد بزرگان دین نسبت به انسان‌های حسود به سختی اظهار بی‌زاری می‌کنند^{۱۵۳}.

آثار اجتماعی

حسد بدترین روش زندگی است^{۱۵۴} و بزرگ‌ترین مانع در مسیر جذب صحیح^{۱۵۵}، محبت^{۱۵۶} و دوستی^{۱۵۷} و رفاقت^{۱۵۸} با دیگران می‌باشد، زیرا حسود از کسی کینه دارد^{۱۵۹} و با فردی احساس دشمنی می‌کند که نه تنها هیچ گناهی را

^{۱۵۳} إِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ الْمُتْرَاسُونَ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمَائِمِ الْحَسَدَةَ لِإِخْوَانِهِمْ لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ. (تحف: ۳۰۷) امام صادق (علیه‌السلام): از همه شما در نظر من منفورتر کسی است که ریاست طلب و سخن چین و حسود نسبت به برادران خود باشد آنها با من رابطه‌ای ندارند و منم با آنها رابطه‌ای ندارم.

^{۱۵۴} إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُ شَرُّ شَيْمَةٍ وَأَفْيَحُ سَجِيَّةٍ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): از حسد دوری کن، بدرستی که آن بدترین خصلت و زشتترین خوی است.

^{۱۵۵} حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ. (غرر: ۴۱۹) امام علی (علیه‌السلام): حسادت دوست بر اساس ناسالم بودن روابط دوستی است.

^{۱۵۶} وَمَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ كَانَتْ لَهُ الْمَحَبَّةُ عِنْدَ النَّاسِ. (تحف: ۸۸) امام علی (علیه‌السلام): کسی که حسادت را ترک کند نزد مردم محبت خواهد داشت.

^{۱۵۷} الْحُسُودُ لَا خُلَّةَ لَهُ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): هیچ دوستی برای حسود وجود ندارد.

^{۱۵۸} بِئْسَ الرَّفِيقُ الْحُسُودُ. (غرر: ۴۱۸) امام علی (علیه‌السلام): چقدر دوست حسود بد است!.

^{۱۵۹} شِدَّةُ الْحَقْدِ مِنْ شِدَّةِ الْحَسَدِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): شدت کینه بخاطر شدت حسادت است.

در رابطه با او مرتکب نشده است^{۱۶۰} بلکه ممکن است خویشاوند نزدیک و یا حتی برادرش باشد^{۱۶۱}.

او بدون جهت نسبت به اطرافیانش نه تنها نیت خیرخواهانه ندارد^{۱۶۲} بلکه رفتارش تماماً خشم نسبت به آنهاست^{۱۶۳}. و با این خشم برای رسیدن به آرزویش که همان بدبخت نمودن محسود باشد^{۱۶۴} از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کند^{۱۶۵}:
در پنهانی بدگویی می‌کند و در حضور او تملق می‌گوید و هنگام بروز مشکل برای دوستش مدام او را شماتت کرده و به او سرکوفت می‌زند^{۱۶۶}. هرچه بیچارگی ببیند شاد می‌شود و هرچه سرور ببیند غمگین می‌گردد^{۱۶۷}.

^{۱۶۰} الْحَاسِدُ مُعْتَاظٌ عَلَى مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ. (جامع: ۱۶۰) امام علی (علیه‌السلام): حسود به کسی خشم می‌کند که هیچ گناهی ندارد

^{۱۶۱} أَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حَيْثُ قُتِلَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ. (کافی: ۲/۲۸۹) امام صادق (علیه‌السلام): اما (مثال) حسد دو پسر آدم، که یکی از آن دو دیگری را کشت.

^{۱۶۲} النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ. (فقیه: ۴/۵۸) امام صادق (علیه‌السلام): پند از طرف حسود محال است.

^{۱۶۳} الْحَاسِدُ يَطْهَرُ وَدُهُ فِي أَقْوَالِهِ، وَيَخْفَى بُغْضُهُ فِي أَعْمَالِهِ، فَلَهُ إِسْمُ الصَّدِيقِ وَ صِفَةُ الْعَدُوِّ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسود دوستیش را فقط در گفتارش ظاهر می‌کند و در کارهایی که انجام می‌دهد بغضش را مخفی می‌کند بنابراین اسمش دوست است و صفتش دشمن است.

^{۱۶۴} الْحَسَدُ عَيْبٌ فَاضِحٌ وَ شُحٌّ فَادِحٌ لَا يَشْفِي صَاحِبَهُ إِلَّا بُلُوغُ أَمَلِهِ فِيمَنْ يَحْسُدُهُ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): رشک عیبی رسوا و بخلی سنگین و گران است و صاحب آن را به غیر از اینکه به آرزوی خود در مورد کسی که نسبت به او حسد ورزیده است برسد، شفا نمی‌دهد.

^{۱۶۵} الْحَسُودُ سَرِيعُ الْوَيْبَةِ بَطِيءُ الْعَطْفَةِ. (کنز: ۱/۱۳۷) امام علی (علیه‌السلام): حسود زود حمله و دیر محبت می‌کند.

^{۱۶۶} قَالَ لِقَمَّانُ لِأَبْنِهِ: ... لِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَشْتُمُ بِالْمُصِيبَةِ. (خصال: ۱/۱۲۱) امام صادق (علیه‌السلام): برای حسود سه علامت وجود دارد: زمانی که حضور ندارد غیبت می‌کند، زمانی که حضور دارد تملق می‌کند و زمان سختی سرزنش می‌کند.

از نگاهی وسیع‌تر، حسودان بیشترین تأثیر را در مسیر تاریخ گذاشته‌اند^{۱۶۸}؛ خصوصاً تاریخ تشیع. لذا پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خطبه غدیر، قصه حسادت شیطان به آدم را مطرح می‌کنند^{۱۶۹} و در دیگر سخنانشان بارها دیگران را از حسادت به امام علی (علیه‌السلام) نهی می‌نمایند^{۱۷۰}. در این باب سخن به اشارتی بس است! و تا امام مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) بیاید، باید استخوان در گلو و خار در چشم همچنان بماند.

آثار جسمانی

بیماری روانی حسادت، به مرور سلامتی جسمی حسود را به مخاطره می‌اندازد! زیرا بین سلامتی و کمی حسادت رابطه نزدیکی است^{۱۷۱}. لذا حسود هر

^{۱۶۷} الْحَاسِدُ يَفْرَحُ بِالشُّرُورِ {بِالشَّرِّ} وَ يَغْتَمُّ بِالشُّرُورِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسود با بدی‌ها خوشحال و با خوبی‌ها غمگین می‌شود.

^{۱۶۸} الْحَسَدُ ... أَعْدَاءُ الدُّوَلِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسد دشمن دولت‌ها است
^{۱۶۹} مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَمَّا تَحَسَّدُوا فَتَحَبَّطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لِخَطِيئَتِهِ وَاحِدَةً (وَ إِنَّ الْمَلْعُونَ حَسَدَهُ عَلَى الشَّجَرَةِ) وَ هُوَ صَفْوَةٌ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ. (صراط: ۱/۳۰۳) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ای مردم! همانا ابلیس آدم (علیه‌السلام) را با حسد و رشگ از بهشت بیرون کرد، شما بر او رشگ میرید که اعمال شما تباه و قدمهای شما لغزان شود. همانا آدم (علیه‌السلام) با اینکه برگزیده خداوند بود با یک ترک اولی به زمین فرستاده شد و این موضوع درباره شما چگونه خواهد بود؟ حال آنکه شما فقط همینید که هستید (معمولی هستید).

^{۱۷۰} مَنْ حَسَدَ عَلِيًّا حَسَدَتِي وَ مَنْ حَسَدَتِي دَخَلَ النَّارَ. (امالی طوسی: ۶۲۳) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): کسی که به علی حسادت بورزد به من حسادت ورزیده و کسی که نسبت به من حسود باشد داخل آتش می‌شود.

^{۱۷۱} صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ. (نهج: حکمت ۲۵۶) امام علی (علیه‌السلام): سلامت تن از آثار کمی- حسادت است.

چند در ظاهر سالم باشد^{۱۷۲} ولی به مرور جسمش از بیماری‌های متناوب رنج خواهد کشید^{۱۷۳} و در ادامه بیماریش دائمی می‌شود^{۱۷۴}، اعصابش سست شده^{۱۷۵} و بدنش نحیف و لاغر^{۱۷۶} و رنگش زرد و نمور می‌نماید^{۱۷۷}.

مواظب حسودان باشید!!

حسود جز با بدبختی محسود، مسرور نشده^{۱۷۸} و شفا نمی‌یابد^{۱۷۹} و تا آن زمان احساس نمی‌کند به او نعمتی داده شده است^{۱۸۰}. لذا وجودش مملو از خشم نسبت

^{۱۷۲} الْحُسُودُ دَائِمُ السُّقْمِ وَإِنْ كَانَ صَحِيحَ الْجِسْمِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسود همیشه مریض است هر چند از نظر جسمی سالم باشد.

^{۱۷۳} الْحَسَدُ يُضْنِي الْجَسَدَ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسادت در جسم مرضی طولانی مدت ایجاد می‌کند.

^{۱۷۴} الْحُسُودُ أَبَدًا عَلِيلٌ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): حسود همیشه مریض است.

^{۱۷۵} الْحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَةً وَغَيْضًا يُوهِنُ قَلْبَكَ وَيُمرضُ جِسْمَكَ. (کنز: ۱/۱۳۷) امام علی (علیه‌السلام): حسادت چیزی را برای حسود به ارمغان نمی‌آورد مگر ضرر و خشم که قلب را ضعیف می‌کند و جسم را مریض می‌کند.

^{۱۷۶} الْحَسَدُ يُذَيِّبُ الْجَسَدَ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت جسم را ذوب می‌کند.

^{۱۷۷} الْحَسَدُ يُنْشِي الْكَمَدَ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت باعث رنگ پریدگی می‌شود.

^{۱۷۸} الْحَسَدُ ... أَغْدَاءُ الدُّوَلِ. (غرر: ۲۹۹) امام علی (علیه‌السلام): حسد دشمن دولتهاست.

^{۱۷۹} الْحَاسِدُ لَا يَشْفِيهِ إِلَّا زَوَالُ النَّعْمَةِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): هیچ چیز مایه آسایش حسود نیست مگر از بین رفتن نعمت.

^{۱۸۰} الْحَاسِدُ يَرَى أَنَّ زَوَالَ النَّعْمَةِ عَمَّنْ يَحْسُدُهُ نِعْمَةٌ عَلَيْهِ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): فرد حسود فکر می‌کند اگر نعمت از صاحبش که به او حسودی می‌ورزد گرفته شود نعمتی برای خود او است.

به محسود است، خشمی که با یک نگاه، نیز ممکن است بتواند زهرش را منتقل کند!^{۱۸۱}

او در ستیزی که با مقدرات الهی دارد ممکن است بر آنها غالب شده! و بر قوانین جاری جهان پیشی گیرد!!^{۱۸۲}

البته این به معنای آن نیست که قدرت حسود غیر قابل کنترل باشد! خیر! رزقها تقسیم شده است و نفع و ضرر به دست حسود نیست^{۱۸۳}. و حسود بیشترین آسیب را به خود می‌زند^{۱۸۴}.

منتها باید هر روز^{۱۸۵} از شر حسود به خداوند پناه برد^{۱۸۶}. و این پناه بردن به این است که هم با زبان از خداوند بخواهد که او را از شر حسود حفظ کند و هم

^{۱۸۱} فی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ قَالَ أَمَا رَأَيْتَهُ إِذَا فَتِحَ عَيْنَيْهِ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَيْكَ هُوَ ذَاكَ. (معانی: ۲۲۷) امام صادق (علیه‌السلام) در مورد گفته خداوند "و از شر حسود زمانی که حسادت می‌ورزد" فرمود: آیا آن زمانی را که چشمانش را باز می‌کند و به تو نگاه می‌کند را ندیده‌ای، آن شر همان است.

^{۱۸۲} كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَسْبِقَ الْقَدَرَ. (عیون: ۲/۱۳۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): نزدیک است که حسادت بر مقدرات پیشی بگیرد!

^{۱۸۳} الرِّزْقُ مَقْسُومٌ فَمَا ذَا يَنْفَعُ الْحَسِدَ الْحَاسِدَ وَ مَا ذَا يَضُرُّ الْمُحْسُودَ الْحَسَدُ. (مصباح: ۱۰۴) امام صادق (علیه‌السلام): روزی قسمت شده است پس حسادت حسود چه فایده‌ای برای او دارد و حسادت چه ضرری به فرد مورد حسادت می‌رساند!.

^{۱۸۴} قَالَ لُقْمَانُ يَا بُنَيَّ اخْذِرِ الْحَسَدَ فَلَا يَكُونَنَّ مِنْ شَأْنِكَ وَ اجْتَنِبْ سُوءَ الْخُلُقِ وَ لَا يَكُونَنَّ مِنْ طَبْعِكَ فَإِنَّكَ لَا تَضُرُّ بِهِمَا إِلَّا نَفْسَكَ وَ إِذَا كُنْتَ أَنْتَ الضَّارَّ لِنَفْسِكَ كَفَيْتَ عَدُوَّكَ أَمْرَكَ لِأَنَّ عَدَاوَتَكَ لِنَفْسِكَ أَضْرُّ عَلَيْكَ مِنْ عَدَاوَةِ غَيْرِكَ. (کنز: ۱/۱۳۷) امام صادق (علیه‌السلام): لقمان به پسرش گفت: ای پسرم از حسادت دوری کن که نباید در شان و مرام تو باشد و همچنین از اخلاق بد پرهیز کن که نباید جزء شخصیت تو باشد، چرا که تو با این دو فقط به خودت ضرر می‌زنی و زمانی که تو خود به خودت ضرر بزنی دشمنت را در مورد خودت بی‌نیاز کردی چون دشمنی تو بر خودت شدیدتر از دشمنی دشمن است.

در عمل تلاش کند قسمتی از نعمتهایی را که خداوند به او داده است پنهان کند^{۱۸۷} حتی خوابهایی را که می تواند رشک برانگیز باشد^{۱۸۸} آن گونه که حضرت یعقوب به فرزندش یوسف توصیه نمود^{۱۸۹}.

پیشگیری از حسادت

همه انسان‌ها درگیر با حسادت هستند منتها انسان‌های مؤمن حسادت خویش را بکار نمی‌گیرند^{۱۹۰} بر این اساس حسادت در صورتی که موجب ستم و

^{۱۸۵} كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِّ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ وَالْبُغْيِ وَالْحَسَدِ. (خصال: ۱/۳۲۹) امام صادق (علیه السلام): رسول خداوند در هر روز از شش چیز به خداوند پناه می‌برد، شک، شرک، تعصب، خشم، ظلم و حسادت.

^{۱۸۶} قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ... وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. (سوره فلق) بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، ... و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد!

^{۱۸۷} اسْتَعِينُوا عَلَيَّ قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ بِالْكِتْمَانِ ، فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ. (ورام: ۱/۱۲۷) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم): با مخفی کردن نیازهایتان به برآورده شدنشان کمک کنید، چرا که هر کسی که دارای نعمتی باشد مورد حسادت هم قرار می‌گیرد.

^{۱۸۸} أَلْرُؤْيَا لَا تُقْصُ إِلَّا عَلَى مُؤْمِنٍ خَلَا مِنَ الْحَسَدِ وَالْبُغْيِ. (کافی: ۸/۳۳۶) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم): خوابت را برای کسی نقل نکن مگر مومنی که از حسادت و ظلم میرا باشد.

^{۱۸۹} قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ. (یوسف: ۵) [یعقوب] گفت: «ای پسرک من، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.

^{۱۹۰} ثَلَاثَةٌ لَمْ يَنْجُ مِنْهَا نَبِيٌّ فَمَنْ دُونَهُ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي الْخَلْقِ وَالطَّيْرَةِ وَالْحَسَدِ إِلَّا أَنْ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَعْمِلُ حَسَدَهُ. (کافی: ۸/۱۰۸) امام صادق (علیه السلام): سه چیز است که کسی از آنها رها نیست، چه پیغمبر باشد و چه غیر او باشد، اندیشه و وسوسه آور در آفرینش، فال بد زدن و حسد بردن جز اینکه مؤمن حسد خود را بکار نگیرد.

تعدی نسبت به حقوق دیگران نشود، وضعیت وخیمی ندارد^{۱۹۱}. هرچند دل را مشغول نموده و سلامتی جسمی را به مخاطره می‌اندازد^{۱۹۲}. لذا توصیه شده است که هنگام احساس حسادت:

۱. بیشتر مراقب باشید تا حقوقی تضییع نشود^{۱۹۳}.

۲. از خداوند مانند آنچه را که دیگری دارد بخواهید^{۱۹۴}. این نوع خواهش نامش غبطه است، و غبطه منافاتی با خلوص دوستی ندارد^{۱۹۵}. خصوصاً وقتی می‌بینید کسی شب و روز به فکر خدمت به دیگران است و یا در معارف قرآنی

^{۱۹۱} رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ أَشْيَاءَ الْخَطَأُ وَالنَّسِيَانُ وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ وَمَا لَا يُطِيقُونَ وَمَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَالْحَسَدُ وَالطَّيْرَةُ وَالتَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَاسَةِ فِي الْخُلُوةِ مَا لَمْ يَنْطِقُوا بِشَفَقَةٍ. (توحید: ۳۵۳) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از امت من نه چیز برداشته شده است ۱- خطا ۲- فراموشی ۳- آنچه بر انجام آن اجبار شود. ۴- آنچه را انسان نمی‌داند. ۵- آنچه بر آن توانائی ندارد ۶- آنچه از انجام آن ناچار است ۷- حسد ۸- فال بد زدن ۹- تفکر و سوسه آمیز در خلقت و خلق

^{۱۹۲} الْعَجَبُ لِعَفْلَةِ الْحُسَّادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ. (نهج: حکمت ۲۲۵) امام علی (علیه‌السلام): شگفتا که حسودان نسبت به سلامت جسمشان بی‌اعتنا هستند.

^{۱۹۳} إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ وَإِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ. (تحف: ۵۰) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر گاه تفأل زدی برو و هر گاه گمان کردی حکم مکن.

^{۱۹۴} سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ قَالَ لَا يَتَمَنَّي الرَّجُلُ

امْرَأَةَ الرَّجُلِ وَلَا ابْنَتَهُ وَ لَكِنْ يَتَمَنَّي مِثْلَهُمَا. (عباشی: ۱/۲۳۹) راوی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم تفسیر آیه شریفه وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ چیست: یعنی مردی زن و یا دختر مردی را آرزو نمیکند بلکه میخواهد خداوند مانند آنها را به او بدهد.

^{۱۹۵} إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغْبِطُ وَلَا يَحْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغْبِطُ. (کافی: ۲/۳۰۷) امام صادق (علیه‌السلام): مومن غبطه می‌خورد ولی حسد نمی‌ورزد ولی منافق فقط حسد می‌ورزد و قبطه نمی‌خورد.

تمام وقت، تعمق می‌کند. باید به حال این دو گروه بیشتر غبطه ورزیده و از خداوند بخواهد به او این چنین توفیقی را بدهد^{۱۹۶}.

۳. توجه داشته باشید که آثار شوم حسادت همیشه با حسود هست و با بسته شدن پرونده یک محسود، پایان نمی‌پذیرد؛ زیرا همیشه افرادی هستند که خداوند به آنها نعمتی داده است و او به آن نعمت‌ها حسادت خواهد ورزید^{۱۹۷}. لذا حسود خود را این گونه فریب ندهد که «من بالاخره به آرامش خواهم رسید!»^{۱۹۸} «حسود با این اصراری که بر حسادت می‌ورزد راه برگشت به جاده انسانیت و ایمان را به روی خود می‌بندد^{۱۹۹} و تا مرگ خود و یا محسود به حسادتش ادامه دهد^{۲۰۰}.

^{۱۹۶} لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ وَ رَجُلٌ آتَاهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ. (خصال: ۱/۷۶) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): حسد جز در دو چیز روا نیست، شخصی که خداوند [آموزش] قرآن را نصیب او کند و با آن در لحظات شب و روز [به عبادت] بر می‌خیزد و شخصی که خداوند مالی به او بدهد و او آن را در همه اوقات شب و روز انفاق کند.

^{۱۹۷} أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. (نساء: ۵۴) بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند.

^{۱۹۸} لَا يَطْمَعَنَّ الْحَسُودُ فِي رَاحَةِ الْقَلْبِ. (خصال: ۲/۴۳۴) امام صادق (علیه‌السلام): حسود نباید انتظار آرامش قلب داشته باشد و امید آن را داشته باشد.

^{۱۹۹} لَا تَوْبَةَ لِحَاسِدٍ لِأَنَّهُ مُصِرٌّ عَلَيْهِ مُعْتَقِدٌ بِهِ مَطْبُوعٌ فِيهِ يَبْدُو بِلَا مُعَارِضٍ لَهُ وَ لَا سَبَبٍ وَ الطَّعْنُ لَا يَتَغَيَّرُ عَنِ الْأَصْلِ وَ إِنَّ غَوْلَجَ. (مصباح: ۱۰۴) امام صادق (علیه‌السلام): توبه و بازگشت برای حسود نیست، زیرا وی اصرار بر حسادت دارد و به آن معتقد می‌باشد و سرشت آن به حسادت آمیخته شده است، او بدون جهت حسادت میکند، و طبیعت تغییر نمی‌کند اگر چه معالجه گردد. (معالجه سطحی و ناقص خواهد بود)

^{۲۰۰} الْحَسَدُ دَاءٌ عَيَاءٌ لَا يَزُولُ إِلَّا بِهَلْكَ [الْحَاسِدِ] أَوْ مَوْتِ الْمُحْسُودِ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): حسادت دردی بی درمان است که از بین نمی‌رود مگر اینکه حاسد بمیرد یا اینکه آن کسی که مورد حسادت است از بین رود.

۴. نسبت به کم و کیف زندگی خود راضی باشید و در فضایی آرام نسبت به بهبود آن تلاش نمایید.^{۲۰۱}
۵. دغدغه‌های بزرگی در زندگی داشته باشید تا خود را درگیر زندگی دیگران و مسائل کوچک نکنید.^{۲۰۲}
۶. بر شادی‌ها و اندوه‌های قلب خود کنترل داشته باشید!^{۲۰۳} و هیچ وقت به خود اجازه ندهید که از لغزیدن دیگران شاد شوید زیرا هیچ انسانی از بازی روزگار ایمن نیست^{۲۰۴} و نمی‌تواند جلوی حوادث مشابه را درباره خودش بگیرد.^{۲۰۵}
۷. این حقیقت را بپذیرید که انسان‌ها بر یکدیگر برتری دارند.^{۲۰۶} نباید با دیدن برتری دیگری، یا آن را منکر شد و یا خود را کوچک شمرد و بعد

^{۲۰۱} مَنْ رَضِيَ بِحَالِهِ لَمْ يَعْتَوِرْهُ الْحَسَدُ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): کسی که به وضعیت خود راضی باشد دچار حسادت نمی‌شود.

^{۲۰۲} مَنْ صَغَرَ الْهَمَّةَ حَسَدَ الصَّدِيقِ عَلَى النِّعْمَةِ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): کسی که همتش کم است بخاطر نعمت دوستش حسادت می‌کند.

^{۲۰۳} مَنْ اتَّقَى قَلْبُهُ لَمْ يَدْخُلْهُ الْحَسَدُ. (غرر: ۳۰۰) امام علی (علیه‌السلام): کسی که مواظب قلبش باشد حسد در او نفوذ نمی‌کند.

^{۲۰۴} لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقَطَةِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ بِكَ الزَّمَانُ. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): از زمین خوردن دیگری (در ناگواریهای زندگی) شاد نشو چرا که تو از آنچه که زمانه برای تو بوجود می‌آورد آگاه نیستی.

^{۲۰۵} لَا تَبْتَهِّجَنَّ بِخَطَا غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَنْ تَمْلِكُ إِلَّا صَابَةَ أَدَا. (غرر: ۳۰۱) امام علی (علیه‌السلام): بخاطر اشتباه دیگری خوشحال نشو زیرا که تو هم اینطور نیستی که همیشه کار درست را انجام دهی (و هیچ وقت اشتباه نکنی).

^{۲۰۶} وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بَرَادَى رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلْفَنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ. (نحل: ۷۱) و خداوند افزونی داده است بعضی از شماها را بر برخی دیگر در روزی، پس نیستند آنهاييکه افزونی یافتند، رد کننده روزی خود بر افرادی که در

آرزوی از بین رفتن آن را کرد!^{۲۰۷} بلکه باید برای تحقق آرزوها همراه با دعا به درگاه خداوند، تلاش نمود^{۲۰۸}.

تحت مالکیت و اختیار آنها هستند، تا باشند در اینجهت برابر، آیا پس نعمت خداوند را انکار می‌کنید.

^{۲۰۷} (کافی: ۲/۳۰۶) امام صادق (علیه‌السلام): از خدا پروا کنید و بر یک دیگر حسد میرید. همانا از جمله مقررات دینی عیسی بن مریم گردش در شهرها بود، در یکی از گردش‌ها مردی کوتاه قد که غالباً ملازم عیسی علیه‌السلام و از اصحاب آن حضرت بود همراهش شد، چون عیسی بدریا رسید، با یقین درست فرمود: بسم الله و بر روی آب راه رفت، چون مرد کوتاه قد عیسی علیه‌السلام را دید که بر روی آب می‌گذرد او هم با یقین درست گفت بسم الله و بر روی آب براه افتاد تا بعیسی علیه‌السلام رسید، آنگاه دچار خود بینی شد و با خود گفت: این عیسی روح الله است که بر روی آب می‌رود و من هم روی آب می‌روم پس او را بر من چه فضیلتی باشد؟ آنگاه در آب فرو رفت و از عیسی فریادرسی خواست، عیسی دستش را گرفت و از آب بیرون آورد و باو گفت: ای کوتاه قد؛ چه گفتی؟ (که در آب فرو رفتی) گفت: من گفتم: این روح الله است که روی آب راه می‌رود و من هم روی آب راه می‌روم و مرا خود بینی فرا گرفت، عیسی به او فرمود: خود را در جایی قرار دادی که خدایت در آنجا قرار نداده، پس خداوند بسبب این گفتار از تو خشمگین شد، از آنچه گفتی بسوی خداوند عزیز و بلند مرتبه توبه کن.

امام علیه‌السلام فرمود: آن مرد توبه کرد و بر تبه‌ای که خدا برایش قرار داده بود برگشت، پس از خدا پروا کنید و بر یک دیگر حسد نبرید.

^{۲۰۸} وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا. (نساء: ۳۲) و آرزو مکنید آنچه را که افزونی داده است خداوند متعال بآن برخی از شماها را به برخی دیگر، برای مردها سهمی باشد از آنچه تحصیل کرده‌اند، و برای زن‌ها هم سهمی است از آنچه تحصیل کرده‌اند، و شما باید از فضل و افزونی خداوند متعال خواستار باشید، بتحقیق خداوند بهمه اشیاء و امور آگاه و محیط است.

فصل چهارم

هفت گناه
جدل

جدل

تعریف جدل

جدل و یا «مراء» به معنای بحث‌های مغرضانه‌ای است که بعد از روشن شدن حقیقت^{۲۰۹} و به منظور از بین بردن آن^{۲۱۰} صورت می‌گیرد، و با خود همیشه

^{۲۰۹} يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ (أنفال: ۶) با تو در باره حقّ - بعد از آنکه روشن گردید - مجادله می‌کنند.

^{۲۱۰} جَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ (غافر: ۵) و به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند.

شیطنتی را همراه دارد که جدل کننده را وامی‌دارد که برای «انکار حقیقت»^{۲۱۱}، صورتی علمی درست کند آن هم به کمک سخنان باطل و کاملاً غیر منطقی^{۲۱۲}.

توصیف جدل

۱. بدترین خصلت در انسان^{۲۱۳}.
۲. انسان برای مقاومت در مقابل حقیقت به صورت گسترده‌ای دست به جدل می‌زند^{۲۱۴}.
۳. شیطان اولین نفر بود که با خداوند جدل نمود تا بتواند از سجده نمودن بر آدم طفره رود^{۲۱۵}. لذا از جدل به عنوان خوی شیطانی نام برده شده است^{۲۱۶}.

^{۲۱۱} ما يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا (غافر: ۴) (کسی) در آیات (و معجزات) خداوند مجادله و ستیزه نمی‌کند، جز کسانی که کفر ورزیده‌اند.

^{۲۱۲} الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا. (غافر: ۳۵) کسانی که درباره آیات خداوند - بدون حجّتی که برای آنان آمده باشد - مجادله می‌کنند، [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند [مایه] عداوت بزرگی است.

^{۲۱۳} قَالَ الصَّادِقُ الْمِرَاءُ دَاءٌ دَوِيٌّ وَ لَيْسَ فِي الْإِنْسَانِ خَصْلَةٌ شَرٌّ مِنْهُ وَ هُوَ خُلِقَ لِإِبْلِيسَ وَ نَسَبُهُ فَلَا يُمَارَى فِي أَيِّ حَالٍ كَانَ إِلَّا مَنْ كَانَ جَاهِلًا بِنَفْسِهِ وَ بغيرِهِ مَحْرُومًا مِنْ حَقَائِقِ الدِّينِ. (منیة: ۱۷۱) امام صادق (علیه‌السلام): جدال مرضی درونی است و در انسان خصلتی بدتر از آن نیست و همچنین این مرض از خلقیات شیطان است و از مشخصه‌های شخصیتی اوست. بنابراین نباید در هیچ حالتی جدال صورت گیرد مگر کسی که در مورد خود و دیگری نادان است و از حقایق دین هم محروم است.

^{۲۱۴} وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا. (کهف: ۵۴) و در این قرآن برای آدمیان از هر گونه مثل بیان کردیم، ولی انسان بیشتر از هر چیز جدل کند.

^{۲۱۵} قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ. (أعراف: ۱۲) [خداوند به شیطان] فرمود: «چون تو را به سجده [بر آدم] امر کردم چه چیز تو را از سجده کردن باز داشت؟» [شیطان] گفت: «من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.»

۴. بیشترین غضب را پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای جدل در مباحث دینی از خود بروز می‌دادند.^{۲۱۷}

۵. اولین چیزی که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از عبادت بتها از آن نهی شدند جدل‌های دینی بود.^{۲۱۸} این نهی، بیشتر اوقات توسط جبرئیل به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ابلاغ می‌شد.^{۲۱۹}

آنچه با جدل همراه می‌شود

جدل بخاطر این که با زشتی‌های زیادی همراه می‌شود به عنوان بدترین خصلت انسانی شناخته می‌شود:

۱. توهین به تفکرات فرد مقابل.^{۲۲۰}

^{۲۱۶} الْمِرَاءُ ... هُوَ خُلُقٌ إِبْلِيسَ وَ نَسَبُهُ (مستدرک: ۹/۷۳) امام صادق (علیه‌السلام): جدل از اخلاق شیطان است و با او نسبت دارد.

^{۲۱۷} رُوِيَ عَنْ عِدَّةٍ قَالُوا خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَ نَحْنُ نَتَمَارَى فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ فَغَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا لَمْ يُغَضَبْ مِثْلَهُ. (منیة: ۳۱۶) از عده ای از اصحاب رسول خداوند روایت شده که می‌گفتند رسول خداوند روزی نزد ما آمد در حالیکه ما در مورد یکی از مسائل دین بحث و جدل می‌کردیم، پس پیغمبر بسیار عصبانی شدند در حدیکه تا بحال بدین مقدار عصبانی نشده بودند.

^{۲۱۸} ذَرُوا الْمِرَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ مَا نَهَانِي عَنْهُ رَبِّي بَعْدَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ الْمِرَاءُ. (منیة: ۳۱۶) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): مجادله را رها کنید که اولین چیز بعد از عبادت بت که خداوند مرا از آن نهی کرده است جدال است.

^{۲۱۹} مَا كَادَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِينِي إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ اتَّقِ شَحْنََاءَ الرَّجَالِ وَ عَدَاوَتَهُمْ. (کافی: ۲/۳۰۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): تقریبا هیچ وقت جبرئیل نزد من نمی‌آید مگر اینکه می‌گوید ای محمد در مورد خشم مردم و دشمنیشان مواظب باش.

^{۲۲۰} وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ. (أنعام: ۲۵)

۲. تمسخر در حین بحث^{۲۲۱}.
۳. اجرای - بعضاً ناخودآگاه - برنامه‌های دشمن^{۲۲۲}.
۴. تأثیر پذیری از انسان‌های سرکش^{۲۲۳}.
۵. استفاده از سخنان غیر علمی و غیر مستند^{۲۲۴}.
۶. مخالفت با آگاهی‌های فطری^{۲۲۵} و حق‌های روشن^{۲۲۶}.
۷. استفاده گسترده از نام‌های اختراعی^{۲۲۷}.
۸. تلاش برای از بین بردن حقیقت^{۲۲۸}.

و اگر هر آیه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آوردند، بمحض اینکه پیش تو بیایند با تو جدال می‌کنند و کسانی که کافر شدند می‌گویند این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

^{۲۲۱} وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أَنْذَرْتُهُمْ أَكْهَفَ (کَهْف: ۵۶) ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی‌فرستیم اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند!

^{۲۲۲} إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ. (انعام: ۱۲۱) همانا شیاطین، به دوستان خود القا می‌کنند تا به جدال با شما برخیزند و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما هم مشرک می‌شوید.

^{۲۲۳} وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ. (حج: ۳) گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی‌خیزند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند.

^{۲۲۴} مِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ. (لقمان: ۲۰) بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند!

^{۲۲۵} مِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ ... هُدًى. (لقمان: ۲۰) از میان مردم کسانی هستند که در مورد خداوند بدون اینکه خود هدایت شده باشند جدال می‌کنند.

^{۲۲۶} يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ. (أنفال: ۶) آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند.

^{۲۲۷} أَتُجَادِلُونََنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ. (اعراف: ۷۱) آیا درباره نامهایی با من کشمکش لفظی می‌کنید که شما و نیاکاتان نهاده‌اید؟

۹. متهم نمودن فرد مقابل به جدل^{۲۲۹}.
۱۰. ورود به مباحث تخصصی بدون آگاهی لازم^{۲۳۰}.
۱۱. اظهار روحیه ستیزه جویی^{۲۳۱}.

علل جدل

۱. روی برتافتن از حقیقت^{۲۳۲}.
۲. کسب مقامات موهوم علمی^{۲۳۳}.

^{۲۲۸} جَادُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ (غافر: ۵) به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند

^{۲۲۹} قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا. (هود: ۳۲) گفتند: «ای نوح، واقعاً با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی.

^{۲۳۰} يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أَبْلَغُ عَنِّي أَوْلِيَاءِي [السَّلَام] وَقُلْ لَهُمْ لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا وَ مَرُّهُمْ بِالصِّدْقِ فِي الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ مَرُّهُمْ بِالسُّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَمْ يَغْنِيهِمْ. (اختصاص: ۲۴۷) امام رضا (علیه السلام): ای عبد العزیز به دوستانان سلامم را برسان و به آن بگو که برای شیطان راه نفوذی نگذارند و به آنها راستگویی در گفتار و ادای امانت را توصیه کن و به آنها در مورد سکوت در سخنان بیهوده و ترک جدال را هم گوش زد کن.

^{۲۳۱} إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ. (کافی: ۲/۳۰۰) امام علی (علیه السلام): از جدل بی مورد و بر حذر باشید.

^{۲۳۲} أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ. (غافر: ۶۹) آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می کنند، چگونه از راه حق منحرف می شوند؟!

^{۲۳۳} طَلَبَةُ الْعِلْمِ ثَلَاثَةٌ فَاعْرِفُهُمْ بِأَعْيَانِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ الْجَهْلُ وَ الْمِرَاءُ وَ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلِاسْتِطَالَةِ وَ الْخِتْلُ وَ صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ فَصَاحِبُ الْجَهْلِ وَ الْمِرَاءُ مُؤَدِّ مُمَارَ مُتَعَرِّضٌ لِلْمَقَالِ فِي أَنْدِيَةِ الرَّجَالِ بِنْدَاكِرِ الْعِلْمِ. (کافی: ۱/۴۹) امام صادق (علیه السلام): کسب دانش سه گونه است، آنها را به علامات و صفاتشان بشناس. گونه ای که جستجو می کند با جهل و جدل، گونه ای که جستجو می کند با کم توجهی و غفلت و صنفی که با فهم و تعقل جستجو می کند. که اهل جهل و جدل آزار دهنده اند و با یادآوری آن مقدار علمی که دارند با دهان هایی که از زیادی صحبت کف کرده دائماً می خواهند سخن بگویند.

۳. عدم پرداختن به وظایف^{۲۳۴}.
۴. عدم اعتقاد به مُحَق بودن و آگاه بودن پیشوایان دین^{۲۳۵}.
۵. شک در اعتقادات دینی^{۲۳۶}.
۶. جهل^{۲۳۷} به:

^{۲۳۴} إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاَهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ. (مشكاة: ۳۲۵) امام صادق (علیه السلام): زمانی که بنده ای به اطاعت آنچه که خداوند امر کرده و نهی کرده مشغول باشد وقتی برای پرداختن به جدال و خودنمایی کردن در مقابل مردم نخواهد داشت.

^{۲۳۵} (تفسیر الامام: ۲۰۶) امام باقر (علیه السلام): بدانید هر کس در مورد چیزهایی که وارد نیست و از ما به او میرسد تسلیم می شود بهمین اعتماد که ما بر حق هستیم و هرگز او را جز براه حق و حقیقت نمی بریم خداوند در مقابل به او از قصرهای بهشتی آنقدر عنایت میکند که نمیتواند اندازه و ارزش آن را بفهمد و جز خداوند که بخشنده آن قصرها است کسی مقدارش را نمی داند و در ضمن کسانی که بحث و مجادله را رها کنند و تسلیم ما شوند و دست از آزار بردارند موقعی که بر صراط می آیند ملائکه با آنها درباره اعمال و رفتارشان به بحث و مجادله می پردازند در این موقع ندائی میرسد از جانب خداوند که: ای ملائکه من، این بنده ی من مجادله نکرد و تسلیم ائمه خود شد شما نیز با او مجادله نکنید و او را به بهشت برین خدمت ائمه و پیشوایانش ببرید تا از همنشینانی آنها بهره مند گردد چنانچه در دنیا تسلیم ایشان بود.

اما کسانی که اعتراض کنند که چرا و چگونه و پیوسته پرس و جو نمایند ملائکه در صراط به آنها میگویند باید ترا نگه داریم و با تو در مورد اعمال مجادله کنیم چنانچه مجادله میکردی در دنیا با پیشوایان خود. ندائی بملائکه می شود: راست میگوئید با او همان معامله ای بکنید که میکرده او را نگه میدارند میایستند و حسابش بسیار طولانی می شود و راجع به این محاسبه عذابی شدید می بیند چقدر آنجا پشیمان می شود و حسرت می خورد و هیچ چیز نمی تواند او را نجات بخشد مگر رحمت خدا در صورتی که دین خود را از دست نداده باشد و گرنه برای همیشه در جهنم خواهد بود.

^{۲۳۶} الشُّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى التَّمَارِي وَالْهُوْلِ وَ التَّرَدُّدِ وَ الْإِسْتِسْلَامِ فَمَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دَيْدِنًا لَمْ يُضْبِحْ لَيْلُهُ. (نهج: ۴۷۳) امام علی (علیه السلام): شک بر چهار شعبه است: در گفتار جدال نمودن و ترسیدن و دو دل بودن و تسلیم حادته های روزگار گردیدن. پس کسی که جدال را عادت خود کند، خود را از تاریکی شبهه نمی تواند بیرون بیاورد.

- جایگاه علمی خود.
- میزان تأثیر پذیری مخاطب.
- موضوعات مورد بحث^{۲۳۸}.

آثار جدل

۱. تردید در اعتقادات^{۲۳۹} و باورهای دینی^{۲۴۰}.
۲. انحراف جوامع انسانی^{۲۴۱} و از بین رفتن هویت دینی آنها^{۲۴۲}.
۳. از بین رفتن تواضع و فروتنی^{۲۴۳}.

^{۲۳۷} الْجَهْلُ فِي ثَلَاثِ الْكِبَرِ وَ شِدَّةِ الْمِرَاءِ وَ الْجَهْلِ بِاللَّهِ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (اختصاص: ۲۴۴)
 امام صادق (علیه السلام): جهل در سه چیز است: خود بزرگ بینی، شدت جدل و نادانی نسبت به خداوند و این‌ها کسانی هستند که زیان کارند.
^{۲۳۸} لَا يُمَارَى فِي أَىِّ حَالٍ كَانَ إِلَّا مَنْ كَانَ جَاهِلًا بِنَفْسِهِ وَ بَعِيْرِهِ مَحْرُومًا مِنْ حَقَائِقِ الدِّينِ (مستدرک: ۹/۷۳)
 امام صادق (علیه السلام): در هیچ حالتی کسی جدل نمی‌کند مگر این که نسبت به وضعیت خودش و دیگری جاهل بوده و از فهم حقائق دینی محروم است.
^{۲۳۹} إِيَّاكُمْ وَ الْجِدَالَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الشُّكَّ. (اختصاص: ۲/۶۱۴)
 امام علی (علیه السلام): از کلام طعنه و جدلی بپرهیز که با شک را بدنبال دارد.
^{۲۴۰} الْجِدْلُ فِي الدِّينِ يُفْسِدُ الْيَقِيْنَ. (غرر: ۶۵)
 امام علی (علیه السلام): جدل در دین یقین را خراب می‌کند.

^{۲۴۱} مَا ضَلَّ قَوْمٌ بَعْدَ أَنْ هَدَاهُمُ اللَّهُ إِلَّا أَوْتُوا الْجِدْلَ. (منیة: ۱۷۱)
 پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هیچ قومی بعد از اینکه خداوند آنها را هدایت کرد گمراه نشدند مگر اینکه اهل جدل شدند.
^{۲۴۲} رُوِيَ عَنْ عِدَّةٍ قَالُوا خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَ نَحْنُ نَتَمَارَى فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ فَغَضِبَ غَضِبًا شَدِيدًا لَمْ يَغْضَبْ مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِهَذَا. (منیة: ۳۱۶)
 عده ای از اصحاب رسول خداوند روایت شده که می‌گفتند رسول خداوند روزی نزد ما آمد در حالیکه ما در مورد یکی از مسائل دین بحث و جدل می‌کردیم، پس پیغمبر بسیار عصبانی شدند در حدیکه تا بحال بدین مقدار عصبانی نشده بودند و گفتند: کسانی که قبل از شما بودند بخاطر این جدل هلاک و گمراه شدند.

۴. رشد نفاق در روابط دوستانه. با این توضیح که: ادعای هر دوستی این است که: «من خیر تو را می‌خواهم» و هدف جدل چیزی جز غلبه بر فرد مقابل نیست^{۲۴۴}. و در مغلوب شدن هیچ خیری یافت نمی‌شود. پس فردی که جدل می‌کند بر خلاف چهره خیرخواهانه‌اش عمل نموده است و این یعنی نفاق و دو چهره بودن.

۵. رشد نفاق موجب ناسالم شدن روابط دوستی می‌شود^{۲۴۵} و در ادامه، دوستی را از بین می‌برد^{۲۴۶} و در نهایت آن را تبدیل به دشمنی می‌کند^{۲۴۷}.

۶. برملا شدن عیوب. زیرا جدل باعث خشم می‌شود و در این حالت انسان از موضوع بحث منحرف شده و به عیوب شخصیتی فرد مقابل می‌پردازد^{۲۴۸}.

^{۲۴۳} مِنَ التَّوَّاضُعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَيَّ مَنْ تَلَقَى وَأَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا وَأَنْ لَا تُحِبَّ أَنْ تُحَمِّدَ عَلَيَّ التَّقْوَى (کافی: ۲/۱۲۲) امام صادق (علیه‌السلام): از مصادیق تواضع آن است که به قسمت پائین مجلس رضایت دهی، به هرکس برخورد نمودی سلام کنی، جدل را رها کنی هرچند حق با تو باشد، دوست نداشته باشی که تقوای تو را بستایند.

^{۲۴۴} الْمِرَاءُ يُفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ وَيُحِلُّ الْعُقْدَةَ الْوَتِيقَةَ وَأَقْلُّ مَا فِيهِ أَنْ تَكُونَ فِيهِ الْمُعَالَبَةُ وَالْمُعَالَبَةُ أَسُّ سَبَابِ الْقَطِيعَةِ. (اعلام: ۳۱۱) امام هادی (علیه‌السلام): جدل نمودن دوستی‌های قدیمی را خراب نموده و روابط محکم را گسسته می‌کند و کمترین زشتی که در آن است غلبه است و غلبه اساسی-ترین بنیان گسستگی روابط است.

^{۲۴۵} إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمَرِّضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَيُنْبِتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقَ. (منیة: ۳۱۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از جدل نمودن و بحث‌های بی‌ثمر و دشمنی کردن پرهیزید، زیرا این دو، قلب‌ها را با رویاندن دو رویی در آن‌ها، نسبت به دوستان مریض می‌کند.

^{۲۴۶} إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّكَ ... تُفْسِدُ الْإِخَاءَ. (بشارة: ۲۶) امام علی (علیه‌السلام): از جدل دوری کن که برادری را از بین می‌برد.

^{۲۴۷} قَالَ سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ فِيهِ مَنَفَعَةٌ وَهُوَ يَهَيِّجُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ الْعِدَاوَةَ. (مجموعه: ۲/۱۲) حضرت سلیمان به پسرش فرمود: ای پسرم از جدل دوری کن که در آن منفعتی نیست و موجب ایجاد دشمنی بین برادران و دوستان می‌شود.

۷. مشغول شدن قلب و ذهن.
۸. جای گرفتن کینه در دل^{۲۴۹}.
۹. عدم قبولی اعمال عبادی^{۲۵۰}.
۱۰. تهییج عواطف مخرب انسان‌های سفیه و نابخرد^{۲۵۱}.
۱۱. الحاق به گروه زیانکاران^{۲۵۲}. آنهم از تأسف بارترین نوع خسارت^{۲۵۳}.
۱۲. محرومیت از شفاعت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)^{۲۵۴} و در نتیجه نجات نیافتن از دوزخ^{۲۵۵}.

^{۲۴۸} إِيَّاكُمْ وَالْمَشَارَةَ فَإِنَّهَا تُورِثُ الْمَعْرَةَ وَتُظْهِرُ الْمُعْوَرَةَ. (کافی: ۲/۳۰۱) امام صادق (علیه‌السلام): از برانگیختن شر پرهیزید که موجب گناه و آزار و غرامت می‌شود، و عیب پوشیده را آشکار می‌کند.

^{۲۴۹} إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تَشْغَلُ الْقَلْبَ وَتُورِثُ النِّفَاقَ وَتَكْسِبُ الضَّغَائِنَ. (کافی: ۲/۳۰۱) امام صادق (علیه‌السلام): از خصومت دوری کن که قلب را مشغول خود می‌کند و نفاق را به جا می‌گذارد و کینه را کسب می‌کند.

^{۲۵۰} إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ مَعَكَ سَمْعَكَ وَبَصْرَكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ وَدَعِ الْمِرَاءَ وَادِّى الْخَادِمِ وَلْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصَّوْمِ وَ لَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فَطْرِكَ. (تهذیب: ۴/۱۹۴) امام صادق (علیه‌السلام):

زمانی که روزه می‌گیری باید گوش و چشمت را از حرام و زشتی حفظ کنی و جدال را رها کنی همچنین سخت گرفتن به خدمت را هم ترک کنی و باید وقار و آرامش روزه دار بر تو حاکم باشد و نباید روزی را که روزه ای را مانند روزی که روزه نیستی قرار دهی.

^{۲۵۱} إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّكَ تُغْرِى بِنَفْسِكَ السُّفَهَاءَ. (بشارة: ۲۶) امام علی (علیه‌السلام): از جدل دوری کن که تو با آن فقط سفیهان و کم عقلان را گول می‌زنی.

^{۲۵۲} الْجَهْلُ فِي ثَلَاثِ الْكِبَرِ وَ شِدَّةِ الْمِرَاءِ وَالْجَهْلُ بِاللَّهِ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (اختصاص: ۲۴۴) امام صادق (علیه‌السلام): جهل در سه چیز است: خود بزرگ بینی، شدت جدل و نادانی نسبت به خداوند و این‌ها کسانی هستند که زیان کارند.

^{۲۵۳} ذَرُوا الْمِرَاءَ فَإِنَّ الْمُمَارِيَّ قَدْ تَمَّتْ خَسَارَتُهُ. (منیة: ۳۱۶) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): جدل را رها کنید که جدل کننده بدبختی خود را کامل می‌کند.

^{۲۵۴} ذَرُوا الْمِرَاءَ فَإِنَّ الْمُمَارِيَّ لَأَشْفَعُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (منیة: ۳۱۶) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): جدل را رها کنید که جدل کننده را در روز قیامت شفاعت نمی‌کنم.

۱۳. مورد دشنام قرار گرفتن^{۲۵۶} و از بین رفتن آبرو و اعتبار^{۲۵۷} و عزت^{۲۵۸} و پست شدن جدل کننده خصوصاً در جدل نمودن با:

پرهیز از جدل خصوصاً با ...

- کسانی که از آگاهی کامل نسبت به مسئله مورد بحث برخوردار هستند.
- رؤسایی که اگر مورد جدل قرار بگیرند نفوذ خود را روی دیگران متزلزل می‌بینند.
- افراد پستی که در پی بی‌اعتبار کردن دیگران هستند.
- انسان‌های بد دهانی که به راحتی ناسزا می‌گویند.
- زنانی که عواطفشان سریعاً تحریک می‌شود.
- کسانی که بخاطر سن اندکشان قدرت درک درست استدلال‌ها را ندارند^{۲۵۹}.

^{۲۵۵} وَأَعَدْنَا مِنْ ... الْجِدَالِ وَالْمِرَاءِ وَالسَّفَهِّ ... حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّتِكَ غَيْرَ مُعَذِّبِينَ. (بحار: ۲۱/۱۲۴)
پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (خداوند!) ما را از طعنه و سخن‌های کنایه آمیز و جدل و سفاهت حفظ کن تا زمانی که ما را بدون عذاب وارد بهشت کنی.

^{۲۵۶} مَنْ يُحِبَّ الْمِرَاءَ يُشْتَمُ. (کافی: ۲/۶۴۱) لقمان (علیه‌السلام): کسی که جدال را دوست داشته باشد مورد فحش ناسزا قرار می‌گیرد.

^{۲۵۷} مَنْ ضَنَّ بِعَرَضِهِ فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ. (میزان: ش ۱۱۸۶۰) امام علی (علیه‌السلام): هرکس نسبت به آبرویش بخل ورزد از جدل کردن می‌پرهیزد.

^{۲۵۸} مَا أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطُّ إِلَّا وَعَظَنِي فَأَخَّرُ قَوْلَهُ لِي إِيَّاكَ وَ مُشَارَةَ النَّاسِ فَإِنَّهَا تَكْشِفُ الْعَوْرَةَ وَ تَذْهَبُ بِالْعِزِّ. (کافی: ۲/۳۰۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هیچ وقت جبرئیل پیش من نمی‌آید مگر اینکه مرا پندی می‌دهد و حرف آخر او این است که تو را از یکی بدو کردن با مردم بر حذر می‌دارم که باعث آشکار شدن عیوب و از بین رفتن عزت می‌شود.

^{۲۵۹} سِتَّةٌ لَا يُمَارُونَ: الْفَقِيهُ وَ الرَّيِّسُ وَ الدَّنِيُّ وَ الْبَدِيُّ وَ الْمَرْأَةُ وَ الصَّبِيُّ (غرر: ۴۸۰) امام علی (علیه‌السلام): با شش کس بخصوص جدل و بحث‌های بی‌ثمر نکن: کسی که عالم است، فردی که در

آثار ترک جدل

۱. ورع و فراهم شدن زمینه ترک گناه^{۲۶۰}.
۲. رشد کردن دین مسلمان^{۲۶۱} و تحقق اصل ایمان و بعد کمال آن^{۲۶۲} تا نیل به حقیقت ایمان^{۲۶۳}.
۳. کسی که جدل را با وجود آنکه حق با اوست ترک می کند در بالاترین جای بهشت منزل می گزیند و کسی که جدل را بخاطر این که مضامین سخنانش باطل است ترک کند در پایین بهشت منزل داده می شود^{۲۶۴}.

محدوده فرد بحث کننده ریاست دارد، شخصی که در آن محدوده رتبه پایینی دارد، بد دهان، زن و بچه.

^{۲۶۰} أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (فقیه: ۴/۳۹۴) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): با ورع ترین مردم کسی است که جدال را ترک کند هر چند حق با او باشد.

^{۲۶۱} إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ وَ قَلَّةُ الْمِرَاءِ وَ حِلْمُهُ وَ صَبْرُهُ وَ حُسْنُ خُلُقِهِ. (خصال: ۱/۲۹۰) امام سجاد (علیه السلام): یقیناً شناخت کمال دین مسلمان با ترک کردن سخن

بیهوده و کم کردن جدال و بردباری و صبر و اخلاق نیک بدست می آید.
^{۲۶۲} لَا يُؤْمِنُ رَجُلٌ حَتَّى يُحِبَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَ هُوَ مُحِقٌّ فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَا عَلَامَةُ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ هَذَا وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (بشارة: ۱۵۴) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): ایمان نیاورده است فردی مگر اینکه اهل بیت را دوست داشته باشد و جدال را ترک کند در حالی که حق با اوست. عمر بن خطاب در این هنگام گفت: نشانه محبت

اهل بیت تو چیست؟ پیغمبر فرمود: این و دستشان را به خاطر اشاره به علی علیه السلام زدند.
^{۲۶۳} لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (منية: ۱۷۱) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): نمی تواند فردی دینش را بدرستی کامل کند تا اینکه جدال را ترک کند هر چند حق با او باشد.

^{۲۶۴} مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ هُوَ مُحِقٌّ بَنِي لَهُ بَيْتٌ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ هُوَ مُبْطِلٌ بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتًا فِي رِبْضِ الْجَنَّةِ. (مجموعه: ۱/۱۰۸) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): کسی که جدال را ترک کند در حالی که حق با او بوده است خانه ای در بلندای بهشت برای او ساخته می شود و کسی که

صورت‌های چهارگانه جدل

بعضی علاقه خاصی به بحث کردن در موضوعات دینی دارند و هدفشان تنها خودنمایی است، یکی از این افراد به امام سجاد (علیه‌السلام) گفت: بنشین با هم در مباحث دینی مناظره کنیم! حضرت به او فرمودند: من نسبت به دینم بصیرت دارم و برایم روشن است که هدایت یافته‌ام، اگر تو درباره دینت نادانی، برو آگاهی پیدا کن! من را چه به جدل؟! شیطان می‌آید سراغ فرد و او را وسوسه کرده و برایش زمزمه می‌کند که: «با مردم درباره دین مناظره کن! تا تصور نکنند ناتوان و نادانی».

بعد حضرت ادامه دادند: جدل از چهار حالت خارج نیست:

- ۱) یا تو و دوستت درباره مسئله‌ای بحث می‌کنید که هر دو درباره آن آگاهی دارید. در این صورت شما خیرخواه یکدیگر نیستید بلکه به دنبال رسوا نمودن یکدیگرید و آن آگاهی را که دارید تباه خواهید ساخت.
- ۲) یا نسبت به مسئله مورد جدل، ناآگاهید، در این وقت شما نادانیتان را اظهار نموده و جاهلانه به مخاصمه پرداخته‌اید!
- ۳) یا موضوع مورد بحث را تنها تو می‌دانی، در این صورت تو (بجای این که به او آگاهی بدهی با پیچاندنش و مناظره با او) به او ستم کردی و در پی لغزش هستی.
- ۴) و یا تنها دوستت موضوع را می‌داند، در این وقت تو (بجای استفاده کردن از علم او) حرمتش را حفظ نکردی و او را در جایگاهش قبول نمودی.

جدال را ترک کند در حالی که سخن او نادرست و اشتباه بوده است سرپناهی در بهشت برای او ساخته می‌شود.

همه این صورت‌ها حيله‌گری است پس اگر کسی منصف باشد و حق را قبول نماید و جدل را رها سازد، ایمانش را محکم نموده است و همراه خوبی برای دینش بوده و عقلش را حفظ کرده است.^{۲۶۵}

جدل پسندیده!

ممکن است انسان حق‌محور، نیز از جدل استفاده نموده^{۲۶۶} و حقیقت را بر دشمن حقیقت، یاری رساند^{۲۶۷} و آن زمانی است که استدلال و موعظه نتواند سودمند واقع شود، آن وقت چاره‌ای نیست جز جدل. بدین معنا که سخنان باطل انسان حق‌ستیز، به ظاهر قبول شده ولی در ادامه او به تناقض کشیده شود^{۲۶۸}. مثل مجادله حضرت ابراهیم با پرستندگان خورشید و ماه و ستاره^{۲۶۹}. استفاده از

^{۲۶۵} منیة: ۱۷۱

^{۲۶۶} نَحْنُ الْمُجَادِلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ. (احتجاج: ۱/۱۵) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ما جدال‌کنندگان (به روش نیکو) در دین خداوند هستیم.

^{۲۶۷} مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَىٰ عَدُوِّنَا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْقِفِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَزَّ وَجَلَّ. (امالی مفید: ۳۳) امام باقر (علیه‌السلام): هر کس با زبانش ما را بر دشمنانمان پیروز آنگاه که در محضر خداوند حاضر شود خداوند زبانش را به برهانی قانع‌کننده (که موجب رهاییش از دوزخ شود) گویا می‌کند.

^{۲۶۸} ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (نحل: ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

^{۲۶۹} فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (۷۶) فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۷) فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸). (انعام) هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» (۷۶) و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» (۷۷) و هنگامی که خورشید

این راه نیازمند آگاهی کامل از روش بحثی منکران حقیقت است.^{۲۷۰} و باید مواظب بود تا برای اثبات حقیقتی، حقیقتی دیگر انکار نشود.^{۲۷۱}

«جدال احسن» زمانی مؤثر است که فرد لجوج تنها به دشمنی زبانی با حقیقت، بسنده کرده است و راه تجاوز و ستم را پیش نگرفته است.^{۲۷۲} و الا در غیر این صورت باید از شیوه‌های نظامی در برخورد با آنها استفاده کرد.^{۲۷۳}

را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم!» (۷۸)

^{۲۷۰} وَ إِنْ جَادُلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ. (حج: ۶۸) و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاهتر است!»

^{۲۷۱} أَمَّا الْجِدَالُ بغيرِ التِّي هِيَ أَحْسَنُ بَأَنْ تَجِدَّ حَقًّا لَا يُمَكِّنُكَ أَنْ تَفَرَّقَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ بَاطِلٍ مَنْ تُجَادِلُهُ وَ إِنَّمَا تَدْفَعُهُ عَنْ بَاطِلِهِ بَأَنْ تَجِدَّ الْحَقَّ فَهَذَا هُوَ الْمُحَرَّمُ لِأَنَّكَ مِثْلُهُ جَدَّ هُوَ حَقًّا وَ جَدَدْتَ أَنْتَ حَقًّا آخِرَ. (احتجاج: ۱/۲۱) امام صادق (علیه‌السلام): اما جدال بغیر گونه نیکویش بدین گونه است که منکر حقیقی شوی که جدا کردن حق از باطل طرف مقابل را از تو سلب می‌کند، و با این کار تنها او را از باطلش دور می‌سازی نه اینکه به حق نزدیک کنی و این شیوه ممنوع و حرام است، زیرا هر دوی شما منکر حق می‌باشید.

^{۲۷۲} وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ. (عنکبوت: ۴۶) و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند.

^{۲۷۳} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ. (تحریم: ۹) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است.

فصل پنجم

هشت گناه
تمسخر

تمسخر

مقدمه

هیچ یک از مردان و زنان نباید یگدیگر را مورد تمسخر قرار دهند چه این که مسخره کننده از کجا می‌داند، فرد مورد تمسخر از او برتر نباشد؟!^{۲۷۴} بلکه بر عکس، همیشه انسان‌های برتر، مورد تمسخر و خنده^{۲۷۵} افراد غیر صالح قرار

^{۲۷۴} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ (حجرات: ۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند.

^{۲۷۵} إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (المطففين: ۲۹) [آری، در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند.

می‌گیرند^{۲۷۶}، افرادی که تنها می‌خندند و با تمسخرهای خود شادمانند^{۲۷۷} و هیچ اهل گریستن بر حال زار خود نیستند^{۲۷۸}؛ چه این که خداوند را فراموش کرده‌اند^{۲۷۹}.

انواع سوژه تمسخر

سوژه تمسخر یا مفهومی ارزشی است و یا ضد ارزشی و یا هیچ کدام: الف) اگر سوژه تمسخر، ارزشی باشد^{۲۸۰} غالباً مفاهیمی است که از طرفی، تعجب انسان‌های صالح را بخاطر عدم پایبندی دیگران به آن ارزش‌ها برمی‌انگیزاند؛ و از طرفی همان دیگران، با مسخره کردن، تعجب خود را نسبت به پایبندی افراد صالح به آن ارزش‌ها ابراز می‌دارند!!

^{۲۷۶} وَ لَقَدْ اسْتَهْزَئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (الأَنعام: ۱۰) و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند. پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید.

^{۲۷۷} وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (المطففين: ۳۱) و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی‌گشتند، به شوخ طبعی می‌پرداختند.

^{۲۷۸} وَ تَضَحَّكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ (النجم: ۶۰) و می‌خندید و نمی‌گریید؟
^{۲۷۹} فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوَكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحَّكُونَ (المؤمنون: ۱۱۰) و شما آنان [مؤمنان] را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید.

^{۲۸۰} الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ (التوبة: ۷۹) کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب]، از روی میل، صدقات [مستحب] نیز می‌دهند، عیب می‌گیرند، و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند، [عیبجویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند.

ب) اگر سوژه تمسخر، ضد ارزشی باشد غالباً اموری است که خود مسخره کننده آن را دارا است^{۲۸۱} و او بجای نگران بودن بر عیوب خود، همان زشتی‌ها را سوژه تمسخر خود قرار داده است^{۲۸۲}.

ج) ممکن است سوژه تمسخر نه ارزش باشد و نه ضد ارزش مثل تهنیت دادن که تمسخر در این موضوعات نیز به شدت ناپسند بوده و خشم خداوند را بخاطر پی آمدهای زیادی که دارد به سختی برمی‌انگیزاند^{۲۸۳}.

از همین نوع است تحقیر کسی به خاطر نقص‌های جسمانی^{۲۸۴}.

^{۲۸۱} كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا ... أَنْ يُعَيِّرَ النَّاسَ بِمَا لَمْ يَسْتَطِيعْ تَرْكُهُ ... (أُمَالِي الْمَفِيد: ۲۷۹) امام باقر (علیه‌السلام) از قول پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): همین به عنوان عیب برای انسان کافی است که ... مردم را به چیزی سرزنش کند که خودش توان ترک آن را ندارد.

^{۲۸۲} لَا تُعَيِّرَنَّ أَحَدًا بِخَطِيئَتِهِ وَابْكِ عَلَى خَطِيئَتِكَ (بحار الأنوار ۷۰ / ۳۸۷) امام باقر (علیه‌السلام) از قول حضرت خضر به حضرت موسی: کسی را به خاطر گناه سرزنش منما، و برای گناهت گریه کن.
^{۲۸۳} لَا تُحَقِّرُوا فُقَرَاءَ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مِنْهُمْ فَقِيرًا وَاسْتَخَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ وَلَمْ يَزَلْ مَاقِتًا لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ (مشكاة: ۳۲۲) امام صادق (علیه‌السلام): فقراء شیعیان ما را تحقیر نکنید، زیرا هر کس مؤمنی را تحقیر کند و او را سبک بشمارد، خداوند هم او را حقیر می‌گرداند تا آن گاه که دست از این عمل باز دارد.

^{۲۸۴} إِنَّ أَبَا ذَرٍّ عَبَّرَ رَجُلًا عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ص بِأُمَّهِ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ السَّوْدَاءِ وَكَانَتْ أُمُّهُ سَوْدَاءَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص تُعْبِرُهُ بِأُمَّهِ يَا أَبَا ذَرٍّ قَالَ فَلَمْ يَزَلْ أَبُو ذَرٍّ يُمِرُّ وَجْهَهُ فِي التُّرَابِ وَرَأْسُهُ حَتَّى رَضِيَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْهُ (بحار: ۷۲ / ۱۴۷) از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) نقل شده است که: ابا ذر در زمان پیغمبر مردی را سرزنش کرد، به او گفت: ای زاده سیاه و مادر او سیاه بوده، و رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به ابا ذر: ای ابا ذر او را بمادرش سرزنش کردی، فرمود: ابوذر پیوسته روی و سر را به خاک غلطاند تا رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) از او راضی شد.

البته هیچ تمسخری بی جواب نمی ماند و روزگار، با ورق گردانی هایی که دارد، مسخره کنندگان را مورد تمسخر قرار می دهد^{۲۸۵} و موقع آن می شود که خوبها بر بدها بخندند^{۲۸۶} و آن وقت است که افسوس، کاری از پیش نمی برد^{۲۸۷}.
از طرفی انسان خود نباید بهانه به دست مسخره کنندگان بدهد^{۲۸۸} و باید در این راه از خداوند به جد استمداد بجوید^{۲۸۹}.

ابزار تمسخر

۱. اشاره های چشم^{۲۹۰}.

^{۲۸۵} وَ يَضَعُ الْفُلُكَ وَ كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنَّ تَسَخَّرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسَخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسَخَّرُونَ (هود: ۳۸) و [نوح] کشتی را می ساخت، و هر بار که اشرافی از قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. می گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد.»

^{۲۸۶} فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (المطففين: ۳۴) و [لی] امروز، مؤمنانند که بر کافران خنده می زنند.

^{۲۸۷} أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ (الزمر: ۵۶) تا آنکه [مبادا] کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم بی تردید من از ریشخندکنندگان بودم.»

^{۲۸۸} إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْ لَالَ نَفْسِهِ (کافی: ۶۳/۵) امام صادق (علیه السلام): خداوند تمام کارهای هر مسلمانی را بخود او واگذار نموده است مگر ذلیل کردن خود.

^{۲۸۹} أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذِلَّ أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ (فقیه: ۳۳۷/۱) {خداوند! پناه می برم بتو از آنکه کسی را خوار کنم یا کسی مرا خوار کند، یا کسی را گمراه کنم یا کسی مرا گمراه کند، یا بر کسی ستم کنم یا خود مورد ستم دیگری واقع شوم، یا در باره کسی نادانی کنم یا کسی نسبت به من نابخردی نماید.

* اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى وَ أَنْ نَأْتِيَ مَا عَنَّهُ تَنْهَى (بحار: ۹۲/۸۴) خدایا، به تو پناه می بریم از اینکه خوار و رسوا گشته و آنچه را که از آن نهی فرموده ای مرتکب شویم.

^{۲۹۰} وَبِئْسَ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُحْمَةٌ (همزه: ۱) وای بر هر بدگوی عیبجویی.

۲. تقلید رفتارهای خاص^{۲۹۱}.
۳. جدل‌های جاهلانه^{۲۹۲}.
۴. سخنان لهو و بیهوده^{۲۹۳}.

علل تمسخر

۱. کدورت‌های مقطعی بین دوستان^{۲۹۴}.
۲. داشتن روحیه سرزنش آن گونه که هیچ خطا و عیبی را بدون سرزنش نمی‌گذارد^{۲۹۵}.

^{۲۹۱} (بخار: ۵۹/۱۸) حکم بن عاص عموی عثمان بن عفان، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به خاطر نحوی گام برداشتنشان در راه رفتن استهزاء می‌کرد و {با تقلید} ایشان را مسخره می‌نمود، روزی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) راه می‌رفتند و حکم پشت سر ایشان به جهت مسخره کردن راه رفتن ایشان کتف‌هایش را این طرف و آن طرف می‌کرد و دست‌هایش را می‌انداخت در این هنگام رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره ای کردند و: «همین طور بمان» از آن پس حکم در راه رفتنش به همان صورت که کتف‌هایش را این طرف و آن طرف می‌کرد و دست‌هایش را می‌انداخت، ماند سپس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) او را از مدینه تبعید کردند و او را مورد لعن خود قرار دادند و او تا زمان عثمان از مدینه طرد شده بود که عثمان او را برگرداند.

^{۲۹۲} وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أَنْذَرُوا هُزُوعًا (کهف: ۵۶) و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم، و کسانی که کافر شده‌اند، به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن، حق را پایمال گردانند، و نشانه‌های من و آنچه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند.

^{۲۹۳} رُوی فی آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ» ... هُوَ الطَّعْنُ فِي الْحَقِّ وَ الْاسْتِهْزَاءُ بِهِ (بخار: ۱۳۶/۹) در تفسیر آیه ۶ سوره لقمان که می‌فرماید: «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده {و لهو الحدیث} را خریدارند» از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که: لهو الحدیث طعنه زدن و مسخره کردن حق است.

^{۲۹۴} إِذَا وَقَعَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ هِنَةٌ فَلَا تُعْيِرْهُ بِذَنْبٍ (مستدرک: ۱۱۲/۹) امام صادق (علیه‌السلام): اگر بین تو و برادر مسلمان چیزی اتفاق افتاد او را برای گناهش مورد ملامت و توبیخ قرار مده.

۳. داشتن کبر و تجبر و تفوق بر دیگران^{۲۹۶}.
۴. عدم محبت نسبت به فقرا و مستضعفین^{۲۹۷}.
۵. درشتخویی^{۲۹۸}.
۶. امتیازخواهی‌های خواص^{۲۹۹}.
۷. رواج فساد در جامعه^{۳۰۰}.

^{۲۹۵} لَا تَكُونَنَّ عَيَّابًا وَلَا تَطْلُبَنَّ لِكُلِّ رِزْقٍ عِتَابًا وَلَا لِكُلِّ ذَنْبٍ عِقَابًا (مستدرک: ۱۱۳/۹) امام علی (علیه السلام): از مردم عیبجوئی نکنید و برای هر لغزش، مورد ملامتشان قرار ندهید و بهر گناهی کيفرشان ننمائید.

^{۲۹۶} مَنْ حَقَّرَ النَّاسَ وَ تَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَذَلِكَ الْجَبَّارُ (کافی: ۳۱۱/۲) امام صادق (علیه السلام): هر که مردم را زبون و ناچیز شمارد و بر آنها بزرگی و تجبر کند، او است که جبار و زورگو است.

^{۲۹۷} اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتَ مِنْهُ وَالْمَحْقَرَةَ حَتَّى يَمُوتَهُ النَّاسُ وَاللَّهُ لَهُ أَشَدُّ مَقْتًا فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُحِبُّوهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ رَسُولَهُ ص بِحِبِّهِمْ فَمَنْ لَمْ يُحِبْ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِحِبِّهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ مَاتَ وَ هُوَ مِنَ الْغَاوِينَ (کافی: ۷/۸) امام صادق (علیه السلام): بدانید هر که خوار شمارد یکی از مسلمانان را خداوند خشم خود و خواری را بر او فرو ریزد تا اینکه مردم بر او خشم کنند و خشم خدا بر او سخت تر از مردم است، پس از خدا در باره برادران مسلمان مستمندتان بترسید زیرا آنان بر شما حقی دارند که شما آنها را دوست بدارید چنانچه خداوند پیغمبر خود (صلی الله علیه و آله وسلم) را مأمور بدوستی آنان کرده، پس هر که دوست ندارد کسی را که خدا دستور دوست داشتنش را داده خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده و هر که نافرمانی خدا و رسولش را کند و بر آن حال بمیرد بحال گمراهی و نومیدی مرده است.

^{۲۹۸} الْفِسْقُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ الْجَفَا وَ الْعَمَى وَ الْغَفْلَةُ وَ الْعُتُوُّ فَمَنْ جَفَا حَقَّرَ الْمُؤْمِنَ وَ مَقَّتَ الْفُقَهَاءَ وَ أَصْرًا عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ (بحار: ۳۸۲/۶۵) امام علی (علیه السلام): فسق بر چهار شعبه است: جفا، کوری، غفلت، سرکشی، پس هر که جفا کند حق را کوچک شمرده، و فقهاء را دشمن داشته، و بر گناه بزرگ اصرار کرده است.

^{۲۹۹} وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (التوبة: ۵۸) و برخی از آنان در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند، پس اگر از آن [اموال] به ایشان داده شود خشنود می گردند، و اگر از آن به ایشان داده نشود بناگاه به خشم می آیند.

موارد تمسخر

۱. برخورد طنز با عذاب‌های الهی^{۳۰۱}.
۲. انگشت گذاشتن روی تناقض‌های ظاهری آیات قرآن^{۳۰۲}.
۳. تأکید بر محاسن فرد مقابل به قصد تمسخر^{۳۰۳}.
۴. تأکید بر زشتی‌های خود به قصد تمسخر^{۳۰۴}.
۵. اظهار نفهمی نسبت به مطالب ساده و روشن^{۳۰۵}.

^{۳۰۱} قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أُذْلَةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل: ۳۴)
[ملکه سبا] گفت: «پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباہ و عزیزانش را خوار می‌گردانند، و این گونه می‌کنند.»

^{۳۰۲} وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (طور: ۴۴) و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می‌گویند: «بری مترکم است.»

^{۳۰۳} وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِنْتَلُهُمْ إِذَا جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (نساء: ۱۴۰) و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.

^{۳۰۴} قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنْ صَالِحًا مَرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (اعراف: ۷۵) سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟» گفتند: «بی‌تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم.»

^{۳۰۵} وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُونَ (فصلت: ۵) و گفتند: «دل‌های ما از آنچه ما را به سوی آن می‌خوانی سخت محجوب و مهجور است. و در گوش‌های ما سنگینی و میان ما و تو پرده‌ای است پس تو کار خود را بکن ما [هم] کار خود را می‌کنیم.»

مصادیق تحقیر

۱. وادار نمودن فقرا برای آمدن به درب خانه برای گرفته حقوقشان^{۳۰۶}.
۲. عدم یاری نمودن مؤمن در صورتی که توان یاری باشد^{۳۰۷}.
۳. عدم احترام به عزیزی که دلیل شده است و ثرتمندی که فقیر گشته است و عالمی که از علمش استفاده نمی‌شود^{۳۰۸}.
۴. خیره شدن به صورت نیازمند در حال کمک به او^{۳۰۹}.

^{۳۰۵} وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (محمد: ۱۶) و از میان [مناقضان] کسانی‌اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می‌دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند، به دانش یافتگان می‌گویند: «هم اکنون چه گفت؟» اینان همانانند که خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از هوس‌های خود پیروی کرده‌اند.

^{۳۰۶} كَيْفَ تَصْنَعُ بَرَكَاةَ مَالِكَ إِذَا حَضَرْتَ قُلْتُ يَا تُوتُو إِلَى الْمَنْزِلِ فَأُعْطِيهِمْ فَقَالَ لِي مَا أَرَاكَ يَا إِسْحَاقُ إِلَّا قَدْ أَذَلَّتْ الْمُؤْمِنَ فَإِيَّاكَ إِيَّاكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ مَنْ أَذَلَّ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَنِي بِالْمُحَارَبَةِ (مستدرک: ۱۰۵/۹) اسحاق بن عمار می‌گوید امام صادق (علیه‌السلام) به من فرمودند: چون وقت زکات مالت فرا رسد آن را چگونه می‌پردازی؟ گفتم: مستحقین آن خود به من مراجعه کرده به ایشان می‌پردازم، حضرت فرمود: تو را جز این نمی‌بینم که مؤمن را خوار ساخته‌ای، زنهار زنهار که خداوند می‌فرماید: «کسی که دوست مرا خوار سازد با من به محاربه برخاسته است».

^{۳۰۷} مَنْ أَذَلَّ عِنْدَهُ مُؤْمِنٌ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ أَنْ يَنْصُرَهُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ رُءُوسِ الْخَلَائِقِ (بحار: ۲۲۶/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر که مؤمنی را پیش او خوار کنند و

حال آنکه او می‌تواند او را یاری نماید و نکند، روز قیامت خدا پیش همگان خوارش کند.
^{۳۰۸} إِرْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ وَغَنِيًّا افْتَقَرَ وَعَالِمًا ضَاعَ فِي زَمَانٍ جُهَالٍ (کافی: ۱۵۰/۸) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): بر عزیزی که خوار شده و توانگری که بینوا گشته و دانشمندی که به روزگار نادانان تباه شده، رحمت کنید.

^{۳۰۹} عَنِ الْحَارِثِ الْهُمْدَانِيِّ قَالَ سَأَمَرْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَرَضَتْ لِي حَاجَةٌ قَالَ فَرَأَيْتَنِي لَهَا أَهْلًا قُلْتُ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا ثُمَّ قَامَ إِلَى السَّرَّاجِ فَأَعْشَاهَا وَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَعْشَيْتُ السَّرَّاجَ لِئَلَّا أَرَى ذُلَّ حَاجَتِكَ فِي وَجْهِكَ فَتَكَلَّمْتُ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

آثار تمسخر و سرزنش

۱. مبتلا شدن به صفت زشت مورد تمسخر^{۳۱۰}.
۲. بارش بلا!^{۳۱۱} و تغییر نعمت^{۳۱۲}.
۳. خشم خداوند تا وقتی از تمسخر دست بردارد^{۳۱۳}.

ص يَقُولُ الْحَوَائِجُ أَمَانَةً مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ فَمَنْ كَتَمَهَا كُتِبَ لَهُ عِبَادَةٌ وَ مَنْ أَفْشَاهَا كَانَ حَقًّا عَلَى مَنْ سَمِعَهَا أَنْ يُعِينَهُ (بحار: ج ۴۱/ص ۳۶) حارث همدانی گوید: شبی که با امیر المؤمنین (علیه السلام) سخن می‌گفتم به ایشان عرض کردم: یا امیر المؤمنین! من احتیاجی پیدا کرده‌ام. «چنان می‌اندیشی که من می‌توانم آن را برآورم؟» گفتم: آری، یا امیر المؤمنین! «خدا تو را از من پاداش نیک دهد». سپس به جانب چراغ رفت و آن را فرو پوشاند و نشست و: «از آن جهت چراغ را فرو پوشاندم که ذلت خواهش را بر چهره تو نبینم، پس حاجت خود را بگو، که من از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که: احتیاج‌ها امانتی خدایی است در دل‌های بندگان؛ هر کس احتیاج خویش را پوشیده دارد برای او عبادتی نوشته می‌شود، و چون باز گوید، بر هر که آن را شنیده واجب است که به یاری او برخیزد».

^{۳۱۰} مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ (کافی: ۳۵۶/۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم): هر که مؤمنی را سرزنش کند، نمیرد تا آن را مرتکب شود.

^{۳۱۱} الذُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ عَصِيَانُ الْعَارِفِ بِالْبُعْيِ وَ النَّطَؤُلُ عَلَى النَّاسِ وَ الِاسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ (وسائل: ۲۸۱/۱۶) امام سجاد (علیه السلام): گناهانی که موجب نزول انتقام و خشم الهی است: یکی این است که بوسیله سرکشی کردن در مقابل انسان آگاه از او نافرمانی شود و نیز بر مردم گردن فرازی کردن و آنان را مورد استهزا و نیشخند قرار دادن است.

^{۳۱۲} لَا تَسْتَخِفَّ بِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ اسْتِخْفَافِكَ وَ يُعَيِّرَ مَا بَكَ (المؤمن: ۶۸) امام صادق (علیه السلام): برادر مؤمن را سبک و خوار نساز چرا که وقتی تو او را خوار می‌سازی خداوند عز و جل او را مورد رحمت خود قرار می‌دهد و نعمت‌هایی را که به تو داده است را تغییر می‌دهد.

^{۳۱۳} مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مَسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَبْلَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ إِيَّاهُ (کافی: ۳۵۱/۲) امام صادق (علیه السلام): هر که مؤمنی را خوار شمارد چه (آن مؤمن) مستمند باشد یا غیر مستمند، پیوسته خدای عز و جل او را خوار و دشمن دارد تا آنگاه که از خوار شمردن آن مؤمن برگردد.

۴. تحقیر شدن در دنیا^{۳۱۴} و آخرت^{۳۱۵}.
۵. مصداق ستیزه‌گی با خداوند^{۳۱۶}.
۶. ممکن است به طور اتفاقی یکی از اولیای خاص خداوند مورد تمسخر قرار گیرد، زیرا آنها در میان مردم پنهان هستند^{۳۱۷}.

^{۳۱۴} لَا تُحَقِّرُوا مُؤْمِنًا فَقِيرًا فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا أَوْ اسْتَخَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ (وسائل: ۲۶۷/۱۲) امام صادق (علیه السلام): هیچ گاه مؤمن تهی دستی را حقیر بشمارید، زیرا هر کس مؤمن تهی دستی را حقیر و سبک بشمارد، خداوند او را کوچک خواهد شمرد.

^{۳۱۵} مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ احْتَقَرَهُ لِقَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ (وسائل: ۲۶۷/۱۲) امام صادق (علیه السلام): هر که مؤمنی را به سبب تنگدستی و ناداری ذلیل و خوار کند خداوند او را در روز رستاخیز در پیش روی همه آفریدگان رسوا و انگشت نما گرداند.

^{۳۱۶} قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِثِّي مَنْ أَذَلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ (وسائل: ۲۶۹/۱۲) امام صادق (علیه السلام): کسی که بنده مؤمن مرا خوار گرداند، بداند که با جنگی بزرگ از سوی من رو به رو شده است، و کسی که بنده مؤمن مرا گرامی دارد از خشم من در امان خواهد بود.

^{۳۱۷} إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَتَمَ ... كَتَمَ وَلِيَّهُ فِي خَلْقِهِ فَلَا ... يُزِرُّنَّ أَحَدَكُمْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أُنْهَمُ وَلِيُّ اللَّهِ (کنز: ۵۵/۱) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): خداوند عز و جل سه چیز را در سه چیز پنهان کرده ... و ولی خود را در میان خلق خود؛ نباید کسی از شما کسی از خلق خدا را که نمی داند کدامشان ولی خدایند، خوار کند.

فصل ششم

هشت گناه
فریب

فرب

فردی که به دوست خود نیرنگ می‌زند انسان بسیار بدبختی است^{۳۱۸}، زیرا ارزش همه کارهایش را با این فرب از بین برده^{۳۱۹} و زندگی را متلاشی نموده است^{۳۲۰}.

توصیف فرب

۱. تنافی با روح اسلام^{۳۲۱}. و دیانت یک مسلمان^{۳۲۲} و تعالیم قرآن^{۳۲۳} زیرا کسی با مسلمین فرب کارانه برخورد می‌کند نمی‌تواند از آنها باشد بلکه

^{۳۱۸} مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ غِشُّ الصَّدِيقِ. (غرر: ۴۱۹) امام علی (علیه‌السلام): از نشانه‌های بدبختی فرب دادن رفیق در معاملات است.

^{۳۱۹} لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ مُضْمِرٌ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ سُوءًا. (منیة: ۳۲۹) امام صادق (علیه‌السلام): خداوند از کسی که قصد بدی در باره برادر مسلمانش دارد هیچ عملی را قبول نمی‌کند.

^{۳۲۰} مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَ كَلَّهُ إِلَى نَفْسِهِ. (ثواب: ۲۸۶) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را فرب دهد خداوند برکت رزقش را گرفته و زندگی را برای او خراب نموده و خودش را به خودش وامی‌گذارد.

شبهات با قوم یهود دارد، چه این که آنها بیشترین مکر را با مسلمین دارند^{۳۲۴}.

۲. تنافی با روح ایمان و تشیع^{۳۲۵}. بسیاری از مؤمنین می‌توانند مکر کنند ولی ایمان مانع آنها می‌شود^{۳۲۶}.

۳. نشان لثامت و پستی روحیه فریبکار^{۳۲۷} و منافی با حریت انسان^{۳۲۸}.

۴. مصداق بارز خیانت^{۳۲۹}.

۵. روش زندگی انسان‌های طغیانگر^{۳۳۰}.

^{۳۲۱} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمْرَ يَا فُلَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ (كافی: ۱۶۰/۵) رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به مردی که خرما می‌فروخت: فلانی! آیا نمی‌دانی کسی که مسلمین را فریب دهد و نسبت به آنها غش انجام دهد از مسلمانان نیست.

^{۳۲۲} لَا دِينَ لِحَدَّاعٍ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام): کسی که اهل خدعه و نیرنگ است دین ندارد.
^{۳۲۳} جَانِبُوا الْعُدْرَةَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْقُرْآنِ (غرر: ۲۹۲) امام علی (علیه السلام): از عهد شکنی دوری کنید چرا که آن از قرآن دور است.

^{۳۲۴} مَنْ غَشَّ الْمُسْلِمِينَ حَشِيرَ مَعَ الْيَهُودِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَأَنَّهُمْ أَغَشُّ النَّاسِ لِلْمُسْلِمِينَ (فقیه: ۲۷۳/۳) پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم): اگر کسی به مسلمانان خیانت کند، در روز قیامت با یهود برانگیخته می‌شود، زیرا آنان خیانتکارترین مردم به مسلمانانند.

^{۳۲۵} لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا (کافی: ۱۶۰/۵) امام صادق (علیه السلام): از ما {اهل بیت} نیست کسی که در رابطه با ما خیانت کند.

^{۳۲۶} لَوْ لَا أَنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمْكَرَ النَّاسِ (مستدرک: ۸۱/۹) امام علی (علیه السلام): اگر این نبود که مکر و خدعه در آتش دوزخ قرار دارد حتماً از همه مردم بیشتر مکر داشتیم.

^{۳۲۷} وَلَا تَعْمَلْ بِالْخَدِيعَةِ فَإِنَّهَا خُلِقَتْ لِتَيْمٍ (بحار: ۲۱۱/۷۴) امام علی (علیه السلام): با نیرنگ رفتار مکن چرا که آن خوی پستی است.

^{۳۲۸} الْحَرِيَّةُ مُنْزَهَةٌ مِنَ الْغُلِّ وَالْمَكْرُ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام): آزادگی از کینه و مکر پاک است.

^{۳۲۹} الْعُدْرَةُ أَفْبَحُ الْخِيَانَتَيْنِ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام): پیمان شکنی و بی وفایی زشت‌ترین خیانت است.

آثار فریب

۱. فریب خوردن^{۳۳۱} و اگر زمینه فریب خوردن نداشته باشد اعضای خانواده‌اش فریب خواهند خوردند^{۳۳۲}.
۲. بی تأثیر شدن اعمال خوب^{۳۳۳} و افزایش یافتن کارهای زشت دیگر^{۳۳۴}.
۳. از بین رفتن ارزش انسان نزد دیگران^{۳۳۵}. و زشت جلوه کردن او نزد آنها^{۳۳۶} در نتیجه سلب شدن اعتماد از او^{۳۳۷}.

^{۳۳۰} الْمَكْرُ شَيْمَةٌ الْمَرْدَةِ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): مکر و حيله خصلت سرکشان است.
^{۳۳۱} رَبُّ مُحْتَالٍ صَرَعَتْهُ حِيلَتُهُ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): چه بسیار افراد حيله گری که به سبب حيله خود به زمین خورده‌اند.

^{۳۳۲} عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) قَالَ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ يَبِيعُ الدَّقِيقَ فَقَالَ إِيَّاكَ وَالْغُشَّ فَإِنَّ مَنْ غَشَّ غُشًّا فِي مَالِهِ فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غُشَّ فِي أَهْلِهِ (کافی: ۱۶۰/۵) شخص آرد فروشی وارد خانه‌ی امام صادق (علیه‌السلام) شد، حضرت به او: از غش و بدخواهی نسبت به دیگران {در فروختن آرد} پرهیز کن چرا که هر کس به دیگران خیانت کند مورد خیانت قرار خواهد گرفت در رابطه با مالش و اگر مالی نداشته باشد نسبت به خانواده اش مورد خیانت قرار می‌گیرد.

^{۳۳۳} رَوَى أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِمُوسَى (علیه‌السلام) اسْأَلُ رَبِّيكَ هَلْ قَبِلَ عَمَلِي فَأَجِيبْ بَلَا لَأَنَّ فِي قَلْبِكَ غِشًّا لِمُسْلِمٍ قَالَ صَدَقَ (مستدرک: ۸۲/۹)

مردی به امام کاظم (علیه‌السلام) گفت: از پروردگارت سؤال کن آیا عمل من قبول شده است؟ جواب داده شد «خیر» زیرا در قلب تو نسبت به مسلمانی بدخواهی وجود دارد، گفت: راست گفت.

^{۳۳۴} الْغَدْرُ يَضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): پیمان شکنی گناهان را دوچندان می‌کند.

^{۳۳۵} الْغَدْرُ يُعْظِمُ الْوِزْرَ وَ يُزْرِى بِالْقَدْرِ (غرر: ۲۹۲) امام علی (علیه‌السلام): پیمان شکنی گناه را بزرگ می‌کند و قدر و شأن انسان را پایین می‌آورد.

^{۳۳۶} مَنْ غَدَرَ شَانَهُ غَدْرُهُ (غرر: ۲۹۲) امام علی (علیه‌السلام): هر کس با دیگران بی وفایی کند، بی وفایی او را زشت می‌گرداند.

^{۳۳۷} لَا أَمَانَةَ لِمَكُورٍ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): انسانی که بسیار مکر می‌کند به هیچ وجه اهل امانتداری نیست.

۴. تبدیل انسان به حقیقت شیطان با صورت انسانی^{۳۳۸}.

آثار ترک فریب

۱. برکت در مال^{۳۳۹}.
۲. نشان فراوانی عقل در انسان^{۳۴۰}.

مصادیق فریب

۱. فریب در معاملات با مصادیق فراوان آن^{۳۴۱}.

^{۳۳۸} الْمَكُورُ شَيْطَانٌ فِي صُورَةِ إِنْسَانٍ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام): انسان بسیار مکر کننده، شیطانی است که در صورت انسانی در آمده است.

^{۳۳۹} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَزَيْنَبَ الْعَطَّارَةِ الْحَوْلَاءِ إِذَا بَعْتَ فَأَحْسِنِي وَلَا تَغْشِي فَإِنَّهُ أَنْقَى وَأَبْقَى لِلْمَالِ (فقيه: ۲۷۳/۳) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) به خانمی که نامش زینب بود و عطر فروشی می کرد و نیز دو بین بود: زمانی که (عطر) می فروشی نیکویی کن و بدخواهی مکن چرا که این چنین عمل کردن پاکیزه تر است و موجب می شود مالت باقی تر باشد.

^{۳۴۰} رَأْسُ الْحِكْمَةِ تَجَنُّبُ الْخُدَعِ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام): سر سلسله‌ی حکمت‌ها دوری کردن از نیرنگ‌هاست.

^{۳۴۱} چند نمونه از مصادیق فریب در معامله:

* عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) فَإِذَا دَنَا بِيْرٌ مَصْبُوبَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فَنَظَرَ إِلَيَّ دِينَارٍ فَأَخَذَهُ بِيْدِهِ ثُمَّ قَطَعَهُ بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ قَالَ لِي أَلْقِهِ فِي الْبَالُوْعَةِ حَتَّى لَا يُبَاعَ شَيْءٌ فِيهِ غِشٌّ (كافي: ۱۶۰/۵) موسی بن بکر می گوید در خدمت امام کاظم (علیه السلام) بودیم در این حال انبوهی از سکه‌های طلا در مقابل حضرت ریخته شده بود، امام (علیه السلام) به سکه ای نگاه کردند و بعد آن را برداشتند و با دست دو نیم کردند بعد به من: این را به درون چاه فاضلاب بینداز تا با چیزی که در آن غش و بدخواهی نسبت به دیگران است معامله صورت نگیرد.

* - و عن علی (علیه السلام) أَنَّهُ نَهَى الْبَاعَةَ أَنْ يُظْهَرُوا أَفْضَلَ مَا يَبِيعُونَهُ وَيُخْفُونَ شَرَّهُ (مستدرک: ۳۲۷/۱۳) امام علی (علیه السلام) خریداران و فروشندگان را از اینکه بهترین جنس خود را آشکارا قرار دهند و قسمت‌های بد آن را مخفی کنند نهی کردند.

✽ عنه (صلی الله علیه وآله وسلم) أَنَّهُ نَهَى عَنِ السَّنَجِشِ (مستدرک: ۲۸۶/۱۳) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که ایشان از نَجَشِ نَهی فرمودند. (نَجَش به این معناست که فردی که قصد خریداری چیزی را ندارد قیمت آن را بالا می برد تا دیگری که می خواهد آن را بخرد مجبور باشد با قیمت بالاتری آن را بخرد)

✽ عن علی (علیه السلام) أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّفْخِ فِي اللَّحْمِ (دعائم: ۲۹/۲) از امام علی (علیه السلام) نقل شده است: نَهی کردند از دمیدن در گوشت (تا در نتیجه پوست های نازک روی گوشت بالا بیاید و گوشت حجیم دیده شود).

✽ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) أَنَّهُ نَهَى عَنِ شَوْبِ اللَّيْنِ بِالْمَاءِ (مستدرک: ۲۰۱/۱۳) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که ایشان از در هم آمیختن شیر با آب نَهی فرمودند.
✽ عَنْ النَّبِيِّ (صلی الله علیه وآله وسلم) أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَبِيعَ الْحَاضِرُ لِلْبَادِي (مستدرک: ۲۸۲/۱۳) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که ایشان از اینکه شهر نشینی دلال یک بادیه نشین شود (و از جهل او استفاده کند و قیمت را بالا ببرد) نَهی کردند.

✽ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) أَنَّهُ نَهَى عَنِ تَلْقَى الرُّكْبَانَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) هُوَ تَلْقَى الرُّكْبَانَ لِشِرَاءِ السَّلْعِ مِنْهُمْ خَارِجاً مِنَ الْأَمْصَارِ لِمَا يُخَشَى فِي ذَلِكَ عَلَى الْبَائِعِ مِنَ الْعَبْنِ وَ يُقَطَّعُ بِالْحَاضِرِينَ فِي الْمِصْرِ عَنِ الشَّرَاءِ إِذَا خَرَجَ مَنْ يَخْرُجُ لِتَلْقَى السَّلْعَ قَبْلَ وُصُولِهَا إِلَيْهِمْ (مستدرک: ۲۸۱/۱۳) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که ایشان از استقبال سواران نَهی فرمودند، امام صادق (علیه السلام): منظور استقبال از سواران است برای خریداری کالا از آن ها در خارج از شهر (و قبل از اینکه کاروان های تجارتي به شهر برسند) به سبب اینکه احتمال می رود که فروشنده فریب بخورد و نیز اینکه خرید کالاها، قبل از اینکه آن ها به شهر برسد، از دست کسانی که در شهر مانده اند، برود.

✽ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ كُنْتُ أَبِيعُ السَّابِرِيَّ فِي الظَّلَالِ فَمَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ (عليه السلام) رَاكِباً فَقَالَ لِي يَا هِشَامُ إِنَّ النَّبِيَّ فِي الظَّلَالِ غَشٌّ وَالْغِشُّ لَا يَحِلُّ (فقيه: ۲۷۱/۳) هشام بن حکم می گوید: من در سایه پارچه سَابِرِي (شاپوری) می فروختم، در این هنگام امام کاظم (علیه السلام) در حالی سواره بودند از مقابل من رد می شدند به من : ای هشام همانا فروختن در سایه غش و بدخواهی است و غش نیز حلال نمی باشد (چرا که فروختن در سایه موجب می شود تا خصوصیات کالا به خوبی معلوم نباشد).

۲. افشا نمودن راز^{۳۴۲}.
۳. ستودن زشتی‌ها^{۳۴۳}.

چند نکته

۱. زشتی ترغیب به فریب - چه به صورت اجبار دیگری به فریبکاری^{۳۴۴} و یا کمک به فریبکار^{۳۴۵} - مثل خود فریب است.
۲. مواظبت بر فریب نخوردن چه این که تأسف بعد از آن سودی ندارد^{۳۴۶}.
۳. بعضی وقت‌ها لازم است با اهل فریب به روش خودشان عمل نمود^{۳۴۷}.
۴. فریب دادن کسی که صاحب قدرت است از زشتی بیشتری برخوردار است^{۳۴۸}.

^{۳۴۲} أَفْجِحُ الْعُدْرَ [الْعُدْرَ] إِذَاعَةَ السَّرِّ (غرر: ۲۹۲) امام علی (علیه‌السلام): زشت ترین بی وفایی و پیمان شکنی فاش کردن راز است.

^{۳۴۳} مِنْ أَكْظَمِ الْمَكْرِ تَحْسِينُ الشَّرِّ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): از بزرگترین حیل‌ها تحسین بدی است.

^{۳۴۴} لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَغْدِرُوا وَلَا يَأْمُرُوا بِالْغَدْرِ (كافی: ۳۳۷/۲) امام صادق (علیه‌السلام): مسلمانان نمی‌توانند دست به خیانت و نیرنگ بزنند و نه می‌توانند مردم را به خدعه و نیرنگ تشویق کنند.

^{۳۴۵} مَا أَبَا لِي أَعْنَتْ خَائِنًا أَوْ مُصْنَعًا (جعفریات: ۱۷۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): بی پدرم باشم اگر به خائن و یا فریبکاری کمک کنم!

^{۳۴۶} مَنْ لَمْ يَتَحَرَّزْ مِنَ الْمَكَائِدِ قَبْلَ وَقُوعِهَا لَمْ يَنْفَعَهُ الْأَسْفُ بَعْدَ هُجُومِهَا (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): هر کس از مکرها قبل از اینکه واقع بشوند پرهیز نکند بعد از اینکه این مکرها به سوی او هجوم آوردند دیگر تأسف خوردن برایش سودی ندارد.

^{۳۴۷} الْعُدْرُ لِأَهْلِ الْعُدْرِ وَقَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْوَفَاءُ لِأَهْلِ الْعُدْرِ غَدْرٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه‌السلام): پیمان شکستن در مقابل پیمان شکنان نزد خداوند سبحان وفاداری محسوب می‌شود - شود (و) وفاداری نسبت به پیمان شکنان نزد خداوند سبحان پیمان شکنی محسوب می‌شود.

۳۴۸ الْعُدْرُ بِكُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَهُوَ بِذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ أَقْبَحُ (غرر: ۲۹۱) امام علی (علیه السلام):
شکستن عهد نسبت به هرکس زشت است و نسبت به صاحب قدرت و سلطان زشت تر است.

فصل هفتم

هشت گناه
خیبت

خیانت / ۹۹

غیبت

تعریف غیبت

۱. افشای سری که دارای حدّ شرعی نیست^{۳۴۹}.
۲. ذکر عیب‌هایی در جسم، در اخلاق، در عقل، در معاملات، در مذهب و انواع آن^{۳۵۰}.
۳. نقل آنچه مردم آن را نمی‌دانند^{۳۵۱}.

^{۳۴۹} ... سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْغَيْبَةِ قَالَ هُوَ أَنْ تَقُولَ لِأَخِيكَ فِي دِينِهِ مَا لَمْ يَفْعَلْ وَتَبَيَّنَّ عَلَيْهِ أَمْرًا قَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ لَمْ يُقَمْ عَلَيْهِ فِيهِ حَدٌّ (كافی: ۲/۳۵۷) داود بن سرحان گوید: از حضرت امام صادق (عليه السلام) از غیبت پرسیدم (که چیست؟) فرمود: اینست که در باره برادرت، در دین او چیزی را که نکرده است بگوئی، و چیزی را که خداوند بر او پوشانیده بود منتشر کنی و حدی در باره آن کار بر او اقامه نشده بود.

^{۳۵۰} وَجُوهُ الْغَيْبَةِ يَقَعُ بِذِكْرِ عَيْبٍ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ وَالْعَقْلِ وَالْمُعَامَلَةِ وَالْمَذْهَبِ وَالْجِبِلِ وَأَشْبَاهِهِ (بحار: ۲۵۷/۷۲) امام صادق (عليه السلام): انواع غیبت واقع می‌شود به بیان عیبی در جسم یا رفتار یا خرد یا داد و ستدی یا مذهب یا نژاد و مانند این‌ها.

^{۳۵۱} مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اِغْتَابَهُ وَمَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ (كافی: ۲/۳۵۸) امام کاظم (عليه السلام): هر کس عیبی را که در کسی وجود دارد و مردم آن عیب را از او سراغ دارند، پشت سرش بگوید،

۴. نقل امور مخفی، ولی اموری مثل آتشی مزاج بودن و یا عجول بودن غیبت نیست^{۳۵۲}.
۵. بیان آنچه غیبت شونده را ناراحت می‌کند^{۳۵۳} مثل ذکر کوتاه قدی او^{۳۵۴} و یا نامی که از آن خوشش نمی‌آید^{۳۵۵}.

غیبت نکرده است و اگر مردم ندانند غیبت کرده است و اگر اصلاً در او وجود نداشته باشد به او بهتان زده است.

^{۳۵۲} الْغَيْبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَالْعَجَلَةِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ (کافی: ۳۵۸/۲) امام صادق (علیه‌السلام): غیبت آن ست که در باره برادرت چیزی را که خداوند بر او پوشانده است بگوئی، و اما چیزی را که در وجود او آشکار و ظاهر است مثل تندخویی و شتابزدگی (گفتن آن) غیبت نیست، و بهتان آنست که در باره‌اش چیزی که در او نیست را بگوئی.

^{۳۵۳} هَلْ تَذَرُونَ مَا الْغَيْبَةُ فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذَكَرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ (بحار: ۲۲۲/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سؤال: آیا می‌دانید که غیبت چیست؟ عرض کردند: خدا و پیامبرش دانترند. یاد کردن تو برادرت را به چیزی که او نمی‌پسندد.

^{۳۵۴} عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ دَخَلَتْ عَلَيْنَا امْرَأَةٌ فَلَمَّا وَلَّتْ أَوْمَأَتْ بِيَدِي أَيْ قَصِيرَةً فَقَالَ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اَعْتَبْتِيهَا (ورام: ۱۱۸/۱) عائشه گفت: زنی بر ما وارد شد، و هنگامی که داشت می‌رفت، با دستم اشاره کردم که او کوتاه اندام است، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): غیبتش را کردی.

^{۳۵۵} ... سَمِعْتُ الرِّضَا (علیه‌السلام) يَوْمًا يُنْشِدُ شِعْرًا فَقُلْتُ لِمَنْ هَذَا أَعَزَّ اللَّهُ الْأَمِيرَ فَقَالَ لِعِرَاقِي لَكُمْ قُلْتُ أَنشَدَنِيهِ أَبُو الْعَتَاهِيَةِ لِنَفْسِهِ فَقَالَ هَاتِ اسْمَهُ وَ دَعِ عَنْكَ هَذَا إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لَا تَتَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ وَ لَعَلَّ الرَّجُلَ يَكْرَهُ هَذَا (عيون: ۱۷۷/۲) راوی گوید: روزی از امام علی بن موسی (علیه‌السلام) شنیدم که این اشعار را می‌خواندند، با اینکه ایشان بسیار کم شعر می‌خواندند ... به آن حضرت عرض کردم: خداوند وجود شما را عزیز بدارد، این اشعار از کیست؟: یک تن از اهل عراق برای شما گفته، عرض کردم: ابو العتاهیه این اشعار را مناسب حال خود سروده است امام: وی را به نامش بخوان، و این طرز سخن را واگذار که کسی را به لقبی که فهماننده مذمت است بخوانی، قرآن می‌فرماید: وَ لَا تَتَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ عِيْبُجُوئِي نَكْنِيْدُ وَ مَرْدَمُ رَا بَه لَقْبُ بَدَشَانُ نَخْوَانِيْدُ، چرا که شاید او این لقب را ناخوش داشته باشد. توضیح: «العتاهیه» مصدر است و معنی آن گمراهی و بی‌خردی است، و ابو العتاهیه شاعر نامش اسماعیل بن قاسم است و کنیه‌اش ابو اسحاق،

توصیف غیبت و غیبت کننده

۱. غیبت اشاعه فحشاء است^{۳۵۶}.
۲. غیبت کننده شخصیت پستی دارد^{۳۵۷} خصوصاً اگر غیبت نیکان را بنماید^{۳۵۸}.
۳. غیبت کشف عورت مؤمن است^{۳۵۹}. (عورت هر چیزی است که باید مخفی بماند).
۴. غیبت مصداق بارز ظلم به غیبت شونده است^{۳۶۰}.

و او را مهدی عباسی ابو العتاهیه لقب داد، و ماجرائی میان او و عتبه کنیز مهدی رخ داد و مهدی گفت، «اراک مختلطاً متعتها» تو را مجنون و یاوه سرا می بینم، از آن زمان وی را ابو العتاهیه لقب دادند. {

^{۳۵۶} مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (کافی: ۲/۳۵۷) امام صادق (علیه السلام): هر که در باره مؤمنی بگوید آنچه را دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده، پس او از کسانی است که خدا در باره آنان فرموده است (۱۸ سوره نور): «راستی آن کسانی که دوست دارند فاش کنند هرزگی را در باره آن کسانی که گرویده و ایمان آورده اند از آن آنها است عذاب دردناک».

^{۳۵۷} أَلَامُ النَّاسِ الْمُعْتَابُ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه السلام): پست ترین مردم کسی است که غیبت می کند.

^{۳۵۸} مِنْ أَقْبَحِ اللُّؤْمِ غَيْبَةُ الْأَخْيَارِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه السلام): از زشت ترین پستی ها غیبت کردن از انسان های نیک است.

^{۳۵۹} ... قُلْتُ لَهُ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ تَعْنِي سَفْلِيهِ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ إِنَّمَا هِيَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ (کافی: ۲/۳۵۹) عبد الله بن سنان می گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: آیا کشف عورت مؤمن بر دیگران حرام است؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند: آری! من گفتم: منظورتان پس و پیش او است؟ امام (علیه السلام): نه، عورت به آن معنی نیست که تو فکر کرده ای. منظور از کشف عورت، کشف معایب پنهانی او است.

^{۳۶۰} مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا فَعَابَهُ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ كَمَا ذَكَرَهُ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَهُ (مستدرک: ۹/۱۳۰) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس بواسطه عیب گویی از دیگری به او ستم روا داشته است پس باید از

۵. غیبت بدتر از زنا است زیرا زناکار توبه می‌کند و خداوند او را می‌آمرزد ولی غیبت کننده آمرزیده نمی‌شود مگر این که غیبت شونده او را ببخشد^{۳۶۱}.
۶. غیبت کننده سگی است که آبرو می‌درد^{۳۶۲}.
۷. غیبت غذای فاسدی است که غیبت کننده در ظرف شنونده غیبت، بالا می‌آورد^{۳۶۳}.
۸. غیبت جامع همه زشتی‌ها^{۳۶۴}.
۹. غیبت، مرده خواری است آنهم مرده دوست مؤمن^{۳۶۵}.

خداوند متعال برای او طلب مغفرت نماید همانگونه که در رابطه با او عیب گویی کرده است چرا که این کفارہ برای آن عیب گویی است.

^{۳۶۱} عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ عَقُوبَةُ الْغَيْبَةِ أَشَدُّ مِنْ عَقُوبَةِ الزَّانَا قِيلَ وَ لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ صَاحِبَ الزَّانَا يُتُوبُ فَيَغْفِرُ اللَّهُ [لَهُ] وَ لَا تُغْفَرُ الْغَيْبَةُ إِلَّا أَنْ يُحْلَلَهُ صَاحِبُهُ (مستدرک: ۱۳۰/۹) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): عقوبت گناه غیبت از عقوبت زنا شدیدتر است گفته شد: به چه دلیل ای رسول خدا؟ : زیرا فرد زنا کار توبه می‌کند و در نتیجه خداوند او را می‌بخشد ولی عیبت بخشیده نمی‌شود مگر اینکه فردی که از او غیبت شده است او را حلال کند.

^{۳۶۲} مَنْ حَضَرَ مَجْلِسًا وَقَدْ حَضَرَ فِيهِ كَلْبٌ يَفْرِسُ عَرَضَ أَخِيهِ الْغَائِبِ أَوْ إِخْوَانِهِ ... (مستدرک: ۱۳۲/۹) امام حسن عسکری (علیه السلام): هر کس در مجلسی حاضر شود که سگی در آن مجلس حضور دارد که آبروی برادر غایبش یا برادرانش را می‌درد ...

^{۳۶۳} نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ يَا بُنَيَّ نَزَهُ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَيَّ أَخْبَثَ مَا فِي وَعَائِهِ فَأَفْرَغَهُ فِي وَعَائِكَ (مستدرک: ۱۳۲/۹) امیر مؤمنان (علیه السلام) مردی را دید که نزد پسرش امام حسن (علیه السلام) از مردی غیبت می‌کند، پسر جانم گوشت را از این سخن پاک دار که او بدترین چیزی را که در ظرف دارد بنظر آورده و آن را در دل تو می‌ریزد.

^{۳۶۴} جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ وَ جُمِعَ الشَّرُّ فِي الْإِذَاعَةِ وَ مُوَآخَاةِ الْأَشْرَارِ (مستدرک: ۱۳۴/۹) امیر مؤمنان (علیه السلام): خیر دنیا و آخرت در رازداری و دوستی با نیکان جمع است، و همه شر و بدی در فاش کردن راز و برادری با اشرار.

۱۰. غیبت بدترین تجارت ربوی و پر سود با آبروی دیگران است^{۳۶۶}.
۱۱. غیبت کننده، در صورت توبه، آخرین داخل شونده بهشت است^{۳۶۷}.
۱۲. اگر غیبت عادت فرد شده باشد نشان ولد الزنا بودن اوست^{۳۶۸} خصوصاً اگر بدون دشمنی این کار را بکند^{۳۶۹}.
۱۳. غیبت خورشت^{۳۷۰} و غذای سگ‌های دوزخ است^{۳۷۱}.

^{۳۶۵} لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ بَرِّهِيذٍ كَذِبٌ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (حجرات: ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

^{۳۶۶} قَالَ خَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَذَكَرَ الرَّبَا وَعَظَّمَ شَأْنَهُ فَقَالَ إِنَّ الدَّرْهَمَ يُصِيبُهُ الرَّجُلُ مِنَ الرَّبَا أَغْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْخَطِيئَةِ مِنْ سِتٍّ وَثَلَاثِينَ زَنِيَةً يَزْنِيهَا الرَّجُلُ وَإِنَّ أَرْبَى الرَّبَا عَرَضُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ (بحار: ۲۲۲/۷۲) انس گوید: رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برای ما خطبه خواند و نام ربا را برد و آن را بزرگ شمرد و فرمود یک درهم که کسی از ربا بدست آرد نزد خدا خطائی است بزرگتر از سی و شش زنا که انجام دهد و رباترین ربا آبروی مسلمانست.

^{۳۶۷} أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنَّ الْمُعْتَابَ إِذَا تَابَ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَإِنْ لَمْ يُتَبَّ فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ (بحار: ۲۲۲/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): خداوند به موسی بن عمران (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی کرد که فرد غیبت کننده اگر توبه کند آخر کسی است که به بهشت داخل می‌شود و اگر توبه نکند اول کسی است که به دوزخ وارد می‌شود.

^{۳۶۸} ... كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ ... (أمالی صدوق: ۲۰۹) نوف بکالی گوید: امام علی (علیه السلام) به من: ای نوف دروغ گفته آنکه گمان دارد حلال زاده است و به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را می‌خورد.

^{۳۶۹} مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ شَرُّ شَيْطَانٍ (بحار: ۳۵۶/۷۰) امام صادق (علیه السلام): کسی که بدون جهت از برادر مؤمن بدگویی کند شیطان در سرشت او دست داشته است.

^{۳۷۰} إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِذَا مِ كِلَابِ النَّارِ (إحتجاج: ۳۱۵/۲) امام صادق (علیه السلام): از غیبت بپرهیز زیرا غیبت خورش سگان جهنم است.

^{۳۷۱} الْغَيْبَةُ قَوْمٌ كِلَابِ النَّارِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه السلام): غیبت غذای سگان دوزخ است.

۱۴. کمی از غیبت نیز^{۳۷۲} بدترین سخن باطل است^{۳۷۳}.
۱۵. غیبت نشان نفاق و دورویی فرد در روابط اجتماعی اوست^{۳۷۴}.
۱۶. غیبت منافی مروّت و مردانگی است^{۳۷۵}.

آثار غیبت

۱. از بین رفتن پاداش^{۳۷۶} اعمال قبل از غیبت آن‌هم با سرعت زیاد^{۳۷۷} زیرا اعمال، در پرونده غیبت کننده باطل شده^{۳۷۸} و در پرونده غیبت شونده درج می‌گردد^{۳۷۹}.

^{۳۷۲} يَسِيرُ الْغَيْبَةِ اِفْكٌ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): اندک غیبت بهتان و سخن باطل است.

^{۳۷۳} الْغَيْبَةُ شَرُّ الْاِفْكِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): غیبت بدترین بهتان و سخن باطل است.

^{۳۷۴} الْغَيْبَةُ آيَةُ الْمُنَافِقِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): غیبت نشانه منافق است.

^{۳۷۵} لَا مَرُوَّةَ لِمُعْتَابٍ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): برای غیبت کننده جوانمردی وجود ندارد.

^{۳۷۶} اِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَاِنَّهَا ... تُحْطِطُ اَجْرَكَ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): از غیبت بیرهیز چرا که آن اجر و پاداش (اعمال) تو را از بین می‌برد.

^{۳۷۷} مَا النَّارُ فِي الْاَيْبَسِ بِاسْرَعٍ مِنَ الْغَيْبَةِ فِي حَسَنَاتِ الْعَبْدِ (بحار: ۲۲۹/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): سرعت (پیش روی و نابود سازی) آتش در اجسام خشک بیشتر از سرعت (ویرانگری) غیبت در اعمال نیک بنده نیست.

^{۳۷۸} اِنَّهُ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَالِاسْتِمَاعِ اِلَيْهَا وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ اِغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَنُقِضَ وُضُوؤُهُ (بحار: ۲۴۷/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از غیبت و شنیدن آن نهی کردند و فرموده‌اند هر که از مسلمانی غیبت کند روزه‌اش باطل و وضویش شکسته می‌شود.

^{۳۷۹} يُؤْتَى بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ اِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ اِلٰهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَاِنِّي لَا اَرَى فِيهَا طَاعَتِي فَيَقَالُ لَهُ اِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَ لَا يَنْسَى ذَهَبَ عَمَلِكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْتَى بِآخَرَ وَ يُدْفَعُ اِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهَا طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ اِلٰهِي مَا هَذَا كِتَابِي فَاِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيَقَالُ لَانَّ فُلَانًا اِغْتَابَكَ فَدَفَعْتُ حَسَنَاتَهُ اِلَيْكَ (بحار: ۲۵۹/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): روز قیامت فردی را می‌آورند و او را در برابر خداوند نگاه می‌دارند و نامه

۲. قبول نشدن عبادات بعد از غیبت^{۳۸۰} تا چهل روز مگر این که غیبت شونده برای او طلب آمرزش نماید^{۳۸۱}.
۳. باطل شدن طهارت^{۳۸۲}.
۴. عذاب قبر (برزخ)^{۳۸۳} تا یک سوم کل عذاب آن^{۳۸۴}.
۵. خشم خداوند^{۳۸۵} و در نتیجه دور شدن از رحمت او^{۳۸۶}.

عملش را به او می دهند. او حسنات خود را در آن نمی بیند، می گوید: خدایا این نامه عمل من نیست، زیرا من طاعات خود را در آن نمی بینم! به او گفته می شود: پروردگار تو اشتباه نمی کند و دچار فراموشی نمی شود، عمل تو بخاطر غیبت کردن از مردم از بین رفته است. سپس فرد دیگری را می آورند و نامه عملش را به او می دهند، در آن طاعت های فراوانی می بیند، می گوید: خدایا این نامه عمل من نیست، زیرا من این طاعت ها را نداشته ام؟! به او می گویند: چون فلان شخص غیبت تو را کرده بود حسناتش به تو داده شده است.

^{۳۸۰} الصَّائِمُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَبْ مُسْلِمًا (ثواب الأعمال: ۵۱) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): روزه دار در عبادت خدا به سر برد هر چند در رختخوابش خواب باشد (حال او این چنین است) تا زمانی که از مسلمانی غیبت نکند.

^{۳۸۱} مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ (بحار: ۲۵۸/۷۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند خداوند چهل شبانه روز نماز و روزه او را نمی پذیرد مگر آنکه طرفش او را ببخشد.

^{۳۸۲} الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتَظَرُ الصَّلَاةَ عِبَادَةَ مَا لَمْ يُحَدِّثْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحَدِّثُ قَالَ الْإِغْتِيَابَ (کافی: ۳۵۷/۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): غیبت زودتر در دین مرد کارگر می شود از بیماری خوره در درون او و نیز: نشستن در مسجد به جهت انتظار نماز عبادت است تا زمانی که حدیثی سر ندهد، عرض شد: یا رسول الله! حدیث چیست؟ فرمود: غیبت کردن است.

^{۳۸۳} عَذَابُ الْقَبْرِ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ (بحار: ۲۵۹/۷۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): عذاب قبر در اثر سخن چینی، غیبت و دروغگویی است.

^{۳۸۴} وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَذَابُ الْقَبْرِ ثَلَاثَةٌ ثَلَاثٌ ثُلُثٌ لِلْغَيْبَةِ وَثُلُثٌ لِلنَّمِيمَةِ وَثُلُثٌ لِلْبُؤُولِ (بحار: ۲۶۱/۷۲) ابن عباس روایت کرده است که عذاب قبر سه بخش است: یک سوم غیبت و یکی هم سخن چینی و بخش سوم هم برای ننگ داشتن ادرار است.

۶. ورود به بدترین جای دوزخ برای بدگویی مؤمن به قصد تخریب شخصیت او^{۳۸۷} و پوشاندن لباسی زشت بر ذهنیت مثبتی که دیگران از مؤمن دارند^{۳۸۸}. خصوصاً اگر کار خویش را روا شمرد^{۳۸۹}. این عذاب دامن غیبت کننده را خواهد گرفت حتی با پذیرش توبه و استغفار او نسبت به دیگر گناهان^{۳۹۰}.

^{۳۸۵} أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُعْتَابُ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه السلام): مبعوض ترین خلایق نزد خداوند متعال انسان غیبت کننده است.

^{۳۸۶} قَالَ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيُّ دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليهما السلام) وَ عِنْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيُّ فَتَبَسَّمتُ إِلَيْهِ فَقَالَ أَ تَحِبُّهُ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ مَا أَحَبُّنِيهُ إِلَّا لَكُمْ فَقَالَ (عليه السلام) هُوَ أَخُوكَ وَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأُمِّهِ وَ لِأَبِيهِ وَ إِنْ لَمْ يَلِدْهُ أَبُوهُ مَلْعُونٌ مِّنْ أَهْلِهِ مَنْ غَشَّ أَخَاهُ مَلْعُونٌ مِّنْ لَّمْ يَنْصَحْ أَخَاهُ مَلْعُونٌ مِّنْ أَغْتَابَ أَخَاهُ (بحار: ۲۶۲/۷۲) عبد المؤمن انصاری گفت: نزد امام کاظم (علیه السلام) رفتم و محمد بن عبد الله جعفری نزدش بود و من بروی او تبسم کردم، فرمود: دوستش داری؟ گفتیم آری تنها بخاطر شما، فرمود: برادر تو است و مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است و اگر چه زاده پدر او نیست، ملعون است کسی که به برادرش تهمت زند، ملعون است کسی که نسبت به برادرش بد خواهی کند، ملعون است کسی که نسبت به برادرش خیر خواهی نکند، ملعون است کسی که از برادرش غیبت کند.

^{۳۸۷} مَنْ رَوَى عَلَيَّ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَتَهُ وَ قَفَّهَ اللَّهُ فِي طِينَةِ خَبَالٍ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (بحار: ۲۵۹/۷۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس مطلبی را به زبان برادر مؤمنش بیان کند که می خواهد به این وسیله او را زشت جلوه دهد و آبروی او را ببرد خداوند متعال او را در چرکابی گندیده بایستاند در پایین ترین جایگاه دوزخ.

^{۳۸۸} مَنْ أَكَلَ بِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ بِهِ ثَوْبًا أَطْعَمَهُ اللَّهُ بِهَا أَكْلَةً مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَ سَقَاهُ سَقِيَّةً مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ وَ كَسَاهُ ثَوْبًا مِنْ سَرَابِيلِ جَهَنَّمَ (اختصاص: ۲۲۷) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس بوسیله بدگویی از برادر مؤمنش غذایی بخورد یا نوشیدنی بنوشد یا لباسی را بپوشد خداوند متعال بواسطه این عمل، به او از آتش جهنم می خوراند و از نوشیدنی جهنم به او می نوشاند و از شلوارهای دوزخی به او می پوشاند.

^{۳۸۹} أَنَّهُ (صلی الله علیه وآله وسلم) نَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَ قَالَ (صلی الله علیه وآله وسلم) مَنْ أَغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقُضَ وَضُوءُهُ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَفُوحٌ مِنْهُ رَائِحَةٌ أَتْنٌ مِنَ الْجِيفَةِ يَتَأَدَّى بِهِ أَهْلُ الْمَوْقِفِ فَإِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَتُوبَ مَاتَ مُسْتَحِلًّا لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ (بحار: ۲۴۷/۷۲) پیامبر اسلام (صلی الله -

۷. خروج از ولایت خداوند و عدم پذیرش ولایت او توسط شیطان^{۳۹۱}. توضیح این که غیبت کننده می‌خواهد با بدگویی که می‌کند خودش ستوده شود و شیطان او را در این هدف یاری نمی‌کند^{۳۹۲} لذا کسی که بدگویی می‌کند خود بیشتر از چشم دیگران ساقط می‌شود (توضیح بیشتر در اثر هشتم غیبت).
۸. کسی که بدگویی می‌کند دیگران با خشم^{۳۹۳} بدش را گفته^{۳۹۴}، و نکوهشش می‌کنند^{۳۹۵} و دشنامش می‌دهند^{۳۹۶} حتی به او چیزهایی را نسبت

علیه‌وآله‌وسلم) از غیبت و شنیدن آن نهی کردند و فرموده‌اند هر که از مسلمانی غیبت کند روزه‌اش باطل و وضو‌اش شکسته می‌شود و روز قیامت در حالی می‌آید که از او بویی متعفن تر از مردار بلند می‌شود که اهل محشر از آن بو اذیت می‌شوند پس اگر این چنین فردی قبل از اینکه توبه کند بمیرد در حالی مرده است که حرام خداوند را حلال می‌شمرده است.

^{۳۹۰} وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْكَفَّ عَنْ اِغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ لَهُ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اِغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ (بحار: ۲۵۹/۷۲) قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست هرگز به مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشده، جز برای خوشبینی بخدای عز و جل و خودداری از غیبت مؤمنین و قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست خدای عز و جل مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نکند جز برای بدبینی به خداوند عز و جل و غیبت کردن او از مؤمنین.

^{۳۹۱} مَنْ رَوَى عَلَيَّ مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ - وَ هَدَمَ مَرْوَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ - أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ (بحار: ۱۶۸/۷۲) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس مطلبی را به زبان برادر مؤمنش بیان کند و بخواهد به این وسیله او را زشت جلوه دهد و آبروی او را ببرد تا در نتیجه او را از چشم مردم بیاندازد خداوند او را از ولایت خود خارج ساخته و او را به سوی ولایت شیطان می‌فرستد، پس شیطان نیز او را نمی‌پذیرد.

^{۳۹۲} علامه مجلسی توضیحی در باره حدیث دارند که می‌توانید آن را در بحار الأنوار: ۱۶۸/۷۲ مطالعه نمایید.

^{۳۹۳} إِيَّاكَ وَ الْعِيبَةَ فَإِنَّهَا تُمَقِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَ النَّاسِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): از غیبت بپرهیز چرا که آن خشم خداوند و مردم را نسبت به تو بر می‌انگیزاند.

می‌دهند که او اصلاً مرتکب نشده است^{۳۹۷}. لذا ترک غیبت مانع بدی دیگران در حق او شده^{۳۹۸} و این بهترین لطف و صدقه‌ای است که انسان به زبانش می‌دهد^{۳۹۹}.

۹. اعتیاد به غیبت جرمی عظیم است^{۴۰۰}، زیرا غیبت کننده را دارای گناهی مثل گناهی که نقل نموده است می‌کند^{۴۰۱}.

۱۰. غیبت کننده دارای ایمانی غیر پایدار^{۴۰۲} و دینی خراب^{۴۰۳} می‌شود و در نتیجه دارای رتبه‌ای از کفر می‌گردد^{۴۰۴}. زیرا مسلمان کسی است که دیگران از

^{۳۹۴} لَا تَغْتَبْ فَتَغْتَبَ [فَتُغْتَابَ] وَلَا تَحْفَرُ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ (أمالی صدوق: ۴۲۰) امام صادق (علیه‌السلام): غیبت نکن که تو را غیبت خواهند کرد و برای برادرت گودالی حفر مکن که خود در آن خواهی افتاد، هر طور عمل کنی با تو عمل خواهند کرد.
^{۳۹۵} الْهَمَّازُ مَذْمُومٌ مَجْرُوحٌ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): بد گوی غیبت کننده مورد مذمت و طعن دیگران است.

^{۳۹۶} مَنْ أُولِعَ بِالْغَيْبَةِ شَتِمَ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): هر کس برای غیبت کردن حرص بزند مورد ناسزای دیگران قرار خواهد گرفت.

^{۳۹۷} مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ (بحار: ۷۲/۲۶۱) امام سجاد (علیه‌السلام): هر کس عیبی که در مردم وجود دارد را بازگو کند درباره او مطالبی می‌گویند که در او وجود ندارد.
^{۳۹۸} إِيَّاكَ أَنْ تَجْعَلَ مَرْكَبَكَ لِسَانَكَ فِي غَيْبَةِ إِخْوَانِكَ أَوْ تَقُولَ مَا يَصِيرُ عَلَيْكَ حُجَّةً وَفِي الْإِسَاءَةِ إِلَيْكَ عِلَّةٌ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): از این بپرهیز که زبانت را مرکب خود قرار بدهی در غیبت کردن از برادرانت یا چیزی بگویی که بوسیله آن تو را محکوم نمایند و موجب شود تا به تو بدی کنند.

^{۳۹۹} أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَيَّ نَفْسِكَ (کافی: ۲/۱۱۴) پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): زبانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه‌ای است که بخود می‌دهی.

^{۴۰۰} لَا تُعَوِّذُ نَفْسَكَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ مُعْتَادَهَا عَظِيمُ الْجُرْمِ (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): خودت را به غیبت کردن عادت مده چرا که کسی که به غیبت عادت کرده است گناه بزرگی دارد.

^{۴۰۱} مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدئِهَا (مستدرک: ۹/۱۳۴) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس (خبر) عمل زشتی را پخش نماید همچون کسی است که برای اول بار آن عمل را انجام داده است.

دست و زبانش در سلامت باشند و مؤمن شخصیتی است که دیگران او را امین بر جان و مالشان بدانند^{۴۰۵} و این با غیبت کردن سازگاری ندارد. ۱۱. از بین رفتن حرمت و عصمت بین دو مؤمن^{۴۰۶}؛ در نتیجه وقتی این دو یکدیگر را ملاقات می‌کنند از الطاف ویژه خداوند که مخصوص ارتباطات سالم دو مؤمن است^{۴۰۷} محروم خواهند شد.

^{۴۰۲} لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ نَقِيُّ الرَّاحَةِ مِنْ دِمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ سَلِيمُ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ فَلْيَفْعَلْ (بخاری: ۲۶۲/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ایمان بنده‌ای استوار نگردد تا دل او استوار نشود، و دل او استوار نشود تا زبان او استوار نگردد. «پس هر یک از شما که تواند خدا را دیدار کند- دست به خون و مال مسلمانان نیالوده، و زبان به ریختن آبروی‌شان نگشوده- چنین کند.

^{۴۰۳} مَا عَمِرَ مَجْلِسٌ بِالْغَيْبَةِ إِلَّا خَرِبَ مِنَ الدِّينِ فَتَزْهُوا أَسْمَاعَكُمْ مِنْ اسْتِمَاعِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ الْقَائِلَ وَالْمُسْتَمِعَ لَهَا شَرِيكَانِ فِي الْإِثْمِ (بخاری: ۲۵۹/۷۲) امام علی (علیه‌السلام): هیچ مجلسی با غیبت رونق نمی‌گیرد مگر آنکه از لحاظ دینی ویران می‌شود. گوش‌های خود را از شنیدن غیبت پاک دارید که غیبت‌کننده و شنونده هر دو در گناه شریکند.

^{۴۰۴} الْغَيْبَةُ كُفْرٌ وَالْمُسْتَمِعُ لَهَا وَالرَّاضِي بِهَا مُشْرِكٌ (مستدرک: ۱۳۳/۹) امام صادق (علیه‌السلام): غیبت کفر است و گوش‌کننده به غیبت و کسی که به آن راضی است مشرک هستند.

^{۴۰۵} عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه‌السلام) قَالَ قَالَ يَا سُلَيْمَانُ أ تَدْرِي مِنَ الْمُسْلِمِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ أ وَ تَدْرِي مِنَ الْمُؤْمِنِ قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ الْمُؤْمِنُ مَنْ ائْتَمَنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ (بخاری: ۲۳۶/۷۲) سلیمان بن خالد گوید: امام باقر (علیه‌السلام): ای سلیمان! می‌دانی مسلمان کیست؟ عرض کردم قربانت شما بهتر میدانم، مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او سالم باشند و سپس فرمود: می‌دانی مؤمن کیست؟ عرض کردم: شما دانایید. مؤمن کسی است که مسلمان‌ها او را بر مال و جان خود امین سازند.

^{۴۰۶} مَنْ مَدَحَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي وَجْهِهِ وَ اغْتَابَهُ مِنْ وَرَائِهِ فَقَدْ انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْعِصْمَةِ (بخاری: ۲۴۹/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر که برادر مؤمنش را در حضورش بستاید و پشت سر از وی غیبت کند، پیمان برادری بین آنها گسسته می‌شود.

علل غیبت

۱. فرونشاندن خشم.
۲. همراه شدن با دیگر بدگویان.
۳. فرار از تهمت با نقل عیوب دیگری و انداختن تقصیرها به گردن او.
۴. تأیید یک خبر بدون بررسی.
۵. بد بینی و عیب دیدن بعضی از رفتارها و یا حالاتی که لزوماً عیب نیست.
۶. حسادت، با این توضیح که وقتی کسی ستوده می‌شود، حسادت، تحریک شده و فرد به بدگویی می‌پردازد تا اثر ستایش از بین برود.
۷. تمسخر و حقیر نمودن دیگری.
۸. صرف شگفت‌زده شدن از یک خبر باعث نقل آن می‌شود بدون توجه به آثار شوم این نقل.
۹. صرف اظهار بیزاری از یک عمل و یا یک اخلاق.
۱۰. اظهار خوبی‌های خود به وسیله ذکر بدی‌های دیگران^{۴۰۸}.
۱۱. سفاهت و بی‌خردی غیبت‌کننده^{۴۰۹}. زیرا او فکر می‌کند با غیبت، می‌تواند به اهداف شومش برسد!

^{۴۰۷} أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَرَجَ إِلَىٰ أَخِيهِ يَزُورُهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ ... فَإِذَا التَّقِيَا وَ تَصَافَحَا وَ تَعَانَقَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بَوَّحَهُ (کافی: ۱۸۳/۲) امام باقر و امام صادق (علیهما السلام): هر مؤمنی که برای زیارت برادرش بیرون شود و حق او را بشناسد ... و چون ملاقات کنند و با یکدیگر دست دهند و یکدیگر را در آغوش گیرند، خداوند با روی رحمتش به سوی آنها آید.

^{۴۰۸} أَصْلُ الْغَيْبَةِ تَنْوُغُ بَعْشَرَةِ أَنْوَاعٍ شِفَاءُ غَيْظٍ وَ مَسَاعِدَةٌ قَوْمٍ وَ تَهْمَةٌ وَ تَصْدِيقٌ خَبَرٍ بَلَا كَشْفِهِ وَ سُوءِ ظَنٍّ وَ حَسَدٍ وَ سُخْرِيَّةٍ وَ تَعَجُّبٍ وَ تَبَرُّمٍ وَ تَزْيِينٍ (بحار: ۲۵۷/۷۲) امام صادق (علیه السلام): علت و ریشه غیبت ده چیز است، ۱- فرونشاندن خشم ۲- کمک کردن به گروهی ۳- فرار از تهمتی که به او زده‌اند و یا برای اینکه دیگری را متهم کند عیوب دیگرش را بیان می‌کند ۴- تأیید یک خبر بدون بررسی ۵- بد بینی ۶- حسادت ۷- تمسخر دیگران ۸- شگفت‌زده شدن از شنیدن عیب فردی ۹- اظهار بیزاری از یک عمل یا اخلاق ۱۰- اظهار خوبی‌های خود.

۱۲. اوج ناتوانی و عجز^{۴۱۰}. زیرا شخصی که به هیچ نحوی نمی‌تواند به کسی ضربه‌ای بزند در اوج ناتوانی آخرین راه را برمی‌گزیند که بدگویی باشد.
۱۳. طمع و رسیدن به نانی و آبی و لباسی!^{۴۱۱}

وظیفه شنونده غیبت

۱. وجوب دفاع و آبروداری^{۴۱۲} به عنوان برترین عبادت^{۴۱۳} و اگر این دفاع صورت نگیرد، شنونده در دنیا و آرت طعم ذلت و خواری را خواهد چشید^{۴۱۴}.

^{۴۰۹} أَحَقُّ النَّاسِ بِالذَّنْبِ السَّفِيهُ الْمُعْتَابُ (أمالی صدوق: ۲۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): لایق ترین مردم برای گناه کردن انسان بی‌خردی است که غیبت می‌کند.

^{۴۱۰} الْغِيْبَةُ جَهْدُ الْعَاجِزِ (بحار: ۲۶۲/۷۲) امام علی (علیه‌السلام): غیبت نهایت تلاش فرد ناتوان است.

^{۴۱۱} مَنْ أَكَلَ بِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ بِهِ ثَوْبًا أَطْعَمَهُ اللَّهُ بِهَا أَكْلَةً مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَ سَقَاهُ سَقِيَّةً مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ وَ كَسَاهُ ثَوْبًا مِنْ سَرَائِيلِ جَهَنَّمَ (اختصاص: ۲۲۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس بوسیله بدگویی از برادر مؤمنش غذایی بخورد یا نوشیدنی بنوشد یا لباسی را بپوشد خداوند متعال بواسطه این عمل، به او از آتش جهنم می‌خوراند و از نوشیدنی جهنم به او می‌نوشاند و از شلوارهای دوزخی به او می‌پوشاند.

^{۴۱۲} مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ (وسائل: ۲۹۲/۱۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس از آبروی برادر مسلمانش دفاع کند حتماً بهشت بر او واجب می‌شود.

^{۴۱۳} مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُنْصِرُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (وسائل: ۲۹۲/۱۲) امام صادق (علیه‌السلام): هیچ مؤمنی نیست که مؤمن ستم‌دیده‌ای را یاری کند، مگر آنکه (ثواب) این عمل، از روزه و اعتکاف یک ماه در مسجد الحرام برتر است، و هیچ مؤمنی نیست که توان یاری کردن برادر خود داشته باشد و او را یاری کند مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت یاری می‌کند، و هیچ مؤمنی نیست که توان یاری کردن برادر خود داشته باشد ولی او را به حال خود رها سازد مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت به خود واگذارد.

^{۴۱۴} مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَنَصَرَهُ وَ اعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ وَ اعَانَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَ لَمْ يُعِنْهُ وَ لَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ وَ عَوْنِهِ إِلَّا خَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

۲. صدیق و دوست به کسی گفته می‌شود که در غیاب دوستش، صدق و صفای خود را حفظ نماید^{۴۱۵}. و از غیبت شدن دوستش جلوگیری نموده و از او دفاع کند.

۳. لزوم بیان خوبی‌های غیبت شونده در مجلس غیبت^{۴۱۶}.

۴. شنونده غیبت، خود غیبت کننده است^{۴۱۷}. بلکه گناه او هفتاد بار بیشتر از غیبت کننده است^{۴۱۸}.

(وسائل: ۲۹۲/۱۲) امام باقر (علیه‌السلام): هر که نزد وی از برادر مؤمنش غیبت شود و او به یاری و کمکش بشتابد و از او دفاع کند، خداوند در دنیا و آخرت وی را یاری کند و اگر به کمک و یاری‌اش نشتابد و از او دفاع نکند با این که قدرت کمک دارد، خداوند در دنیا و آخرت وی را حقیر و ناچیز گرداند.

^{۴۱۵} الصَّدِيقُ مَنْ صَدَقَ غَيْبَهُ [غَيْبَتُهُ] (غرر: ۴۲۴) امام علی (علیه‌السلام): دوست کسی است که پنهانی او صاف و راست باشد.

^{۴۱۶} أَنَّ عَيْسَى (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) مَرَّ وَالْحَوَارِيُّونَ عَلَى جَيْفَةٍ كَلَبَ فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ مَا أَتَنَ رِيحَ هَذَا فَقَالَ عَيْسَى (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) مَا أَشَدَّ بَيَاضَ أَسْنَانِهِ كَأَنَّهُ يَنْهَاهُمْ عَنْ غَيْبَةِ الْكَلْبِ وَ يَنْهَهُمْ عَلَى أَنَّهُ لَا يُذَكَّرُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا أَحْسَنُهُ (بحار: ۲۲۲/۷۲) حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه‌السلام) با حواریون به مردار سگی گذشتند و حواریون گفتند: این چه بوی متعفنی دارد! آن حضرت فرمود: چقدر دندان‌هایش سفید است، گویا آنها را از غیبت سگ هم باز می‌داشت و آگاهی می‌داد که از آفریده خداوند باید نیکوترین‌هایش را ذکر کرد.

^{۴۱۷} السَّامِعُ لِلْغَيْبَةِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ (مستدرک: ۱۳۳/۹) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): شنونده غیبت یکی از دو غیبت کننده است.

^{۴۱۸} مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى إِفْذَائِهِ وَ حَلَمَ عَنْهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ أَلَا وَ مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ مِنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ السُّوءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْزَرٌ مِّنْ اغْتَابَتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً (أمالی صدوق: ۴۳۰) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): هر کس خشمی را فرو خورد و حال آنکه می‌تواند آن را بروز دهد و بردباری کند خداوند به او اجر شهید بدهد آگاه باشید هر کس در مجلسی غیبت برادر خود را شنود و از او دفاع کند خدا هزار باب بدی در دنیا و آخرت را از او

۵. اجتناب از ابراز تعجب و شگفتی از آنچه به عنوان غیبت گفته می‌شود^{۴۱۹}. بلکه ضرورت ابراز خشم از آن^{۴۲۰}.
۶. غیبت غذای فاسدی است که غیبت کننده در ظرف شنونده غیبت، بالا می‌آورد^{۴۲۱}.
۷. شنونده غیبت مشرک است^{۴۲۲} (توضیح در اثر دهم غیبت).
۸. اجتناب از اطاعت غیبت کننده زمانی که از انسان می‌خواهد تا به بدگویی‌هایش گوش دهد^{۴۲۳}.

دور می‌گرداند و اگر با اینکه می‌توانست دفاع کند، نکند گناه هفتاد بار غیبت غیبت‌کننده بر او باشد.

^{۴۱۹} مَنْ رَدَّ عَنْ أُخِيهِ غَيْبَةً سَمِعَهَا فِي مَجْلِسٍ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنْ لَمْ يَرُدَّ عَنْهُ وَأَعْجَبَهُ كَانَتْ عَلَيْهِ كَوْزُرٌ مِّنْ اغْتَابٍ (وسائل: ۲۹۲/۱۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس غیبت برادرش را در مجلسی بشنود و از او دفاع کند و جلو غیبت از او را بگیرد خدا هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دور می‌کند، و اگر جلو غیبت را نگیرد، بلکه خوشش هم بیاید، گناه و کفرش به اندازه معصیت غیبت‌کننده خواهد بود.

^{۴۲۰} مَنْ سَمِعَ الْغَيْبَةَ وَ لَمْ يُعَيِّرْ كَانَتْ كَمَنْ اغْتَابَ وَ مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أُخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَانَتْ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنَ النَّارِ (مستدرک: ۱۳۳/۹) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس غیبت را بشنود و از خود غیرت نشان ندهد مانند کسی است که غیبت کرده است و هر کس از آبروی برادر مؤمن خود دفاع کند برای او هفتاد هزار حفاظ و پرده از آتش دوزخ خواهد بود.

^{۴۲۱} نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه‌السلام) إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ (عليه‌السلام) فَقَالَ يَا بُنَيَّ نَزَتْ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَيَّ أَخْبَثَ مَا فِي وَعَائِهِ فَأَفْرَغَهُ فِي وَعَائِكَ (مستدرک: ۱۳۲/۹) امیر مؤمنان (عليه‌السلام) مردی را دید که نزد پسرش امام حسن (عليه‌السلام) از مردی غیبت می‌کند، پسر جانم گوشت را از این سخن پاک دار که او بدترین چیزی را که در ظرف دارد بنظر آورده و آن را در دل تو می‌ریزد.

^{۴۲۲} الْغَيْبَةُ كُفْرٌ وَ الْمُسْتَمِعُ لَهَا وَ الرَّاضِي بِهَا مُشْرِكٌ (مستدرک: ۱۳۳/۹) امام صادق (عليه‌السلام): غیبت کفر است و گوش کننده به غیبت و کسی که به آن راضی است مشرک هستند.

۹. پرهیز از نشستن در مجلسی که در آن غیبت می‌کنند^{۴۲۴}.

کفاره غیبت

۱. استغفار، هر زمان که غیبت شونده در خاطر غیبت کننده بیاید^{۴۲۵}.
۲. بخشیده شدن توسط غیبت کننده^{۴۲۶}.
۳. آبرو به عنوان حق الناس بر گردن انسان سنگینی می‌کند و اگر در دنیا آن را نپردازد روز قیامت یا باید با حسناتش آن حق را پرداخت نماید و یا با قبول نمودن سیئات غیبت شونده^{۴۲۷}.

^{۴۲۳} وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰) هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ (قلم ۱۱) و از هر قَسَمِ خورنده فرومایه‌ای فرمان میر: (۱۰) [که] عیب‌جوست و برای خبرچینی گام برمی‌دارد، (۱۱)
^{۴۲۴} وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَعَدَّ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (أنعام: ۶۸) و چون ببینی کسانی [به قصد تخلف] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین.
^{۴۲۵} سَأَلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَا كَفَّارَةُ الْإِعْتِيَابِ قَالَ تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِمَنْ اِغْتَبْتَهُ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ (كافى): ۳۵۷/۲ امام صادق (عليه السلام): از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سؤال شد: کفاره غیبت کردن چیست؟ : اینکه هر زمان کسی را که از او غیبت کرده‌ای به یاد آوردی برای او از خداوند طلب مغفرت نمایی.

^{۴۲۶} عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ عُقُوبَةُ الْغَيْبَةِ أَشَدُّ مِنْ عُقُوبَةِ الزَّانَا قِيلَ وَ لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ صَاحِبَ الزَّانَا يُتُوبُ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ [وَلَا تُغْفَرُ الْغَيْبَةُ إِلَّا أَنْ يُحَلِّلَهُ صَاحِبُهُ (مستدرک: ۱۳۰/۹) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): عقوبت گناه غیبت از عقوبت زنا شدیدتر است گفته شد: به چه دلیل ای رسول خدا؟ : زیرا فرد زنا کار توبه می‌کند و در نتیجه خداوند او را می‌بخشد ولی عیب‌ت بخشیده نمی‌شود مگر اینکه فردی که از او غیبت شده است او را حلال کند.

^{۴۲۷} مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ فِي قَبْلِهِ مَظْلَمَةٌ فِي عَرْضِ أَوْ مَالٍ فَلْيَتَحَلَّلْهَا مِنْهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَيْسَ هُنَاكَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ يُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَرَبِدَتْ عَلَى سَيِّئَاتِهِ (بحار: ۲۴۳/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): هر که بدهکار در آبرو یا مال است باید

۴. اگر خبر غیبت به غیبت شونده برسد باید از او حلالیت بطلبد و الا تنها
برایش استغفار نماید^{۴۲۸}.
۵. ضرورت دارد غیبت شونده از گناه غیبت کننده بگذرد^{۴۲۹}، تا خداوند
پاداش خاصی را برایش روز قیامت در نظر بگیرد^{۴۳۰}. زیرا گذشتن از آبرو،
صدقه‌ای است که فرد در راه خداوند پرداخت می‌کند^{۴۳۱}.

حلال خواهد پیش از آن روزی که در آن یول نقره یا طلا نباشد و از حسناش دریافت شود و اگر
ندارد از گناهان بستانکارش گرفته شده بر گناهایش افزوده شود.

^{۴۲۸} فَإِنْ اغْتَبْتِ فَبَلَغِ الْمُعْتَابَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا أَنْ تَسْتَحِلَّ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَبْلُغْهُ وَلَمْ يَلْحَقْهُ عِلْمٌ ذَلِكَ فَاسْتَغْفِرِ
اللَّهُ لَهُ (بخاری: ۲۴۲/۷۲) امام صادق (علیه السلام): اگر غیبت کردی و خبرش به غیبت شده رسید راهی
نمی‌ماند جز حلالیت خواستن از او و اگر خبر آن به او نرسیده است پس باید برایش از خداوند
طلب آمرزش کنی.

^{۴۲۹} قَالَ اللَّهُ تَعَالَى خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا جِبْرَائِيلُ مَا
هَذَا الْعَفْوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَا مُرْكُ أَنْ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَتُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ (بخاری:
۲۴۳/۷۲) خداوند متعال (در سوره اعراف آیه ۱۹۹) فرموده است: راه عفو را پیش گیر و به نیکی
امر کن و از نادانان روی بگردان، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به جبرئیل فرمود: ای جبرئیل
منظور از این عفو چیست؟ جبرئیل گفت: همانا خداوند متعال به تو فرمان می‌دهد اینک از کسی
که به تو ظلم کرده است درگذری و با کسی که رابطه اش را با تو قطع کرده است رابطه برقرار کنی
و عطای خود را شامل کسانی بگردانی که تو را محروم ساخته‌اند.

^{۴۳۰} إِذَا جَسَتْ الْأُمَمُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُودُوا لِيَقِمَ مَنْ كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَقُومُ
إِلَّا مَنْ عَفَا فِي الدُّنْيَا عَنْ مَظْلَمَتِهِ (بخاری: ۲۴۳/۷۲) در روایت است هنگامی که در روز قیامت امت‌ها
در مقابل (قدرت) خداوند زانو زدند ندا بر می‌آید کسی که پاداشش بر عهده خداوند است برخیزد
پس کسی نمی‌ایستند مگر کسی که در دنیا از ظلم‌هایی که به او شده است در گذشته است.

^{۴۳۱} أَعْجِزُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي ضَمُضٍ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي تَصَدَّقْتُ بِعَرَضِي عَلَى
النَّاسِ (بخاری: ۲۴۴/۷۲) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده که: آیا شما نمی‌توانید مانند
ابی ضمضم باشید، زمانی که از خانه اش بیرون می‌آمد می‌گفت: خداوند آبرویم را به مردم صدقه
دادم.

غیبت‌های مجاز

۱. فاسقی که آشکارا فسق می‌کند^{۴۳۲} خصوصاً دروغ، ظلم و خلف وعده^{۴۳۳} و شراپخواری^{۴۳۴}.
۲. بدعت‌گذار^{۴۳۵}.
۳. پیشوای ستمکار^{۴۳۶} و دروغگویی که اگر مورد لطف قرار گیرد تشکر نمی‌کند و اگر به او بدی شود نمی‌بخشد^{۴۳۷}.
۴. شکایت از ستمکار^{۴۳۸}. زیرا کسی که دارای حق است این حق را نیز دارد که درباره از بین برنده حقش سخن بگوید^{۴۳۹}. مثل این که باید بتواند از

^{۴۳۲} ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ صَاحِبُ هَوَى مُبْتَدِعٌ وَ الْإِمَامُ الْجَائِرُ وَ الْفَاسِقُ الْمُغْلَبُ بِالْفِسْقِ (وسائل: ۲۸۹/۱۲) امام باقر (علیه‌السلام): سه نفر هیچ احترامی ندارند، ۱- کسی که از روی هوی و هوس بدعت‌گذاری می‌کند ۲- پیشوای ستمگر و طاغوت ۳- فاسقی که عمل فاسقانه خویش را آشکار می‌گرداند.

^{۴۳۳} مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ أَوْثَقُهُ وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ (بحار: ۱/۶۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس در معامله با مردم ستم بر آنان روا ندارد و در گفتارش با آنان دروغ نگوید و در وعده که بدهد مخالفت نکند از جوانمردان کامل است و عدالتش ظاهر و برادری با او بر دیگران واجب و بدگویی در باره وی حرام است.

^{۴۳۴} اجْتَنِبُوا الْغَيْبَةَ غَيْبَةَ الْمُؤْمِنِ وَ احْذَرُوا النَّمِيمَةَ فَإِنَّهُمَا يُفْطِرَانِ الصَّائِمَ وَ لَا غَيْبَةَ لِلْفَاجِرِ وَ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ اللَّاعِبِ بِالشُّطْرَنْجِ وَ الْقَمَارِ (بحار: ۲۵۷/۷۲) در کتاب منسوب به امام رضا (علیه‌السلام) آمده است: از غیبت مؤمن بپرهیزید و از سخن چینی بر حذر باشید چرا که این دو ارزش روزه را از بین می‌برند، البته برای انسان فاجر و می‌گسار و شطرنج باز و قمار باز غیبت معنی ندارد.

^{۴۳۵} ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ ... (وسائل: ۲۸۹/۱۲)

^{۴۳۶} ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ ... (وسائل: ۲۸۹/۱۲)

^{۴۳۷} أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ ... الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَشْكُرْ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرْ ... (مستدرک: ۱۲۹/۹) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): چهار گروه هستند که غیبتشان اشکال ندارد ... پیشوا و سلطان دروغگویی که اگر نیکویی کنی تشکر نمی‌کند و اگر خطایی انجام دهی نمی‌بخشد.

- بدهکاری که می‌تواند بدهیش را بپردازد ولی این کار را نمی‌کند سخن به بدی بگوید^{۴۴۰} این چنین بدهکاری ریختن آبرویش رواست^{۴۴۱}.
۵. میهمان حق دارد درباره میزبانی که به درستی میهمان نوازی نکرده است به زشتی سخن بگوید^{۴۴۲}.
۶. تفریح کنندگان با فحش به مادران^{۴۴۳}.
۷. شورش کننده بر علیه امت اسلامی با اسلحه^{۴۴۴}.

^{۴۳۸} لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ (نساء: ۱۴۸) خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد.

^{۴۳۹} لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالٌ (بحار: ۲۳۱/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): کسی که (در دعاوی) حق با اوست می‌تواند برای اثبات آن سخن بگوید.

^{۴۴۰} مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ (بحار: ۲۳۱/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): تأخیر انداختن (پرداخت بدهی از سوی) توانگر یک نوع ستم است.

^{۴۴۱} مَطْلُ الْوَاجِدِ يُجِلُّ عِرْضَهُ وَ عَقُوبَتَهُ (بحار: ۲۳۱/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): تأخیر انداختن (پرداخت بدهی از سوی) توانگر موجب می‌شود تا آبرو و عقوبتش حلال گردد.

^{۴۴۲} فِي قَوْلِ اللَّهِ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ قَالَ مَنْ أَصَافَ قَوْمًا فَأَسَاءَ ضِيَابَتَهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ ظَلَمَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِيمَا قَالُوا فِيهِ (وسائل: ۲۸۹/۱۲) امام صادق (علیه السلام) در رابطه با گفتار خداوند (در سوره نساء آیه ۱۴۸ که می‌فرماید) « خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد»: اگر کسی گروهی را میهمان کند و از آن‌ها بد پذیری کند، میهمان‌ها از جمله کسانی هستند که به آن‌ها ظلم شده است پس ایرادی بر آنها نیست که نسبت به آن میهمانی سخن بگویند.

^{۴۴۳} أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ ... الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَشْكُرْ وَإِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرْ ... (مستدرک: ۱۲۹/۹) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): چهار گروه هستند که غیبتشان اشکال ندارد ... پیشوا و سلطان دروغگویی که اگر نیکویی کنی تشکر نمی‌کند و اگر خطایی انجام دهی نمی‌بخشد.

^{۴۴۴} أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ ... الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَشْكُرْ وَإِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرْ ... (مستدرک: ۱۲۹/۹) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): چهار گروه هستند که غیبتشان اشکال ندارد ... پیشوا و سلطان دروغگویی که اگر نیکویی کنی تشکر نمی‌کند و اگر خطایی انجام دهی نمی‌بخشد.

۸. کسی که پرده حیایش دریده شده و خود را رسوا نموده است.^{۴۴۵}
۹. کسی که نسبت به خانواده‌اش (و کلاً پرداخت‌های واجب) بخل می‌کند.^{۴۴۶}
۱۰. مورد مشورت قرار گرفتن برای ازدواج.^{۴۴۷}
۱۱. بدگویی از کسی که باید مردم از او بخاطر گناهانش پرهیز کنند.^{۴۴۸}
۱۲. نقل عیوبی که نزد خداوند عیب است، به قصد بیان حق و باطل از منظر دین. البته باید گوینده خود خالی از آن باشد.^{۴۴۹}

^{۴۴۵} مَنْ أَلْقَى جَلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ (مستدرک: ۱۲۹/۹) امام رضا (علیه‌السلام): کسی که پرده شرم را کنار انداخت (و در انظار دیگران گناه کرد) دیگر غیبت کردنش اشکال ندارد.

^{۴۴۶} أَنْ هِنْدًا قَالَتْ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِنَّ أَبَا سَفْيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ لَا يُعْطِينِي مَا يَكْفِينِي أَنَا وَوَلَدِي أَوْ فَاحِذٌ مِنْ غَيْرِ عِلْمِهِ فَقَالَ خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ فَذَكَرَتِ الشُّحَّ لَهَا وَوَلَدِهَا وَ لَمْ يَزُجْهَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذْ كَانَ قَصْدُهَا الْإِسْتِثْنَاءَ (بحار: ۲۳۲/۷۲) هند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) گفت: ابی سفیان مرد بخیلی است بمن نفقه‌ای نمی‌دهد که برای خودم و فرزندم کفایت کند آیا بدون آنکه او بداند می‌توانم از او بردارم؟ : به اندازه متعارف، به اندازه خودت و فرزندت بردار و از بخل او سخن گفت و آن حضرت منعی نکرد چون قصد فتوی گرفتن داشت.

^{۴۴۷} أَنَّهُ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ لِفاطِمَةَ بِنْتِ قَيْسٍ حِينَ شَاوَرْتَهُ فِي خُطَابِهَا أَمَا مُعَاوِيَةُ فَرَجُلٌ صُعْلُوكٌ لَا مَالَ لَهُ وَ أَمَا أَبُو جَهْمٍ فَلَا يَضَعُ الْعَصَا عَنْ عَاتِقِهِ (مستدرک: ۱۲۹/۹) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بفاطمه دختر قیس که در باره خواستگاری‌اش با آن حضرت مشورت می‌کرد : اما معاویه دزدی است که مالی ندارد و اما ابو جهم عصاء را از دوشش زمین نمی‌گذارد (یعنی پیوسته کتک می‌زند).

^{۴۴۸} أَوْ تَرَعُونَ عَنْ ذِكْرِ الْفَاجِرِ حَتَّى يُعْرِفَهُ النَّاسُ اذْكُرُوهُ بِمَا فِيهِ يَحْذَرُهُ النَّاسُ (بحار: ۲۳۲/۷۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): آیا از این می‌هراسید که وضعیت انسان فاجر و کسی که آشکارا خلاف می‌کند را شرح داده و در نتیجه مردم او را بشناسند، اعمال زشتی که در او هست را بیان کنید تا مردم از آنها پرهیز کنند.

^{۴۴۹} الْخَوْضُ فِي ذِكْرِ غَائِبٍ بِمَا هُوَ عِنْدَ اللَّهِ مَذْمُومٌ وَ صَاحِبُهُ فِيهِ مَلُومٌ فَلَيْسَ بِغَيْبَةٍ وَ إِنْ كَرِهَ صَاحِبُهُ إِذَا سَمِعَ بِهِ وَ كُنْتَ أَنْتَ مُعَافَاً عَنْهُ خَالِيًا مِنْهُ تَكُونُ فِي ذَلِكَ مُبَيَّنًّا لِلْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ بَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ

علاج بدگویی

تأمل در آثار زیانبار غیبت (که گذشت) و به گوش جان سپردن کلام امام علی و امام سجاد (علیهما السلام) می تواند انسان را از این رذیله شوم بازدارد:

کلام امام علی (علیه السلام):

«برای آنها که معصوم و پاکند، بخاطر لطفی که به آنها شده است سزاوار است به اهالی گناه و معصیت ترحم کنند! شکر، صفت غالب آنها باشد! شکر، آنها را باز دارد از (بدگویی) شان.

واقعا چه وضعیتی دارد بدگویی که عیب برادرش را می گوید؟! و او را بخاطر مسئله ای که دچارش شده است تحقیر می کند؟! آیا یاد نمی آورد نحوه پوششی را که خداوند روی گناهایش داشته است؟! گناهایی که بزرگ تر است از گناه کسی است که غیبتش شده است! چگونه او را به گناهی مذمت می کند که خود، مثل آن را مرتکب شده است. اگر هم عین آن گناه را انجام نداده باشد خداوند را در غیر آن که بزرگتر نیز هست معصیت نموده است! به خداوند قسم اگر او در امور بزرگ، خداوند را معصیت نکرده باشد و تنها در امور کوچک معصیتش نموده باشد، بخاطر جرأتی که بر بدگویی یافته است گناهایش بزرگترین می شود!

(بحار: ۲۵۷/۷۲) امام صادق (علیه السلام): مشغول شدن به یاد آوری صفتی از فرد غایب که آن صفت نزد خداوند مذموم است و آن فرد نیز به خاطر این صفتش مورد ملامت مردم است غیبت نیست هر چند که اگر آن فرد بشنود خوشش نیاید این به شرطی است که تو خود از آن صفت بد عاری باشی و قصدت از بیان آن تبیین و جدا سازی حق از باطل باشد، این طبق گفته خداوند متعال و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

پس هر کس از شما که چیزی از زشتی‌های دیگران می‌داند، بخاطر آگاهی که از عیوب خود دارد، باید (خود را از بدگویی) بازدارد و باید شکر، همه مشغله او باشد، شکر بر معاف بودنش از آنچه دیگری مبتلا به آن است.^{۴۵۰}

کلام امام سجاد (علیه‌السلام):

شخصی به امام سجاد (علیه‌السلام) گفت: «فلانی به شما نسبت ناروا می‌زند، او می‌گوید: شما گمراه و بدعت گذار هستید! حضرت به او فرمودند: تو رعایت حق مجلس آن مرد را عایت نکردی! زیرا سخن او را برای من نقل نمودی، حق من را نیز ادا نمودی! زیرا از برادر (ایمانیم) چیزی را برایم نقل نمودی که من نمی‌دانستم. مرگ همه ما را در برمی‌گیرد و روز رستاخیر، محشر همه ما خواهد بود، و قیامت قرارگاهمان و خداوند بین ما حکم خواهد کرد! از بدگویی بپرهیز زیرا بدگویی خورشت سگان دوزخ است و بدان که هرکس عیوب مردم را زیاد، یاد نماید، همین زیاد یاد نمودن، گواه بر آن است که او به اندازه عیوبی که دارد به دنبال زشتی‌های دیگران است»^{۴۵۱}.

^{۴۵۰} وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ (عليه‌السلام) فِي النَّهْيِ عَنِ غَيْبَةِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحُمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ فَكَيْفَ بِالْعَائِبِ الَّذِي عَابَ أَخَاهُ وَ عَيْرَهُ بِلُؤَاهُ أَوْ مَا ذَكَرَ مَوْضِعَ سِتْرِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي عَابَهُ بِهِ وَ كَيْفَ يَذُمَّهُ بِذَنْبٍ قَدْ رَكِبَ مِثْلَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بَعِيْنَهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ وَ أَيْمَ اللَّهُ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ عَصَاهُ فِي الْكَبِيرِ وَ عَصَاهُ فِي الصَّغِيرِ لَجُرَّاتُهُ عَلَى عَيْبِ النَّاسِ أَكْبَرُ يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عَيْبِ أَحَدٍ بِذَنْبِهِ فَلَعَلَّهُ مَغْفُورٌ لَهُ وَ لَا تَأْمَنْ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرَ مَعْصِيَةٍ فَلَعَلَّكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ فَلْيَكْفُفْ مَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ وَ لِيَكُنَ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتَلَى غَيْرُهُ بِهِ (بحار: ۲۶۱/۷۲).

^{۴۵۱} قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه‌السلام) إِنَّ فُلَانًا يَنْسِبُكَ إِلَى أَنْكَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَا رَعَيْتَ حَقَّ مُجَالَسَةِ الرَّجُلِ حَيْثُ نَقَلْتُ إِلَيْنَا حَدِيثَهُ وَ لَا أَذَيْتَ حَقِّي حَيْثُ أَبْلَغْتَنِي عَنْ أَخِي مَا لَسْتُ أَعْلَمُهُ إِنَّ الْمَوْتَ يَعْمُنَا وَ الْبُعْتَ مَحْشَرْنَا وَ الْقِيَامَةَ مَوْعِدْنَا وَ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَنَا

چند نکته

۱. بیان زشتی‌های مردگان نیز امر ناپسند^{۴۵۲} و گناه است^{۴۵۳} حتی کسی که بخاطر اجرای حد کشته شده است^{۴۵۴}. لذا باید تنها خوبی‌های آنها را مطرح نمود^{۴۵۵}.
۲. آن گونه در غیاب مؤمنی او را بستایید که دوست دارید شما را در غیابتان بستایند^{۴۵۶}.

إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ غُيُوبِ النَّاسِ شَهِدَ عَلَيْهِ الْإِكْتَارُ أَنَّهُ
إِنَّمَا يَطْلُبُهَا بِقَدْرِ مَا فِيهِ (بحار: ۲۴۶/۷۲).

^{۴۵۴} لَا تَقُولُوا فِي مَوْتَاكُمْ إِلَّا خَيْرًا (بحار: ۲۳۹/۷۲) در خبری آمده است: در رابطه با مردگانتان جز نیکی نگویید.

^{۴۵۳} لَا تَذْكُرِ الْمَوْتَى بِسُوءٍ فَكَفَى بِذَلِكَ إِثْمًا (غرر: ۲۲۱) امام علی (علیه‌السلام): مردگان را به بدی یاد نکنید چرا که همین سخن برای گناه کردن کفایت می‌کند.

^{۴۵۴} وَ لَمَّا رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ صِ الرَّجُلَ فِي الزَّنَاءِ قَالَ رَجُلٌ لِصَاحِبِهِ هَذَا فُعِصَ كَمَا يُفْعَصُ الْكَلْبُ فَمَرَّ
النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَعَهُمَا بِجِيفَةٍ فَقَالَ انْهَسْنَا مِنْهَا قَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ تَنْهَسُ جِيفَةً
قَالَ مَا أَصَبْتُهُمَا [أَصَبْتُمَا مِنْ أَخِيكُمْ أَتْنُ مِنْ هَذِهِ (ورام: ۱/۱۱۶) وقتی که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
مرد زناکاری را سنگسار کرد، مردی به رفیقش گفت: این مرگ در جای خود بود مثل مردن سگ
که در جای خود می‌میرد، پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) - که آن دو مرد هم همراهش بودند - به
مرداری رسید، از این مردار با دندان‌هایتان بجوید. عرض کردند: یا رسول الله! ما مردار را دندان
بز نیم؟ حضرت: آنچه شما نسبت به برادر مسلمانان مرتکب شدید، بدبو تر از این بود!

^{۴۵۵} اذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ (بحار: ۲۳۹/۷۲) امام علی (علیه‌السلام): نیکی‌های مردگانتان را یاد آوری کنید.

^{۴۵۶} اذْكُرْ أَحَاكَ إِذَا تَغَيَّبَ عَنْكَ بِأَحْسَنِ مِمَّا تُحِبُّ أَنْ يَذْكُرَكَ بِهِ إِذَا تَغَيَّبَتْ عَنْهُ (بحار: ۲۶۰/۷۲)
امام صادق (علیه‌السلام): زمانی که برادرت غایب می‌شود او را یاد کن بهتر از آنچه که دوست داری
وقتی تو از نزد او غایب می‌شوی درباره‌ات بگوید.

۳. ترک بدگویی و نداشتن نیت آن^{۴۵۷}، ارزشی بیش از عبادات مستحبی نزد خداوند دارد^{۴۵۸} و موجب بخشیده شدن خطاها می‌گردد^{۴۵۹} زیرا ترک بدگویی بهترین مصداق از بین بردن زمینه انواع زشتی‌هاست^{۴۶۰}.
۴. وظیفه کسی که عیبی می‌بیند اولاً کتمان آن است و ثانیاً طلب آمرزش برای صاحب عیب می‌باشد^{۴۶۱}.

^{۴۵۷} سَتُ خِصَالُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ إِلَّا كَانَ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ يَنْتَهُ أَنْ لَا يَغْتَابَ مُسْلِمًا فَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ كَانَ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ ... (بخاری: ۲۶۱/۷۲) پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): شش خصلت است که هیچ مسلمانی نیست که اگر در حالی که دارند یکی از آنها باشد بمیرد بر خداوند پیمان دارد که او را داخل بهشت کند، ۱- اینکه کسی قصدش این باشد که از هیچ مسلمانی غیبت نکند، پس اگر بر این قصد بمیرد آن ضمانت را از سوی خداوند خواهد داشت

^{۴۵۸} تَرَكَ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آَلَا فِ رُكْعَةٍ تَطَوُّعًا (بخاری: ۲۶۱/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ترک کردن غیبت نزد خداوند عز و جل از ده هزار رکعت نماز مستحبی دوست داشتنی تر است.

^{۴۵۹} مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (بخاری: ۲۵۶/۷۲) امام سجاد (علیه‌السلام): هر کس از (لطمه زدن به) آبروی مسلمانان خودداری کند خداوند متعال روز قیامت از لغزشش بگذرد.

^{۴۶۰} اعْلَمُ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَالْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَاغْتِيَابِهِمْ ... (بخاری: ۲۵۳/۷۲) امام صادق (علیه‌السلام): بدان هیچ تقوایی سودمندتر از دوری کردن از حرام‌های خداوند و خودداری از اذیت مؤمنان و خودداری از غیبت کردن آنها نیست.

^{۴۶۱} مَنْ اطَّلَعَ مِنْ مُؤْمِنٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ سَيِّئَةٍ فَأَفْشَى ذَلِكَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَكْتُمْهَا وَ لَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ كَعَامِلِهَا وَ عَلَيْهِ وَزْرُ ذَلِكَ الَّذِي أَفْشَاهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ مَغْفُورًا لِعَامِلِهَا وَ كَانَ عِقَابُهُ مَا أَفْشَى عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مَسْتُورًا عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ يَجِدُ اللَّهَ أَكْرَمَ مِنْ أَنْ يُنْتَنَى عَلَيْهِ عِقَابًا فِي الْآخِرَةِ (مستدرک: ۱۳۵/۹) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس از گناه یا کار بد مؤمنی آگاه شود و آن را به زیان او فاش کند و پنهانش ننماید و از خدا برایش آمرزش نخواهد، نزد خداوند همچون انجام دهنده آن است و گناه آن عملی که فاش کرده بر او است و انجام دهنده آن گناه، آمرزیده است چرا که عقاب او

۵. بعضی از محافل تنها به نفرین به این و آن می‌گذرد، باید از این محافل دوری نمود^{۴۶۲}.

همان است که در دنیا کارش فاش شده است؛ و در آخرت پوشیده خواهد بود و دریابد که خداوند کریم تر از آن است که در آخرت عقاب دومی به او روا دارد.

^{۴۶۲} إِيَّاكُمْ وَمَجَالِسِ اللَّعَانِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ اللَّعَانِ. (بحار: ۲۶۳/۷۲) امام صادق یا امام کاظم (علیهما السلام): از مجالسی که در آن افراد مورد نفرین قرار می‌گیرند پرهیز کنید، همانا ملائکه هنگام نفرین کردن می‌گریزند.

فصل هشتم

هشت گناه
خیانت

خیانت

مقدمه

امانتداری با ارزش‌ترین عطیه الهی^{۴۶۳} است که در میان توده انسان‌ها^{۴۶۴} و ادیان آسمانی^{۴۶۵} بخصوص اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است^{۴۶۶}.

^{۴۶۳} أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صِدْقُ حَدِيثٍ وَأَدَاءُ أَمَانَةٍ وَعِفَّةُ بَطْنٍ وَحُسْنُ خُلُقٍ (غرر: ۲۱۷) امام علی (علیه‌السلام): چهار خصلت است که اگر به کسی داده شود خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است ۱- راستگویی ۲- امانتداری ۳- نگه داشتن شکم ۴- داشتن اخلاق نیک.

^{۴۶۴} كُلُّ خُلُقٍ مِنَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهُ يَكْسِبُ عِنْدَ قَوْمٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا الْأَمَانَةَ فَإِنَّهَا نَافِقَةٌ عِنْدَ أَصْنَافِ النَّاسِ يَفْضِلُ بِهَا مَنْ كَانَتْ فِيهِ حَتَّىٰ أَنْ الْآيَةِ إِذَا لَمْ تَنْشَفْ وَبَقِيَ مَا يُودَعُ فِيهَا عَلَىٰ حَالِهِ لَمْ يَنْقُصْ كَانَتْ أَكْثَرَ تَنَاءً مِنْ غَيْرِهَا مِمَّا يُرْشَحُ أَوْ يَنْشَفُ (شرح نهج: ۳۳۸/۲۰) نقل شده است که امام علی (علیه‌السلام): هر صفت اخلاقی نزد گروهی از مردم بی رونق و کم ارزش است مگر صفت امانتداری، همانا امانتداری بین همه مردم وجود دارد و هر کس این صفت در او وجود داشته باشد احساس برتری می‌کند، (نیکویی امانتداری فقط در میان انسان‌ها نیست) حتی ظرفی که (آب را) به خود نکشد و

امانتداری نشان حریت روحی فرد است^{۴۶۷}، که با مجاهده و تلاش آن را بدست می‌آورد و قابل ارث‌بری از کسی نیست^{۴۶۸}.

خشک ننماید و آنچه که در آن ریخته شده است به همان حال خود باقی بماند و کم نگردد از ظرفی که (آب در آن) ترشح (به بیرون) می‌کند و خشک می‌شود، تعریفی تر است.
^{۴۶۵} عن صفوان عن ابی عبد اللہ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِي يَا صَفْوَانُ هَلْ تَدْرِي كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّ قَالَ قُلْتُ مَا أَذْرِي قَالَ بَعَثَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ مِنْهُمْ أَوْصِيَاءُ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا (بحار: ۵۹/۱۱) صفوان بن یحیی می‌گوید امام صادق (علیه السلام) به من: آیا می‌دانی خداوند چند نبی مبعوث نموده است؟ عرض کردم: نمی‌دانم، فرمود: خداوند صد و چهل و چهار هزار نبی و به همین تعداد وصی مبعوث کرده است، تا همه راستگویی و ادای امانت و زهد در دنیا را به مردم برسانند.

^{۴۶۶} إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء: ۵۸) خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست.

^{۴۶۷} إِنَّ الْحَرْ حُرٌّ عَلَىٰ جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَ إِنْ أُسِرَ وَ قَهَرَ وَ اسْتَبْدَلَ بِالْعَسْرِ يُسْرًا كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ الْأَمِينُ (علیه السلام) لَمْ يَضْرِبْهُ حُزْنُهُ أَنْ اسْتُعِيدَ وَ قَهَرَ وَ أُسِرَ وَ لَمْ تَضُرَّهُ ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَ وَحْشَتُهُ وَ مَا نَالَهُ أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَاتِيَّ لَهُ عَبْدًا بَعْدَ أَنْ كَانَ مَالِكًا لَهُ فَأَرْسَلَهُ فَرَجِمَ بِهِ أُمَّةٌ وَ كَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعْقِبُ خَيْرًا فَاصْبِرُوا تَظْفَرُوا وَ وَاظْبُوا عَلَى الصَّبْرِ تُوجِرُوا (بحار: ۹۶/۶۸) امام صادق (علیه السلام): انسان آزاده و حر در تمام حالات حر و آزاد است. اگر حادثه ناگواری برسد صابر و مقاوم است. مصائب و گرفتاریهای پی در پی او را شکست نمیدهد گرچه باسارت درآمده و در چنگال دشمن بیافتد و بجای سیر و خوشی با دشواری مواجه شود، همچنان که یوسف صدیق و امین بردگی و اسارت بخرمتش زیان وارد نساخت و تاریکی چاه و وحشت و تنهائی و آن مشکلاتی که در زندگیش رخ داد ضرری بروح آزاد او نزد تا اینکه خداوند متعال بر او منت نهاد و آن جبار ستمگر را که مالک و آقای یوسف شده بود بنده او کرد و او را بمقام رسالت برگزید و امت و ملتی را بوسیله یوسف نجات داد. پس صبر چنین پایان خوبی دارد بنا بر این صابر و شکیبیا باشید که پیروز خواهید شد. و همیشه صبر کنید که پاداش خواهید داشت.

سمت و سوی این تلاش، اهتمام به همه شایسته‌ها و بایسته‌ها است تا آنجا که رضایت^{۴۶۹} خداوند حاصل شود و محبتش^{۴۷۰} در قلب بتابد و آنگاه خداوند خصلت امانتداری را محبوب بنده‌اش نماید^{۴۷۱}.

در میان طبقات مختلف جامعه، آنها که با مسائل اقتصادی، بیشتر ارتباط دارند^{۴۷۲}، و همچنین آنانی که به علل مختلف، هوس خیانت، بیشتر آنها را وسوسه

^{۴۶۸} الْمَكَارِمُ عَشْرٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي وُلْدِهِ وَ تَكُونُ فِي الْوَالِدِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ وَ تَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ قِيلَ وَ مَا هُنَّ قَالَ صِدْقُ الْبَاسِ وَ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ صَلََةُ الرَّجِيمِ وَ إِقْرَاءُ الضُّبْفِ وَ إِطْعَامُ السَّائِلِ وَ الْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ وَ التَّدْمِيمُ لِلْجَارِ وَ التَّدْمِيمُ لِلصَّاحِبِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ (کافی: ۵۵/۲) امام صادق (علیه‌السلام): مکارم اخلاقی ده چیز است، اگر می‌توانی آنها را داشته باش، زیرا گاهی شخصی آنها را دارد و فرزندش ندارد و گاهی در فرزند هست و در پدرش نیست، و گاهی در برده هست و در آزاد نیست، عرض شد: آنها چه هستند؟ فرمود: ۱- ناامیدی حقیقی (از آنچه دست مردم است) و ۲- راستگویی و ۳- ادای امانت و ۴- صله رحم و ۵- پذیرائی از مهمان و ۶- غذا دادن بسائل (کسی که از او غذا طلبد) و ۷- جبران نیکی‌ها و ۸- مراعات حق همسایه و ۹- مراعات حق رفیق و ۱۰- سر سلسله همه مکارم حیا و شرم است.

^{۴۶۹} (الدعاء في طلب الولد) اللهم ... يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْطِي أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ خَيْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مُنْتَهَى رِضَاكَ عَنِّي فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ وِفَاءِ الْعَهْدِ (کافی: ۹/۶) امام صادق (علیه‌السلام) در دعای درخواست فرزند: خداوندا! ای بخشنده، ای بزرگ، ای عطا کننده، در هر فرزندی نیکی ای به من عطا فرما تا اینکه مرا به نهایتِ خشنودیت از من در راستگویی و ادای امانت و وفای به عهد برسانی.

^{۴۷۰} أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ صَادِقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ (مستدرک: ۵/۱۴) امام صادق (علیه‌السلام): دوست داشتنی‌ترین بندگان نزد خداوند عز و جل کسی است که در گفتارش راستگوست، بر نماز و کارهایی که خداوند بر او واجب کرده است محافظت می‌نماید، مواظب ادای امانت نیز هست.

^{۴۷۱} إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): زمانی که خداوند بنده ای را دوست داشته باشد امانتداری را نزد او دوست داشتنی می‌گرداند.

می‌کند، نیازمند تلاشی افزون‌تر برای کسب این ارزش اخلاقی هستند. اینان باید با پرهیز از خیانت، روح فقیر خود غنا بخشیده و در واقع به او صدقه دهند.^{۴۷۳}

خصوصیت انحصاری امانتداری

یکی از عللی که ادای امانت را از اهمیتی خاص برخوردار می‌کند، استثنا ناپذیر بودن ارزش این خصلت است.

در منابع روایی، آمده است که در مسئله ادای امانت و وفای به عهد نباید استثنایی قائل شد و بر این اساس:

• نباید بین نیکوکار و بدکار فرق گذاشت^{۴۷۴}. و لذا گفته شده است: اگر فردی قاتل انبیا^{۴۷۵} و فرزندان انبیا^{۴۷۶} و یا قاتل ائمه بزرگوار بخصوص امام

^{۴۷۲} إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعَذِّبُ سِنَّةً بَسِئَةً الْعَرَبَ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالذَّهَاقَةَ بِالْكِبْرِ وَالْأُمَّرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلَ الرُّسْتَقِ بِالْجَهْلِ (خصال: ۱/۳۲۵) امام علی (علیه‌السلام): خدای عز و جل شش طایفه را برای داشتن شش خصلت عذاب خواهد فرمود ۱- عرب را برای داشتن تعصبات نژادی و ۲- کدخدایان را به سبب تکبر و ۳- فرمانداران را به خاطر ستم کردن و ۴- فقیهان را به جهت حسد و ۵- بازرگانان را به واسطه خیانت و ۶- روستاییان را به علت نادانی.
^{۴۷۳} الْخَازِنُ الْأَمِينُ الَّذِي يُؤَدِّي مَا اتُّمِّنَ بِهِ طَبِيبُهُ بِهِ نَفْسُهُ فَإِنَّهُ أَحَدُ الْمُتَصَدِّقِينَ (مستدرک: ۲۰۹/۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): خزانه دار امینی که آنچه را که نزد او به امانت گذاشته می‌شود را ادا می‌کند با طبیب خاطر این چنین می‌کند پس همانا او (با این کارش) صدقه دهنده محسوب می‌شود.

^{۴۷۴} ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَقَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ (کافی: ۲/۱۶۲) امام باقر (علیه‌السلام): سه چیز است که خداوند عز و جل برای هیچ کس اجازه ترک آنها را نداده است، ۱- رد امانت به انسان نیکوکار یا بدکار ۲- وفای به عهد نسبت به انسان نیکوکار یا بدکار ۳- نیکی کردن به پدر و مادر چه نیکوکار باشند و چه بدکار.

علی (علیه السلام)^{۴۷۷} و امام مجتبی (علیه السلام)^{۴۷۸} و امام حسین (علیه السلام)^{۴۷۹} باشد، باید امانتش را برگرداند.

• فرقی نمی‌کند کسی که امانتی سپرده، از مناطق خوشنام و یا بدنام (مانند شام در صدر اسلام که مرکز تجمع دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بود) باشد^{۴۸۰}.

• تفاوتی نمی‌کند فردی که اطمینان نموده، سفید پوست و یا داری رنگی دیگر باشد^{۴۸۱}.

^{۴۷۵} أَيُّهَا النَّاسُ كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا أَدُّوا الْأَمَانَاتِ وَ لَوْ إِلَى قَتَلَةِ الْأَنْبِيَاءِ (تحف: ۱۰۴) امام صادق (علیه السلام): ای مردم زبانتان را نگه دارید و نیک سلام گویند، امانتها را، گر چه به کشندگان پیامبران باشد، باز پردازید.

^{۴۷۶} أَدُّوا الْأَمَانَاتِ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ وَ لِدِ الْأَنْبِيَاءِ (وسائل: ۷۳/۱۹) امام علی (علیه السلام): امانت را رد کنید ولو به قاتل فرزندان پیامبران.

^{۴۷۷} أَعْلَمُ أَنَّ ضَارِبَ عَلِيٍّ بِالسَّيْفِ وَ قَاتِلَهُ لَوْ اتَّعَمَّنِي وَ اسْتَنْصَحَنِي وَ اسْتَشَارَنِي ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لَأَدَّيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَاتِ (وسائل: ۷۴/۱۹) امام صادق (علیه السلام): بدان! اگر آن کسی که علی (علیه السلام) را با شمشیر زد و قاتل ایشان بود مرا امین خود قرار دهد و از من خیر خواهی خواهد و مرا به مشورت گیرد و من نیز این خواسته او را قبول کردم حتماً امانت را برخواهم گرداند.

^{۴۷۸} أَدُّوا الْأَمَانَاتِ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) (دعائم: ۴۸۵/۲) امام صادق (علیه السلام): امانت را برگردانید هر چند به قاتل حسن بن علی (علیهما السلام).

^{۴۷۹} أَدُّوا الْأَمَانَاتِ لِمَنْ اتَّعَمَّنَكَ وَ أَرَادَ مِنْكَ النَّصِيحَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) (كافي: ۲۹۳/۸) امام صادق (علیه السلام): امانت را برگردانید به کسی که شما را امین خود قرار داده است و از شما خیر خواهی را انتظار دارد هر چند که قاتل امام حسین (علیه السلام) باشد.

^{۴۸۰} أَدُّوا الْأَمَانَاتِ... إِنْ كَانَ حَرُورِيًّا وَ إِنْ كَانَ شَامِيًّا (وسائل: ۷۲/۱۹) امام صادق (علیه السلام): امانت را برگردانید هر چند به کسی که پیرو مکتب حروریة (خوارج که به امیر المؤمنین (علیه السلام) ناسزا می‌گفتند و ایشان را لعن می‌کردند) باشد و یا پیرو مکتب شام (بنی امیه و حامیان ایشان) باشد.

- در برخورد با اقلیت‌های مذهبی نیز باید امین بود^{۴۸۲}.
 - مقدار آنچه به عنوان امانت گرفته شده است نیز تفاوت نمی‌کند کم باشد یا زیاد^{۴۸۳}.
- و لذا اگر بدهکاری منکر طلب فردی شود، فرد طلبکار حق ندارد به طور امانت مالی را از او بگیرد و بعد در آن مال تصرف نماید، اگر هم قرار است تقاضی صورت گیرد نباید از طریق خیانت باشد^{۴۸۴}.

^{۴۸۱} أدُوا الْأَمَانَةَ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ ... (وسائل: ۷۲/۱۹) امام صادق (علیه‌السلام): امانت را برگردانید چه سیاه پوست باشد یا سفید پوست.

^{۴۸۲} أدُوا الْأَمَانَةَ إِلَى أَهْلِهَا وَإِنْ كَانُوا مَجُوسًا (وسائل: ۷۳/۱۹) امام صادق (علیه‌السلام): امانت را به صاحبش برگردانید هر چند زرتشتی باشد.

^{۴۸۳} أَقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مِرَارًا ثَلَاثًا يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمَخِيطِ (بحار: ۲۷۴/۷۴) امام علی (علیه‌السلام): قسم می‌خورم که از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم که ساعتی قبل از وفاتش سه بار پشت سر هم: ای ابا الحسن امانت را برگردان به نیکوکار یا بدکار، خواه امانت کم باشد یا زیاد حتی اگر نخ و سوزن را امانت گذارده‌اند.

^{۴۸۴} عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام) رَجُلٌ كَانَ لَهُ عَلَى رَجُلٍ مَالٌ فَجَحَدَهُ إِيَّاهُ وَذَهَبَ بِهِ ثُمَّ صَارَ بَعْدَ ذَلِكَ لِلرَّجُلِ الَّذِي ذُهِبَ بِمَالِهِ مَالٌ قَبْلَهُ أَوْ يَأْخُذُهُ مِنْهُ مَكَانَ مَالِهِ الَّذِي ذُهِبَ بِهِ مِنْهُ ذَلِكَ الرَّجُلُ قَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ لِهَذَا كَلَامٌ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَذْتُ هَذَا الْمَالَ مَكَانَ مَالِي الَّذِي أَخَذَهُ مِنِّي وَإِنِّي لَمْ أَخْذْ مَا أَخَذْتُ مِنْهُ خِيَانَةً وَلَا ظُلْمًا (كافي: ۹۸/۵) ابی بکر خضرمی گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم مردی نزد کسی مالی داشت ولی آن فرد وجود مال را انکار کرد و آن را بالا کشید، بعد از مدتی به دست این فردی که مالش از دستش رفته بود مالی از همان طلبکارش رسید، آیا می‌تواند بابت آن مالش که از دستش رفته بود از این مال بردارد؟ حضرت: بله! ولكن این کار را که می‌خواهد بکند کلامی را بگوید، بگوید: خداوندا! همانا من این مال را به جای آن مالم که از گرفته بود برمی‌دارم و آن را از باب خیانت کردن در امانت و ستم به دیگری نمی‌دارم.

دیگر خصوصیت انحصاری امانتداری این است که، خیانت و تخلف از پیمان الهی، اولین گناه بشر است و انسان با این گناه خود را محروم از بهشت نمود و لایق زندگی سخت زمین گشت^{۴۸۵}.

رابطه امانتداری و دین

مسئله امانت و خیانت همان گونه که با صفات انسانی ارتباط زیادی دارد، با حقیقت دین نیز در آمیخته است؛ تا آنجا که عبادات ظاهری نشان دینداری معرفی نشده بلکه امانت داری و راستگویی، حفظ ارتباط با خویشان و خدمت به دیگران که اضلاع یک حقیقت هستند، دلیل بر تدین انسان‌ها معرفی شده است^{۴۸۶}.

خیانت به انسان‌ها، خیانت به خداوند و پیامبران^{۴۸۷}؛ و امانتداری، نشانه تقوای الهی و اطاعت از ذات ربوبی معرفی شده است^{۴۸۸}.

^{۴۸۵} وَ لَقَدْ عٰهَدْنَا اِلٰى اٰدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسٰى وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (طه: ۱۱۵) و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم.

^{۴۸۶} لَا تُغْرَوْا بِصَلَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ فَاِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ حَتّٰى لَوْ تَرَكَهُمَا اِسْتَوْحَشَ لِذٰلِكَ وَ لٰكِنْ اِخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اَدَاءِ الْاَمَانَةِ وَ صِلَةِ الْاَرْحَامِ وَ الْبِرِّ بِالْاِخْوَانِ (إرشادالقلوب: ۱۳۴/۱) امام صادق (علیه‌السلام): فریب نماز و روزه بعضی را نخورید، چرا که ممکن است کسی به نحوی مشغول به نماز و روزه شود که اگر این دو را بخواهد کنار بگذارد دچار اضطراب و اختلال روحی می‌شود (و صرفاً از روی عادت انجام می‌دهد) و لکن شما مردم را هنگام راست گفتن و برگرداندن امانت و ارتباط با خویشاوندان و نیکی کردن به برادران، امتحان کنید.

^{۴۸۷} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (أنفال: ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [تیز] در امانتهای خود خیانت نوزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد].

^{۴۸۸} عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه‌السلام) قَالَ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَيْكْتَفِي مِنْ اِتِّحَلِ الشَّيْءِ أَنْ يَقُولَ بِحَبْنَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ فَوَاللَّهِ مَا شَبِعْتَنَا إِلَّا مِنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ وَ مَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضَعِ وَ

بر این اساس پیام همه انبیا، لزوم پایبندی به تعهدات است^{۴۸۹}. بر پایه همین پیام است که امانتدارترین انسان‌ها را می‌توان در میان ملل موحد دنیا پیدا نمود، کسانی که اگر مبالغه‌نگفتی در اختیارشان قرار داده شود، به راحتی آن را حفظ می‌کنند و البته در مقابل نیز هستند افرادی که هرگاه خود را در چتری حمایتی ببینند، در مبلغ اندکی نیز خیانت خواهند کرد^{۴۹۰}.

اسلام در میان دیگر ادیان اسلامی، مسئله «احترام به امانات» و «وفای به تعهدات» را آن قدر پاس می‌نهد که نه تنها مدام مؤمنین را به پایبندی به قرارها و

التَّخَشُّعِ وَالْأَمَانَةِ (کافی: ۷۴/۲) جابر بن عبد الله گوید: امام باقر (علیه‌السلام): ای جابر! کسی که مذهب تشیع را پذیرفته است همین کفایت می‌کند که بگوید «اهل بیت را دوست دارم»؟ به خدا قسم شیعیان ما تنها کسانی هستند که تقوای الهی پیشه کنند و خداوند را اطاعت کنند و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی‌شوند مگر به فروتنی در ظاهر و باطن و امانت داری.

^{۴۸۹} إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ (کافی: ۱۰۴/۲) امام صادق (علیه‌السلام): همانا خداوند عز و جل هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده است مگر اینکه او را به راستگویی و رد امانت به نیکوکار یا بدکار امر نموده است.

^{۴۹۰} وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران: ۷۵) و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی‌پردازد، مگر آنکه دائماً بر [سر] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند.

قراردادها، در تمام حوزه‌های عبادی، اقتصادی و اجتماعی فرا می‌خواند^{۴۹۱} و خائن را از زمره مسلمانان نمی‌داند^{۴۹۲} و ...

خداوند امین

بلکه مهمترین صفت ذات ربوبی را نیز این می‌داند که خداوند:

- ◆ درست‌ترین سخنان را می‌گوید^{۴۹۳}؛
- ◆ راست‌ترین خبرها را نقل می‌کند^{۴۹۴}؛
- ◆ نیکوترین حکم‌ها را می‌نماید^{۴۹۵}؛
- ◆ باوفاترین است نسبت به تعهدات^{۴۹۶}؛
- ◆ و لذا رنگ او خوش‌رنگ‌ترین است^{۴۹۷}.

خداوند به همه وعده‌های خویش درباره ثوابها^{۴۹۸} و عقاب‌های اخروی^{۴۹۹} و آثار بد^{۵۰۰} و خوب^{۵۰۱} اعمال در دنیا^{۵۰۲} قطعاً عمل می‌کند. و هیچ عمل خوبی را حتی اگر با اغراض مادی صورت گرفته باشد، بدون عکس العمل نمی‌گذارد^{۵۰۳}.

^{۴۹۱} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده: ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید.

^{۴۹۲} لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ (کافی: ۱۳۳/۵) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): از ما نیست کسی که در امانت تخلف کند.

^{۴۹۳} مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قَيْلاً (نساء: ۱۲۲) چه کسی در سخن، از خدا راستگوتر است؟

^{۴۹۴} مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثاً (نساء: ۸۷) راستگوتر از خدا در سخن کیست؟

^{۴۹۵} مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْماً (مائده: ۵۰) داوری چه کسی از خدا بهتر است؟

^{۴۹۶} مَنْ أَوْفَى بَعْثِهِ مِنَ اللَّهِ (توبه: ۱۱۱) چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟

^{۴۹۷} مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً (بقره: ۱۳۸) چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!

^{۴۹۸} وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۷۲) خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند

بود، و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ.

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ (محمد: ۱۷) مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود و رودهایی از باده‌ای که برای نوشندگان لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل‌انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فروپاشد؟^{۴۹۹} وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُمَّ عَذَابٌ مُقِيمٌ (توبه: ۶۸) خدا به مردان و زنان دو چهره و کافران، آتش جهنم را وعده داده است. در آن جاودانه‌اند. آن [آتش] برای ایشان کافی است، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است.

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (کهف: ۵۹) و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم.^{۵۰۰} فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ (هود: ۶۵) پس آن [ماده شتر] را پی کردند، و [صالح] گفت: «سه روز در خانه‌هایتان برخوردار شوید. این وعده‌ای بی‌دروغ است.»

﴿قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرَبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابُهُمْ إِنَّا مَوْعِدُهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾ (هود: ۸۱) گفتند: «ای لوط، ما فرستادگان پروردگار تویم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت. پس، پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت ده- و هیچ کس از شما نباید واپس بنگرد- مگر زنت، که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید. بی‌گمان، وعده‌گاه آنان صبح است. مگر صبح نزدیک نیست؟»^{۵۰۱} وَلَنْ نَسْكَنَنَّكَمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (ابراهيم: ۱۴) و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد.

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾ (نور: ۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

﴿ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ (قصص: ۱۳) پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

﴿ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَ عَدَّهُ وَ أَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴾ (زمر: ۷۴) و گویند: «سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر جای آن باغ [بهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم.» چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان.

﴿ وَ عَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلْ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لَتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴾ (فتح: ۲۰) و خدا به شما غنیمت‌های فراوان [دیگری] وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت، و این [پیروزی] را برای شما پیش انداخت، و دست‌های مردم را از شما کوتاه ساخت، و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند.

﴿ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴾ (انبیاء: ۹) سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراتکاران را به هلاکت رسانیدیم.

﴿ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ ﴾ (انفال: ۶۰) هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

﴿ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴾ (هود: ۱۵) کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم، و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد.

در قرآن بارها و بارها آمده است که: خداوند هیچ‌گاه خلف وعده نکرده^{۵۰۴}، همه وعده‌هایش حق بوده^{۵۰۵} و قطعاً انجام می‌شود^{۵۰۶}.

^{۵۰۳} فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزال ۷ و ۸) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (۷) و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (۸)

^{۵۰۴} لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۶) وعده خداست. خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. * إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ (رعد: ۳۱) آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی‌کند.

* لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ (حج: ۴۷) هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.
^{۵۰۵} أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (یونس: ۵۵) بدانید، که در حقیقت وعده خدا حق است ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

* وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ (کهف: ۲۱) و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است.

* إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ (هود: ۴۵) قطعاً وعده تو راست است.
* كَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (کهف: ۹۸) وعده پروردگارم حق است.

* فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (روم: ۶۰) پس صبر کن که وعده خدا حق است، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبکسری و اندازند.

* فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (غافر: ۵۵) پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش.

* فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَمَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَاإِنَّا يُرْجَعُونَ (غافر: ۷۷) پس صبر کن که وعده خدا راست است. پس - چه پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده داده‌ایم، به

تو بنمایانیم، چه تو را از دنیا ببریم - [در هر صورت آنان] به سوی ما بازگردانیده می‌شوند.

* يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (فاطر: ۵) ای مردم، همانا وعده خدا حق است. زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد، و زنهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد.

^{۵۰۶} إِنَّ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (إسراء: ۱۰۸) وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.

مکتب تشیع - که اسلام ناب و اصل حقیقت دین را در انحصار خود دارد - شرط عضویت در مکتب خود را، صرف داشتن محبت نسبت به بزرگان مکتب ندانسته^{۵۰۷}، بلکه رئیس مکتبش امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

وقتی یکی از شما بر اساس دینش تقوی داشت و راستگو بود و ادای امانت کرد و با توده مردم با اخلاقی نیکو رفتار نمود، گفته می‌شود: «این جعفری است!» و این من را مسرور می‌کند و از این گفته، شادمانی همه وجودم را در بر می‌گیرد، گفته می‌شود: «این ادب جعفر است!» و هنگامی که غیر از این باشد، مصیبت و ننگش بر من فرود می‌آید، گفته می‌شود: «این ادب جعفر است!!»^{۵۰۸}

* كَان وَعْدُهُ مَفْعُولًا (مزمل: ۱۸) وعده او انجام یافتنی است.

* إِنَّهُ كَان وَعْدُهُ مَأْتِيًا (مریم: ۶۱) در حقیقت، وعده او انجام شدنی است.

* وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (انبیاء: ۱۰۴) وعده‌ای است بر عهده ما، که ما انجام دهنده آنیم.

* كَان عَلَى رَبِّكَ وَعَدًا مَسْئُولًا (فرقان: ۱۶) پروردگار تو مسئول [تحقق] این وعده است.

^{۵۰۷} عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَيْ كَتَفَنِي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِعَ أَنْ يَقُولَ بِحَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَاللَّهِ مَا شَبِعْتَنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَاضِعِ وَالتَّخَشُّعِ وَ الْأَمَانَةِ (کافی: ۷۴/۲) جابر بن عبد الله گوید: امام باقر (علیه السلام): ای جابر! کسی که مذهب تشیع را پذیرفته است همین کفایت می‌کند که بگوید «اهل بیت را دوست دارم»؟ به خدا قسم شیعیان ما تنها کسانی هستند که تقوای الهی پیشه کنند و خداوند را اطاعت کنند و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی‌شوند مگر به فروتنی در ظاهر و باطن و امانت داری.

^{۵۰۸} إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ (کافی: ۶۳۶/۲) امام صادق (علیه السلام): فردی از شما (شیعیان) زمانی که در دینش با تقوا بود و راست گفت و ادای امانت نمود و اخلاقش با مردم نیکو بود گفته می‌شود: «این فرد پیرو مکتب جعفر بن محمد (علیه السلام) است» و این مرا خوشنود می‌کند و موجب شادی من می‌شود و باز گفته می‌شود: «این روش زندگی جعفر بن محمد (علیه السلام) است»

لذا ادای امانت و وفای به عهد و نفرت از خیانت^{۵۰۹}، مهمترین رفتاری است که اعتقاد فرد را به دین ثابت می‌کند^{۵۱۰} و دینداریش را به نمایش می‌گذارد^{۵۱۱}.

توصیف امانتداری

بنابر آنچه گفته شد، در منابع اسلامی، خیانت «رأس نفاق^{۵۱۲} و کفر^{۵۱۳} و ضدیت با اسلام^{۵۱۴}» دانسته شده است و در مقابل از امانت با تعبیر متنوع و قابل تأمل، یاد گشته است مثل:

الف) امانت، اصل دین^{۵۱۵}، کمال دین^{۵۱۶}، ثمره دین^{۵۱۷} و افضل دین^{۵۱۸} است.

و اما اگر غیر از باشد سختی (های ناشی از رفتارهای بد شما) و ننگ آن به من می‌رسد و گفته می‌شود: «روش زندگی جعفر بن محمد (علیه‌السلام) این چنین (بد) است».

^{۵۰۹} *إِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ لَبَرِيءٌ مِنَ الْخِيَانَةِ* (کافی: ۵/۵۷) امام علی (علیه‌السلام): انسان مسلمان حتماً از خیانت پاک است.

^{۵۱۰} *صِحَّةُ الْأَمَانَةِ عُنْوَانُ حُسْنِ الْمُعْتَقَدِ* (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): درست امانتداری کردن نشانه اعتقادات سالم است.

^{۵۱۱} *إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ* (کافی: ۲/۲۳۹) امام علی (علیه‌السلام): همانا برای دینداران نشانه هایی است که با آنها شناخته می‌شوند، یکی راستگویی و دیگری برگرداندن امانت.

^{۵۱۲} *الْخِيَانَةُ رَأْسُ النِّفَاقِ* (مستدرک: ۱۴/۱۴) امام علی (علیه‌السلام): خیانت سر سلسله دو رویی است.

^{۵۱۳} *رَأْسُ الْكُفْرِ الْخِيَانَةُ* (مستدرک: ۱۴/۱۵) امام علی (علیه‌السلام): درجه بالای کفر خیانت است.

^{۵۱۴} *جَانِبُوا الْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا مُجَانِبَةُ الْإِسْلَامِ* (مستدرک: ۱۴/۱۵) امام علی (علیه‌السلام): از خیانت دوری کنید چرا که خیانت دوری جستن از اسلام است.

^{۵۱۵} *أَصْلُ الدِّينِ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ* (غرر: ۸۶) امام علی (علیه‌السلام): ریشه دین ادای امانت و وفای به عهد است.

^{۵۱۶} *مَنْ عَمِلَ بِالْأَمَانَةِ فَقَدْ أَكْمَلَ الدِّيَانَةَ* (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): هر کس با امانتداری رفتار نماید دینداری را کامل کرده است.

^{۵۱۷} *تَمْرَةُ الدِّينِ الْأَمَانَةُ* (غرر: ۸۶) امام علی (علیه‌السلام): ثمره دین امانت داری است.

ب) امانت، رأس اسلام^{۵۱۹} است.
 ج) امانت، اصل ایمان^{۵۲۰}، کمال ایمان^{۵۲۱}، زینت ایمان^{۵۲۲}، مبنای ایمان^{۵۲۳}،
 رأس ایمان^{۵۲۴}، افضل ایمان^{۵۲۵}، ادب ایمان^{۵۲۶} و نشانه ایمان^{۵۲۷} است.

تحلیل شخصیت امین و خائن

بی‌حیایی موجب از بین رفتن باورهای ایمانی می‌شود^{۵۲۸} و با ضعف ایمان،
 خصلت‌های انسانی و از آن جمله امانت‌داری، کم اهمیت جلوه می‌کند^{۵۲۹}.

^{۵۱۸} عَلَيْكَ بِالْأَمَانَةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ دِيَانَةٍ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): امانت دار باش چرا که آن
 بهترین دینداری است.

^{۵۱۹} رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): درجه بالای اسلام امانت‌داری است.
^{۵۲۰} الْإِيْمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ (وسائل: ۳۲۹/۱۵) امام رضا (علیه‌السلام): ایمان همان ادای امانت است.
^{۵۲۱} أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِيْمَانُهُ وَ لَوْ كَانَ مَا بَيْنَ قَرْنَيْهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ذُنُوبٌ لَمْ يَنْقُصْهُ ذَلِكَ قَالَ هِيَ
 الصِّدْقُ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ (تهذيب: ۳۵۰/۶) امام باقر (علیه‌السلام): چهار خصلت
 است که اگر در کسی باشد ایمانش کامل گردد و اگر از موی سرش تا کف پایش گناهانی باشد
 چیزی از ایمان او کم نمی‌کند، آنها ۱- راستگویی ۲- ادای امانت ۳- شرم و حیا ۴- اخلاق نیکو.
^{۵۲۲} ثَلَاثٌ هُنَّ زِينَةُ الْمُؤْمِنِ تَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ (غرر: ۹۱) امام علی
 (علیه‌السلام): سه چیز زینت مؤمن است، ۱- تقوای الهی ۲- راستگویی ۳- ادای امانت.
^{۵۲۳} عَلَى الصِّدْقِ وَ الْأَمَانَةِ مَبْنَى الْإِيْمَانِ (غرر: ۲۱۸) امام علی (علیه‌السلام): ساختمان ایمان بر
 راستگویی و امانت داری بنا شده است.

^{۵۲۴} رَأْسُ الْإِيْمَانِ الْأَمَانَةُ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): امانت داری در رأس ایمان قرار دارد.
^{۵۲۵} أَفْضَلُ الْإِيْمَانِ الْأَمَانَةُ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): بهترین ایمان امانت داری است.
^{۵۲۶} الْمُؤْمِنُ مُؤَدِّبٌ بِأَدَاءِ الْأَمَانَاتِ (بحار: ۲۶/۷۵) امام علی (علیه‌السلام): مؤمن به برگرداندن امانت‌ها
 تربیت شده است.

^{۵۲۷} قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون: ۱ و ۸) به راستی که
 مؤمنان رستگار شدند ... آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند.

^{۵۲۸} إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَلَاكَ عَبْدٍ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِنًا مَخُونًا
 كَانَ خَائِنًا مَخُونًا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةُ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا فَظًّا غَلِيظًا فَإِذَا كَانَ فَظًّا غَلِيظًا

با ضعف ایمان و کم اهمیت شدن روحیه امانتداری، از طرفی انسان در مقابل خداوند عاصی^{۵۲۰} و جری^{۵۲۱} می‌شود و از طرفی دیگر شخصیت نفاق در فرد شکل می‌گیرد^{۵۲۲}.

شخص منافق با حربه دروغ، روی خیانت‌هایش سرپوش می‌گذارد^{۵۲۳} و در این مسیر با عدم اعتقادی که به لزوم امانتداری پیدا نموده است، و خیانتی که حتی به دوستانش می‌نماید^{۵۲۴}، جزو شرورترین انسان‌ها می‌گردد^{۵۲۵}، پند و اندرز در او

نَزَعَتْ مِنْهُ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا شَيْطَانًا مَلْعُونًا (کافی: ۲/۲۹۱) جناب سلمان (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: هر گاه خدای عز و جل هلاک بنده‌ئی را خواهد (او را مستحق لطف و توفیق نداند) حیا را از او بگیرد و چون حیا را از او گرفت او به مردم خیانت کند و مردم به او، و چون چنین کرد، امانت بکلی از او بر کنار شود، و چون امانت از او رخت بر بست، همواره خشن و سخت دل شود، و چون خشن و سخت دل شد، رشته ایمان از او بریده شود، و چون رشته ایمان از او بریده شود او را جز شیطانی ملعون نبینی.

^{۵۲۹} مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَقَعَ فِي الْخِيَانَةِ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): هر کس نسبت به امانت بی‌مبالا باشد کارش به خیانت در امانت می‌انجامد.

^{۵۳۰} إِيَّاكَ وَالْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ (مستدرک: ۱۴/۱۵) امام علی (علیه‌السلام): از خیانت بپرهیز چه اینکه آن بدترین گناه است.

^{۵۳۱} لَا تَجْتَرِئْ عَلَى خِيَانَةِ أَبَدًا (کافی: ۸/۷۹) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هرگز با سرکشی خیانت نکن.

^{۵۳۲} فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (توبه: ۷۷) در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند، در دل‌هایشان - تا روزی که او را دیدار می‌کنند - پیامدهای نفاق را باقی گذارد.

* مَنْ طَابَقَ سِرُّهُ عَلَانِيَتَهُ وَوَافَقَ فِعْلُهُ مَقَالَتَهُ فَهُوَ الَّذِي أَدَّى الْأَمَانَةَ وَتَحَقَّقَتْ عَدَالَتُهُ (غرر: ۲۱۱) امام علی (علیه‌السلام): هر کس نهانش با آشکارش مطابقت داشت و رفتارش با گفتارش موافق بود پس این همان کسی است که امانت را ادا کرده است و عدالتش محقق شده است.

^{۵۳۳} الْخِيَانَةُ أَخُو الْكُذْبِ (مستدرک: ۱۴/۱۴) امام علی (علیه‌السلام): خیانت برادر دروغ است.

^{۵۳۴} إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (فاطر: ۴۰) ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند.

مؤثر واقع نمی‌شود^{۵۳۶} و آنچه را که دین از سعادت‌مندی امانتداران و بدبختی خائنین می‌گوید را فریبی بیش نمی‌بیند^{۵۳۷}.

البته ممکن است این چنین انسانی امانتی را نیز پاس دارد، منتها زمانی این کار را می‌کند که در رفاه کامل بوده و امانتداری برایش هزینه‌ای نداشته باشد^{۵۳۸}. ولی تا احساس کند با خیانت به یک گروه می‌تواند اعتماد گروه قوی‌تر را بدست بیاورد، اندکی در خیانت به گروه ضعیف‌تر تردید نخواهد نمود^{۵۳۹}.

انسان‌های خائن که برای رسیدن به منافع دنیوی خود از حربه «وعده دادن» و «امین جلوه نمودن» استفاده می‌کنند در واقع همان راهی را می‌پیمایند که شیطان برای اغوای دیگران برگزیده است: مدام وعده می‌دهد و همیشه فرد را با

^{۵۳۵} شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ (غرر: ۴۶۰) امام علی (علیه‌السلام): بدترین مردم کسی است که به امانت داری اعتقادی ندارد و از خیانت نیز دوری نمی‌کند.

^{۵۳۶} فِيمَا نَقَضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (مائدة: ۱۳) پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم.

^{۵۳۷} وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (أحزاب: ۱۲) و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند».

^{۵۳۸} لَا تَكُنْ مِمَّنْ... يُودِي الْأَمَانَةَ مَا عُوْفِي وَارْضَى وَالْخِيَانَةَ إِذَا سَخِطَ وَابْتَلِي (بحار: ۴۱۲/۷۴) امام علی (علیه‌السلام): از کسانی مباش که ... زمانی که گرفتار نباشد و خشنود باشد امانت دار است و زمانی که خشمگین شود و گرفتار گردد خیانت می‌کند.

^{۵۳۹} وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ (نحل: ۹۲) و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می‌گسست مبادید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزوترند.

ناکامی مواجه می‌سازد و زمانی که رسوا می‌شود با گستاخی می‌گوید: می‌خواستید اعتماد نکنید!^{۵۴۰}.

خائن، در نهایت با رسوایی و خواری، دنیا را به سوی آخرتی سراسر ذلت، ترک می‌نماید^{۵۴۱}.

اما اگر انسان فطرت پاک انسانیش را حفظ کند، زشتی همه بدی‌ها، بخصوص مکر^{۵۴۲} و خیانت^{۵۴۳} را، بخوبی احساس می‌نماید؛ در نتیجه با نیتی پاک^{۵۴۴}، امانت

^{۵۴۰} وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تُلْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (إبراهيم: ۲۲) و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید: «در حقیقت، خدا به شما وعده داد وعده راست، و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم، و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌دانستید کافر». آری! ستمکاران عذابی پر درد خواهند داشت.

﴿ وَاسْتَفْزَزَ مِنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (إسراء: ۶۴) و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد.

^{۵۴۱} مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُتْرَهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَذَلَ نَفْسَهُ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذْلٌ وَأَخْزَى (مستدرک: ۷/۷۲) امام علی (علیه‌السلام): کسی که نسبت به امانت از خود سستی نشان دهد، و در زمین خیانت بچرد و خود و دین خود را از آن پاک نسازد، درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود.

^{۵۴۲} يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ كُنْتُ مِنْ أَذْهِ النَّاسِ أَلَا إِنَّ لِكُلِّ غَدْرَةٍ فُجْرَةً وَ لِكُلِّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ أَلَا وَ إِنَّ الْعَدْرَ وَ الْفُجُورَ وَ الْخِيَانَةَ فِي النَّارِ (کافی: ۲/۳۳۸) امام علی (علیه‌السلام): ای گروه مردم اگر عهدشکنی بد نبود من سیاستمدارترین (دغل بازترین) مردم بودم، آگاه باشید که هر عهدشکنی ای تباه کاری و هرزه‌گی است، و هر تباه کاری ای، ناسپاسی و کفری در بردارد، آگاه باشید که بی وفایی و تباه کاری و خیانت در آتش است.

را می‌پذیرد و با نفسی آرام، آن را حفظ می‌کند^{۵۴۵} و با صدق و راستی آن را برمی‌گرداند^{۵۴۶} و این چنین بهترین نیکی را به دیگران نموده^{۵۴۷} و ارزشمندترین خیرخواهی را ابراز کرده^{۵۴۸} و فطرت الهیش را حفظ و صیانت می‌نماید^{۵۴۹}.

توصیف امانتدار

آری این چنین است که صفت امین برآزنده بهترین‌ها می‌شود:
◆ انسان‌های والا مثل:

^{۵۴۳} فی التوراة: ... يَتَشَعَّبُ مِنْ كَرَاهَةِ الشَّرِّ حُسْنُ الْأَمَانَةِ وَ تَرَكُ الْخِيَانَةَ (بحار: ۲۸۹/۵۸) در تورات آمده است: ... نتیجه اینکه انسان نسبت به بدی ناخشنود باشد خوب امانت داری کردن و ترک خیانت است.

^{۵۴۴} لِيَصْدُقُ وَرَعَكَ وَ يَشْتَدَّ تَحْرِيكَ وَ تَخْلُصَ نَيْتِكَ فِي الْأَمَانَةِ وَ الْيَمِينِ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): باید پارسایی تو صادقانه باشد و بشدت احتیاط کنی و در امانت داری و سوگند خوردن نیتت خالص باشد.

^{۵۴۵} ... أَمَّا الرِّزَاةُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهَا اللَّطْفُ وَ الْحَزْمُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ تَرَكُ الْخِيَانَةَ ... (بحار: ۱۱۷/۱) حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه‌السلام): اما از وقار اموری متشعب می‌شود، ۱. لطف ۲. دوران‌دیشی ۳. امانت‌داری ۴. ترک خیانت ...

^{۵۴۶} إِذَا قَوِيَتْ الْأَمَانَةُ كَثُرَ الصِّدْقُ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): زمانی که امانت داری قوی شود راستگویی زیاد می‌گردد.

^{۵۴۷} ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ ... الْمُؤْمُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا (بقره: ۱۷۷) ... بلکه نیکی آن است که ... آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفاداراند.

✽ الزَّمِ الصِّدْقَ وَ الْأَمَانَةَ فَإِنَّهُمَا سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ (غرر: ۲۱۷) امام علی (علیه‌السلام): با راستگویی و امانت داری همراه باش که این دو خصلت نیکان است.

^{۵۴۸} أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (أعراف: ۶۸) پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

^{۵۴۹} الْأَمَانَةُ صِيَانَةٌ (غرر: ۲۵۰) امام علی (علیه‌السلام): امانت داری موجب محفوظ ماندن است.

- پیامبران^{۵۵۰} (خصوصاً پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)^{۵۵۱} و اسماعیل صادق الوعد^{۵۵۲}).
- کارفرمایان خداترس^{۵۵۳}.
- صنعتگران درست‌کردار^{۵۵۴}.
- ◆ فرشتگان مقرب مثل جبرائیل^{۵۵۵}.
- ◆ موجودات ناشناخته‌ای مثل جنیان که کمک کننده انبیا بودند^{۵۵۶}.
- ◆ مقامهای ارزشمند مثل مقام پرهیزکاران^{۵۵۷}.

^{۵۵۰} اُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ اَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ اٰمِيْنٌ (اعراف: ۶۸) پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

^{۵۵۱} اِنَّ مُوسٰى (عليه‌السلام) نَاجَاهُ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى فَقَالَ ... اَوْصِيْكَ يَا مُوسٰى بِاَيِّنِ الْبُتُوْلِ ... وَ مِنْ بَعْدِهِ ... اسْمُهُ اَحْمَدُ مُحَمَّدٌ الْاَمِيْنُ (کافی: ۴۲/۸) خداوند تبارک و تعالی با حضرت موسی (علیه‌السلام) نجوا نموده و فرمود: ای موسی تو را در رابطه با فرزند آن بانوی پاک عیسی وصیت می‌کنم ... و بعد از او ... به پیامبری که نامش احمد محمد است که امین می‌باشد.

^{۵۵۲} وَ اَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيْلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا (مریم: ۵۴) و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.

^{۵۵۳} وَ قَالَ الْمَلِكُ اَتْتُونِيْ بِهٖ اَسْتَخْلِصُهٗ لِنَفْسِيْ فَلَمَّا كَلَّمَهٗ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِيْنٌ اٰمِيْنٌ (یوسف: ۵۴) و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید، تا وی را خاص خود کنم.» پس چون با او سخن راند، گفت: «تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی.»

^{۵۵۴} اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْاَمِيْنِ (کافی: ۱۱۳/۵) امام علی (علیه‌السلام): همانا خداوند عز و جل انسانی که حرفه ای دارد و امین است را دوست دارد.

^{۵۵۵} نَزَلَ بِهٖ الرُّوْحُ الْاَمِيْنُ (شعراء: ۱۹۳) «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد

* مُطَاعٌ ثُمَّ اٰمِيْنٌ (تکویر: ۲۱) در آنجا [هم] مُطَاعٌ [و هم] امین است.

^{۵۵۶} قَالَ عَفْرِيْتٌ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اَتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ وَ اِنِّيْ عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اٰمِيْنٌ (نمل: ۳۹) عفریتی از جن گفت: «من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم.»

^{۵۵۷} اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اٰمِيْنٍ (دخان: ۵۱) به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده [اند].

◆ مکانهای مقدس مثل مکه ^{۵۵۸}.

حال اگر جامعه‌ای از این چنین افرادی شکل یابد، قانون‌مداری، مهمترین شاخصه این جامعه خواهد بود ^{۵۵۹}.

مصادیق امانت و خیانت

امانت و خیانت، دارای سه مصداق کلی است که هر کدام دارای نمونه‌های متعددی است: حفظ اسرار، انجام درست مسئولیت‌ها، حفظ امنیت مالی و اینک بررسی هر یک:

۱. حفظ اسرار

تعریف سر

- هرگونه سخنی که گویندگان، جهات ایمنی را در ارائه آن رعایت نمایند ^{۵۶۰}.
- سخنانی که افشای آن به نحوی با هنجارهای اجتماعی ناسازگار است ^{۵۶۱}.
- آنچه رضایت شخصی برای نقل آن وجود ندارد ^{۵۶۲}.

^{۵۵۸} وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (تین: ۳) و قسم به این شهر امن [و امان].

^{۵۵۹} الْأَمَانَةَ نِظَامًا لِلْأَمَّةِ (نهج: ۵۱۲) امام علی (علیه‌السلام): امانتداری موجب نظم جامعه می‌شود.

^{۵۶۰} إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ ثُمَّ التَّفَتَ فِيهِ أَمَانَةٌ (نهج الفصاحة: ۱۹۳) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): وقتی

مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگریست آن سخن در پیش شما امانت است.

^{۵۶۱} كُلُّ شَيْءٍ لَا يَحْسُنُ نَشْرَهُ أَمَانَةٌ وَإِنْ لَمْ يُسْتَكْتَمْ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): هر چیزی که

فاش کردن آن خوب نباشد امانت است هر چند پنهان کردن آن طلب نشده باشد.

^{۵۶۲} الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحَدِّثَ بِحَدِيثِ يَكْتُمُهُ صَاحِبُهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ثِقَةً أَوْ

ذِكْرًا لَهُ بِخَيْرٍ (کافی: ۲/۶۶۰) امام صادق (علیه‌السلام): مجلسها امانت است، و کسی حق ندارد کلام

محرمانه رفیق خود را بدون اجازه او بازگو کند، مگر در موردی که شنونده مورد وثوق و اطمینان باشد یا ذکر خیری از آن رفیق باشد.

مواردی که می‌شود افشای سر نمود

- با صدور اجازه از طرف صاحب سر^{۵۶۳}.
- مورد وثوق بودن مخاطب سر، از نظر مسائل ایمنی^{۵۶۴}.
- ستایش شدن صاحب سر، با افشای آن^{۵۶۵}.
- افشای سر، از وقوع یک جنایت جلوگیری کند. (مثل قتل، زنا و یا سرقت و اختلاس^{۵۶۶}).

دقت بیشتر در حفظ بعضی از اسرار

مثل:

- اسرار نظامی^{۵۶۷}.
- نقل آنچه در خانواده می‌گذرد که افشای آن، بهانه به دست بدخواهان می‌دهد^{۵۶۸}.

^{۵۶۳} همان

^{۵۶۴} همان

^{۵۶۵} همان

^{۵۶۶} الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ إِلَّا ثَلَاثَةَ مَجَالِسٍ مَجَالِسُ سَفِكٍ فِيهِ دَمٌ حَرَامٌ أَوْ مَجْلِسٌ اسْتُنْجِلَ فِيهِ فَرْجٌ حَرَامٌ أَوْ مَجْلِسٌ يُسْتَحَلُّ فِيهِ مَالٌ حَرَامٌ بغيرِ حَقِّهِ (وسائل: ۱۰۵/۱۲) پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مجالس حکم امانت را دارند (نباید آنچه در آنها می‌گذرد را نباید فاش کرد) مگر سه مجلس: آنکه خون ناحقی در آن ریخته شود، و آنکه فرج حرامی در آن حلال شمرده شود، و آنکه مال حرامی در آن خورده شود.

^{۵۶۷} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (أنفال: ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [تیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد].

^{۵۶۸} ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (تحریم: ۱۰) خدا برای

- مطالبی که فهم آن ثقیل و در نتیجه بیان آن موجب انکار مضمون خیراست^{۵۶۹}.

مصادیق افشای سر

- بدگویی^{۵۷۰}.
- سخن چینی^{۵۷۱}.

۲. انجام صحیح مسئولیت‌ها^{۵۷۲}:

اعم از مسئولیت‌های الهی، حقوقی و اخلاقی.

مسئولیت‌های الهی

مسئولیت‌های الهی مثل:

کسانی که کفر ورزیده‌اند، آن نوح و آن لوط را مَثَل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند، و کاری از دست [شهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود، و گفته شد: «با داخل شوندگان داخل آتش شوید».

^{۵۶۹} ... لَا تُحَدِّثُ بِهَذَا الْحَدِيثِ أَحَدًا فَإِنَّهُ عِنْدَكَ أَمَانَةٌ (بحار: ۲۵۱/۴۶) امام صادق (علیه‌السلام) بعد بیان مطلبی به شخصی به : این مطلب را برای هیچ کس بازگو نکن چه اینکه آن نزد تو امانت است.

^{۵۷۰} الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَلَا يَجِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُؤْثَرَ عَنْ مُؤْمِنٍ أَوْ قَالَ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ قَبِيحاً (بحار: ۴۶۷/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (آنچه که در) مجالس (می‌گذرد) در حکم امانت است و حلال نیست برای مؤمنی اینکه دنباله (یک حرف و یا یک کار اشتباه) مؤمنی را بگیرد، (راوی گوید): یا اینکه فرمود: دنباله کار زشتی از برادر مؤمنش را بگیرد.

^{۵۷۱} لَا تَجْتَمِعُ أَمَانَةٌ وَ نَمِيمَةٌ (غرر: ۲۲۲) امام علی (علیه‌السلام): امانت داری و سخن چینی با یکدیگر جمع نمی‌شوند.

^{۵۷۲} مَنْ أَحْسَنَ الْأَمَانَةَ رَعَى الدَّمَّ (غرر: ۲۵۲) امام علی (علیه‌السلام): هر کس با امانت نیکو برخورد کند تعهدها را رعایت نموده است.

- هدایت انسان‌ها^{۵۷۳}.
- اعتقاد به ولایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام)^{۵۷۴}.
- تکالیف شرعی^{۵۷۵} (مثل انجام روزه، زکات، حج^{۵۷۶} و بخصوص نماز^{۵۷۷} و رعایت طهارت شرعی^{۵۷۸}).

^{۵۷۳} أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ وَنَصَحْتَ أُمَّتَكَ (مستدرک: ۱۰/۱۹۴)

در زیارت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: شهادت می‌دهم که تو بنده و رسول او هستی و رسالت را تبلیغ نمودی و امانت را اداء کردی خیر خواه امتت بودی.

^{۵۷۴} عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا قَالَ هِيَ وَكَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه‌السلام) (كافي: ۱/۱۴۳) امام صادق (عليه‌السلام) درباره آیه: «ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود (احزاب: ۷۲) می‌فرماید: این امانت ولایت امیرالمؤمنین است.

^{۵۷۵} كُلُّ إِنْسَانٍ مَأْمُونٌ عَلَى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ (بحار: ۲۲/۶۷) هر انسانی نسبت به وظائفی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته است متعهد است.

^{۵۷۶} إِنْ آدَاءَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ مِنَ الْأَمَانَةِ (بحار: ۲۳/۲۷۴) امام باقر (عليه‌السلام) اداء نماز و زکات و روزه و حج مصداق امانت است.

^{۵۷۷} أَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه‌السلام) [كَانَ] إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَلَوْنَ وَتَزَلُّزَ فِقِيلَ لَهُ مَا لَكَ فَقَالَ جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةِ اللَّهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ وَأَنَا فِي ضَعْفِي فَلَا أُدْرِي أَحْسِنُ آدَاءَ مَا حُمِّلْتُ أَمْ لَا (مستدرک: ۴/۹۹) امیر مؤمنان (عليه‌السلام) هر زمان که وقت نماز می‌شد رنگش متغیر شده و به رعشه می‌افتاد، به ایشان گفته می‌شد: تو را چه می‌شود؟ حضرت می‌فرمود: وقت (اداء) امانتی رسیده است که خداوند به کوهها آسمانها و زمین و کوهها آن را عرضه داشتن آنها آن را بر دوش نگرفتند و ترسیدند و انسان را آن را پذیرفت و من در باضعفی که دارم نمی‌دانم می‌توانم آن را بردوش کشم یا خیر.

^{۵۷۸} خَمْسٌ مَا جَاءَ بِهِنَّ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ إِيْمَانٍ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ قِيلَ وَ مَا الْأَمَانَةُ قَالَ الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْمَنْ ابْنَ آدَمَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دِينِهِ غَيْرَهَا (مستدرک: ۱/۴۴۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): پنج چیز است که هر کس آنها را روز قیامت با ایمان

● پرهیز از معصیت خداوند^{۵۷۹}، رابطه‌ای مستقیم بین تقوای الهی و خصلت امانتداری وجود دارد^{۵۸۰} و مفاهیم مرتبطی مثل وفای به عهد^{۵۸۱} و نظم در امور^{۵۸۲} نیز به شدت متأثر از تقوا می‌باشد. خصوصاً تقوی در زمینه:
 ◆ زبان^{۵۸۳} (مثل دروغگویی^{۵۸۴} و یا تکذیب آنانی را که انسان را صادق می‌دانند^{۵۸۵}).

همراه داشته باشد به بهشت خواهد رفت ... حضرت در ادامه مسئله نماز و زکات را با رعایت همه آداب آنها و همچنین روزه و حج را مطرح می‌کنند و بعد می‌فرمایند: و امانت را اداء کند. از ایشان سؤال شد: این امانت چیست؟ حضرت: غسل از جنابت است زیرا خداوند مسؤولیتی بر دوش فرزند آدم غیر از (غسل از) جنابت نگذاشته است! (توضیح: انسان خودش می‌داند چه زمان جنب شده است و وقتی به حمام می‌رود تنها خود اوست که می‌داند غسل نموده است یا خیر. شاید غسل از جنابت در میان دیگر عبادات از نظر این که تکلیف آن و رفع تکلیفش تنها در حوزه علم و آگاهی فرد است بی‌نظیر باشد).

^{۵۷۹} إِنَّ الصَّدْقَ أَمَانَةٌ وَالْفُجُورَ خِيَانَةٌ (بحار: ۱۲۴/۲۱) امام حسن عسکری (علیه‌السلام): راستگویی امانتداری است و گناه خیانت است.

^{۵۸۰} بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (آل‌عمران: ۷۶) آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد.

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (الأنفال: ۵۶) همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و [از خدا] پروا نمی‌دارند.

^{۵۸۱} ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ ... الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (البقرة: ۱۷۷) ... لکن بر و نیکویی به این است که ... زمانی که تعهدی نمودند به آن عمل می‌کنند ... آنان منحصرآ پارسا هستند.

^{۵۸۲} أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وَاكِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ صَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ (نهج: حکمت ۴۷) امام علی (علیه‌السلام) من شما را و همه فرزندانم را و خانواده‌ام را و هر کس نامه

من به او می‌رسد سفارش به تقوای الهی و نظم در امور و ایجاد آشتی بین خودتان می‌کنم.
^{۵۸۳} الْأَمَانَةُ حِفْظُ اللِّسَانِ وَ الْعَيْنِ وَ الْفَرْجِ وَ الْقَلْبِ فَخَصَمُ الْفَرْجِ الْمُؤْمِنُونَ وَ خَصَمُ الْعَيْنِ الْمَلَأِيكَةُ وَ خَصَمُ اللِّسَانِ الْأَنْبِيَاءُ وَ خَصَمُ الْقَلْبِ اللَّهُ تَعَالَى (مستدرک: ۱۱/۱۵۴) امام صادق (علیه‌السلام):

- ◆ چشم^{۵۸۶} (مثل نگاه‌های آلوده و مخفی^{۵۸۷}).
- ◆ قلب^{۵۸۸} (مثل مکر^{۵۸۹} و غدر^{۵۹۰} «غدر به معنای بی اهمیت بودن به تعهدات است»).
- پرهیز از هرگونه وسوسه شیطان^{۵۹۱}
- پرهیز از ترویج باطل^{۵۹۲} و کمک برای اقامه حق^{۵۹۳}.

امانتداری به حفظ زبان و چشم و شهوت و قلب است. دشمن شهوت مؤمنین هستند و دشمن چشم فرشتگانند و دشمن زبان انبیاء می‌باشند و دشمن قلب خداوند متعال است.

^{۵۸۴} لَيْسَ لِكُذُوبِ أَمَانَةٍ وَلَا لِفُجُورِ صِيَانَةٍ (غرر: ۲۲۰)
^{۵۸۵} كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تَحْدُثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ بِهِ كَاذِبٌ (ورام: ۱۱۴/۱) خیانت بزرگی است که به دوستت سخنی بگویی که او تو را تصدیق کند ولی تو را تکذیب نمایی.

^{۵۸۶} الْأَمَانَةُ حِفْظُ اللِّسَانِ وَالْعَيْنِ ... (مستدرک: ۱۵۴/۱۱)
^{۵۸۷} سئل أبو عبد الله (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ فَقَالَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى الشَّيْءِ وَكَأَنَّهُ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَذَلِكَ خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ (بحار: ۴/۸۰) از امام صادق (عليه السلام) در باره آیه: «خداوند آگاه است به خیانت چشمان! غافر: ۱۹» سؤال شد حضرت: آیا نمی‌بینی کسی به چیزی می‌نگرد ولی انگار که نگاه نمی‌کند این خیانت چشم است (دزدکی نگاه کردن به حرام).

^{۵۸۸} الْأَمَانَةُ حِفْظُ اللِّسَانِ وَالْعَيْنِ ... (مستدرک: ۱۵۴/۱۱)
^{۵۸۹} لَا أَمَانَةَ لِمَكُورٍ (غرر: ۲۹۱) امام علی (عليه السلام): برای مکار امانت و اطمینانی نیست.
^{۵۹۰} إِيَّاكَ وَالْغَدْرَ فَإِنَّهُ أَقْبَحُ الْخِيَانَةِ وَإِنَّ الْغَدُورَ لَمُهَانٌ عِنْدَ اللَّهِ (غرر: ۲۹۲) امام علی (عليه السلام): از

غدر پرهیز زیرا آن زشت‌ترین خیانت است و همانا غدعه گر نزد خداوند پست است.
^{۵۹۱} أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (یس: ۶۰) ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟
^{۵۹۲} التَّضَافُرُ عَلَى نَصْرِ الْبَاطِلِ لَوْمٌ وَخِيَانَةٌ (غرر: ۷۱) امام علی (عليه السلام): کمک نمودن به باطل پستی و خیانت است.

^{۵۹۳} طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَأَمَانَةٌ (غرر: ۶۹) امام علی (عليه السلام): به دنبال کمک گرفتن بر اقامه حق دیانت و امانتداری است.

- اجتناب از بازگو نمودن نیازمندی‌های مالی نزد هرکس^{۵۹۴}. (توضیح: فقر و احتیاج امانت خداوند نزد مؤمن است؛ لذا نباید آن را جز نزد انسانی که خداوند را دوست دارد، و از دستش کاری برمی‌آید مطرح نمود).
- سپاسگذاری از نعمت‌ها^{۵۹۵}.
- عمل به قرارهای خدایی، در قالب:

♦ **عهد.** مثل آنچه غالب انسان‌ها قبل از ثروتمند شدن به خداوند می‌گویند که: خدایا اگر به ما ثروت دهی به نیازمندان کمک خواهیم کرد^{۵۹۶} (عدم توجه به این تعهدات علاوه بر این که نشان درک ضعیف فرد است^{۵۹۷} موجب انحراف از خط درست زندگی و خسران شدید او

^{۵۹۴} يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَمَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى فِضَاءِ حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ وَلَا رُمْحٍ وَلَكِنَّهُ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ (کافی: ۲/۲۶۰) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ای علی! راستی که خدا فقر را به خلق خود سپرده و هر که آن را نماند، خدا به اندازه ثواب روزه‌دار شب زنده دار به او بدهد، و هر که آن را فاش سازد نزد کسی که بر روا کردن حاجت او توانا است و آن را روا نکند، او را کشته است، هلا با تیغ و نیزه او را نکشته ولی با زخمی که به دل آن حاجتمند زده، او را کشته است.

^{۵۹۵} إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ كُفُورٍ (الحج: ۳۸) خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

^{۵۹۶} وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (التوبة: ۷۵ و ۷۶) و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند، و به حال اعراض روی برتافتند.

^{۵۹۷} إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (الرعد: ۱۹ و ۲۰) همانا صاحب فکر متذکر می‌شوند آنانی که وفای به تعهدهای الهی نموده و پیمان‌ها را نمی‌شکنند.

است^{۵۹۸}، زیرا خداوند در صورتی به تعهداتش در قبال انسان عمل خواهد کرد، که انسان نیز به قرارهایی که با خداوند بسته است وفادار بماند^{۵۹۹}. مثلاً خداوند تعهد می‌کند که خریدار مال و جان انسانهایی باشد که می‌خواهند در راه او از این دو بگذرند و در قبال آن بهشت را ارزانیشان نماید؛ قرآن و تورات و انجیل خبر از این پیمان را به همه ملت‌ها رسانده‌اند^{۶۰۰}.

♦ **سوگند.** انسان در سوگندهایی که می‌خورد، در واقع خداوند را کفیل و ضامن کاری که قرار است انجام بگیرد قرار داده است^{۶۰۱}.

♦ **نذر.** حتی اگر در انجام آن به سختی بیافتد^{۶۰۲}. لازم به تذکر است که نذرها بهتر است دارای زمانی محدود بوده و قیدهای پرزحمت نداشته باشد^{۶۰۳}.

^{۵۹۸} مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ. الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ ... أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (البقره: ۲۶ و ۲۷) تنها فاسقین از آن (مثل‌های قرآن) گمراه می‌شوند آنان عهد خداوند را پس از این که محکم شده است می‌شکنند ... آنان منحصرآ زیانکارند.

^{۵۹۹} أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ وَأَوْفُوا بِاللَّهِ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (البقره: ۴۰) به عهدم وفا کنید و تنها از من هراس داشته باشید.

بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا (الأَنْعَام: ۱۵۲) به عهد خداوند وفا کنید.

^{۶۰۰} إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبة: ۱۱۱) در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است.

^{۶۰۱} لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (النحل: ۹۱) سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید.

مسئولیت‌های حقوقی

مسئولیت‌های حقوقی مثل:

- حفظ منافع شرکت^{۶۰۴}.
- درست هزینه نمودن اموال بیت‌المال^{۶۰۵} بخصوص: پرهیز از اسراف^{۶۰۶}، و تلاش برای برگشت اموالی که مربوط به عموم است^{۶۰۷}.
- پرهیز از تزیین اموال مردم در مشاغل خاص^{۶۰۸} (مثل خیاطی^{۶۰۹}).

^{۶۰۲} يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (الإنسان: ۷) [همان بندگانی که] به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند.

^{۶۰۳} لَّا تُوجِبُ عَلَيَّ نَفْسِكَ الْحُقُوقَ وَاصْبِرْ عَلَيَّ النَّوَائِبِ (وسائل: ۴۲۹/۱۸) از امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) بر خودت وظایف (زیادی) را واجب نکن و صبر بر مشکلات بنما!
^{۶۰۴} أَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ ... تَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَتَنْفِي عَنْهُ خِيَانَتَهُ فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَتَخَاوُنَا (مستدرک: ۱۳/۴۵۲) امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق می-فرماید: اما حق شریک! ... و دارایی‌اش را نگهداری و در فزون و اندک بر او خیانت نکنی چرا که به ما رسیده: تا آن زمان که دو شریک به یک دیگر خیانت نکنند دست [عنایت] خدا بر ایشان است.

^{۶۰۵} وَاللَّهُ مَا هُوَ (بیت المال) بِكَدِّ يَدِي وَلَا بِنُتْرَائِي عَنْ وَالِدِيَّ وَلَكِنَّهَا أَمَانَةٌ أَوْعَيْتُهَا (بحار: ۱۱۵/۴۱) امام علی (علیه السلام): قسم به خداوند که نیست بیت المال محصول دست رنج من و از والدینم نیز به من ارث نرسیده است و لکن این امانتی است که آن را نگهداری می‌کنم.

^{۶۰۶} بَنِي مُعَاوِيَةَ الْخَضْرَاءَ بَدِمَشَقَ، فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا مُعَاوِيَةَ إِنْ كَانَتْ هَذِهِ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَهِيَ الْخِيَانَةُ، وَ إِنْ كَانَتْ مِنْ مَالِكَ فَهُوَ الْإِسْرَافُ (بحار: ۳۱/۱۷۴) معاویه قصری سبز را در دمشق ساخت و ابوذر به او گفت: ای معاویه اگر این از مال خداوند است که در آن خیانت نمودی و اگر از مال خودت هست که اسراف نموده‌ای.

^{۶۰۷} مَنْ وَضَعَ عَنْ ذِمِّيٍّ جَزِيَّةً أَوْ جَبَّهَا اللَّهُ عَلَيْهِ أَوْ يَشْفَعُ لَهُ فِي وَضْعِهَا عَنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ (مستدرک: ۱۲۱/۱۱) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): هر کس از عهده کافر ذمی-جزیه‌ای را بردارد (و او را از پرداخت جزیه معاف کند) یا این که در برداشتن جزیه واسطه شود، به خداوند و پیامبر او و تمام مسلمین خیانت نموده است.

- حفظ آنچه به عنوان ودیعه سپرده شده است^{۶۱۰}.
- حفظ نوامیس مردم که نگهداری آنها به عهده شخص گذاشته شده است^{۶۱۱}.
- صداقت در مقام وکالت^{۶۱۲}.
- دقت در تنظیم اسناد^{۶۱۳}.

^{۶۰۸} إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ (کافی: ۱۱۳/۵) امام علی (علیه السلام): همانا خداوند متعال دوست دارد کاربلد درستکار را.

^{۶۰۹} عَنْ عَلِيٍّ (علیه السلام) أَنَّهُ وَقَفَ عَلَيَّ خِيَاطٍ فَقَالَ يَا خِيَاطُ تَكَلِّتِكِ التَّوَاكِلُ صَلَّبَ الْخِيُوطَ وَ دَقَّقَ الدُّرُوزَ وَ قَارَبَ الْغُرَزَ فَأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ يَحْشُرُ اللَّهُ الْخِيَاطَ الْخَائِنَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ وَ رِءَاءٌ مِمَّا خَاطَ وَ خَانَ فِيهِ وَ اخْذَرُوا السَّقَطَاتِ فَصَاحِبُ الثَّوْبِ أَحَقُّ بِهَا وَ لَا يَتَّخِذُهَا الْأَيَادِي يُطَلَّبُ بِهَا الْمَكَا فَاتُ (مستدرک: ۲۹۵/۱۳) امام علی (علیه السلام): بالای سر خیاطی (که درست خیاطی نمی‌کرد) ایستاد و فرمود: زنان داغدار بر سوگت بنشینند، نخها را محکم، و کوهها را ظریف و نزدیک هم قرار ده زیرا من از پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) شنیدم که می‌فرمود: روز قیامت دوزنده خائن می‌آید با پیراهن و ردایی از آنچه دوخته و خیانت کرده است، و پرهیزید از تکه پارچه‌ها (سرقیچی‌ها) زیرا صاحب جامه سزاوارتر به آنهاست، مبادا از آنها جامه و پوشش برای خود تهیه کنید که کیفر و عقوبت در پی دارد.

^{۶۱۰} مِنْ أَفْحَسِ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْوَدَائِعِ (غرر: ۲۵۳) امام علی (علیه السلام): از فاحش‌ترین خیانت‌ها خیانت به امانت است.

^{۶۱۱} لعن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ... رجلا خان أخاه في امرأته ... (کافی: ۵۵۹/۵) پیامبر خدا لعنت نموده‌اند مردی را که دوستش به زن او خیانت می‌کند (و این مرد کاری نمی‌کند).

^{۶۱۲} ... إِذَا سَأَلَكَ شِرَاءَ ثَوْبٍ فَلَا تُعْطِيهِ مِنْ عِنْدِكَ فَإِنَّهَا خِيَانَةٌ وَ لَوْ كَانَ الَّذِي عِنْدَكَ أَجْوَدَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ (مستدرک: ۱۳/۲۵۴) امام رضا (علیه السلام): زمانی که کسی تو می‌خواهد که برایش لباسی را بخری نباید از نزد خودت آن لباس را بدهی، این خیانت است هر چند لباس نزدت بهتر باشد از لباس نزد غیر.

^{۶۱۳} وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (البقرة: ۲۸۳) و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید وثیقه‌ای بگیرید و اگر برخی از شما برخی دیگر را

- شهادت در محاکم^{۶۱۴}.
- پرداخت کامل حقوق مالی^{۶۱۵}.
- انجام کامل تعهدات در قبال ایتام^{۶۱۶}
- وفای به عموم تعهدات^{۶۱۷} (خصوصاً تعهدات مربوط به امنیت جانی انسان‌ها^{۶۱۸} مگر این که ابتداءً تعهد از طرف مقابل شکسته شود^{۶۱۹}).
- انجام صحیح مسئولیت‌های حکومتی^{۶۲۰} و طعمه ندانستن مقام^{۶۲۱}.

امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست.

همان^{۶۱۴}.

^{۶۱۵} سَرَقَةُ الْأَجِيرِ فَإِنَّهَا خِيَانَةٌ (کافی: ۲۲۶/۷) امام علی (علیه‌السلام): دزدی مزدبگیر خیانت است.
^{۶۱۶} وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (الإسراء: ۳۴) و به مال یتیم - جز به بهترین وجه - نزدیک مشوید تا به رشد برسد، و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پیرسش خواهد شد.

^{۶۱۷} أَفْضَلُ الْأَمَانَةِ الْوَفَاءُ بِالْعُهُودِ (مستدرک: ۹۷/۱۶) امام علی (علیه‌السلام): برترین امانتداری، وفاء به عهد است.

^{۶۱۸} مَنْ اتَّيَمَّنَ رَجُلًا عَلَىٰ دَمِهِ ثُمَّ خَاسَ بِهِ فَأَنَا مِنَ الْقَاتِلِ بَرِيءٌ وَإِنْ كَانَ الْمَقْتُولُ فِي النَّارِ (تهذیب: ۱۷۵/۶) امام علی (علیه‌السلام): هر کس به جان شخصی (کافر در جنگ) امان دهد (که کشته نشود) و بعد عهدش را بشکند (و او را بکشد) من از قاتل بیزارم هر چند مقتول در آتش باشد.

^{۶۱۹} مَنْ خَانَ سُلْطَانَهُ بَطَلَ أَمَانُهُ (غرر: ۴۶۰) امام علی (علیه‌السلام): هرکس به سلطان‌ش خیانت کند تعهد امنیتی‌اش باطل می‌شود.

^{۶۲۰} عَنْ عَلِيٍّ (علیه‌السلام) أَنَّهُ كَتَبَ إِلَىٰ رِفَاعَةَ قَاضِيهِ عَلَىٰ الْأَهْوَازِ اعْلَمْ يَا رِفَاعَةَ أَنَّ هَذِهِ الْأَمَارَةَ أَمَانَةٌ فَمَنْ جَعَلَهَا خِيَانَةً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ اسْتَعْمَلَ خَائِنًا فَإِنَّ مُحَمَّدًا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مِنْهُ بَرِيءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (مستدرک: ۳۵۵/۱۷) امام علی (علیه‌السلام) به قاضی خود در اهواز در ضمن نامه‌ای: ای رفاعه! بدان که این منصب و مقام امانتی است که هرکس آن

- عدم غش در معامله به عنوان فروشنده (مثل مخفی نمودن جنس بد در لابلای جنس خوب^{۶۲۲}).
- بکارگیری افراد مناسب برای مشاغل^{۶۲۳}.
- عدم بکارگیری خائنین در مسؤلیت‌ها^{۶۲۴}.
- خیرخواهی در مقام مشاور^{۶۲۵}.

را (زمینه) خیانت قرار دهد، لعنت خداوند تا روز قیامت بر او خواهد بود و هر کس خائنی را بکار گیرد همانا محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از او در دنیا و آخرت بیزار می‌باشد.

^{۶۲۱} مِنْ كِتَابِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ (عليه‌السلام) إِلَى الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسِ غَامِلِ أَدْرَبِيِّجَانَ: إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ (بحار: ۵۱۲/۳۳) امام علی (عليه‌السلام) در ضمن نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار خود به در آذربایجان: مسؤولیت و مقامی که داری طعمه‌ای برای تو نیست بلکه امانتی است بر گردنت.

^{۶۲۲} مَرَّ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي سُوقِ الْمَدِينَةِ بِطُعَامٍ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَيْبًا وَ سَأَلَهُ عَنْ سِعْرِهِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَدُسَّ يَدَيْهِ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ فَأَخْرَجَ طَعَامًا رَدِيًّا فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَاكَ إِلَّا وَ قَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَ غِشًّا لِلْمُسْلِمِينَ (كافی: ۱۶۱/۵) پیامبر اسلام در بازار مدینه از کنار (کیسه‌ای) گندم عبور کردند و به صاحبش: می‌بینم که گندمت همه نیکو است! و بعد از قیمتش سؤال کردند. خداوند به ایشان وحی فرستاد که دست زیر گندم‌ها کند، حضرت این چنین کرد، که گندم‌های خراب نمایان شد! حضرت به صاحب گندم: می‌بینم که خیانت و غش را برای مسلمین با هم جمع کرده‌ای؟! (غش فریب در معامله است)

^{۶۲۳} مَنْ اسْتَعْمَلَ غُلَامًا فِي عِصَابَةٍ فِيهَا مَنْ هُوَ أَرْضَى لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ (بحار: ۷۵/۲۳) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس جوانی را بر گروهی فرمانروا کند با اینکه در میان آن گروه کسی هست که خدا از او بیشتر خشنود است چنین کسی خیانت بخدا کرده است.

^{۶۲۴} مَنْ خَبَرَ خَوَّانًا فَقَدْ خَانَ (بحار: ۲۱۲/۷۴) امام علی (عليه‌السلام): هرکس خائنی را برای کاری انتخاب کند، خیانت کرده است.

^{۶۲۵} خَفِيَ اللَّهُ فِي مُوَافَقَةِ هَوَى الْمُسْتَشِيرِ فَإِنَّ التَّمَّاسَ مُوَافَقَتَهُ لُؤْمٌ وَ سُوءَ الْإِسْتِمَاعِ مِنْهُ خِيَانَةٌ (مستدرک: ۳۴۵/۸) امام صادق (عليه‌السلام): از خدا بترس که به دلخواه مشورتخواه موافقت کنی زیرا به اصرار بر جلب موافقت او پستی و لثامت است و بد توجه کردن به (خواسته) او خیانت است. (او از تو می‌خواهد تا نظر درست را بدهی نه این که نظر او را جلب کنی!).

مسئولیت‌های اخلاقی

مسئولیت‌های اخلاقی مثل:

- عدم کتمان مسائل علمی در مقام معلم^{۶۲۶}، خصوصاً آنچه مربوط به هدایت انسان‌ها می‌شود^{۶۲۷}.
- تشکر مناسب از کار دیگران^{۶۲۸}.
- رعایت حقوق همسر^{۶۲۹} خصوصاً در زمینه پرداخت مهریه^{۶۳۰}.
- تلاش واقعی برای رفع مشکلات انسان‌هایی که افراد ارزشمندی هستند^{۶۳۱}.

^{۶۲۶} تَنَاصَحُوا فِي الْعِلْمِ فَإِنَّ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَتِهِ فِي مَالِهِ وَإِنَّ اللَّهَ مُسَائِلُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (بحار: ۶۸/۲) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): در حوزه دانش نسبت به یکدیگر خیر خواه باشید زیرا خیانت علمی بدتر از خیانت مالی است و خداوند روز قیامت شما را بازخواست می‌کند.

^{۶۲۷} جَعَلْتُ هَذَا التَّوْفِيعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنُقِكُمْ وَعُنُقِي مَنْ سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكْتُمَهُ مِنْ أَحَدٍ مِنْ مَوَالِيٍّ وَشِيعَتِي حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيَّ هَذَا التَّوْفِيعَ الْكُلُّ مِنَ الْمَوَالِي (بحار: ۲۶۶/۲۵) امام مهدی (علیه السلام): مطلبی که در این نامه است را به عنوان امانت در گردن تو و در گردن هرکس آن را بشنود قرار دادم که آن را کتمان از دوستداران من و شیعیانم نکنید تا این که همه دوستداران، نسبت به محتوای آن آگاه شوند.

^{۶۲۸} مِنْ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ الْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنِيعَةِ لِأَنَّهَا كَالْوَدِيعَةِ عِنْدَكَ (شرح: ۲۷۵/۲۰) امام علی (علیه السلام): از مصادیق آداء امانت جبران نموده کار خوب است زیرا این مثل امانتی بر عهده توست.

^{۶۲۹} إِذَا مَاتَ الْمَيِّتُ فِي سَفَرٍ فَلَا تَكْتُمُوا مَوْتَهُ أَهْلَهُ فَإِنَّهَا أَمَانَةٌ لِعِدَّةِ امْرَأَتِهِ تَعْتَدُ وَمِيرَاثُهُ يُقَسَّمُ بَيْنَ أَهْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ الْمَيِّتُ مِنْهُمْ فَيَذْهَبَ نَصِيبُهُ (الفقيه: ۳۵۱/۴) پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم): زمانی که کسی در سفر می‌میرد مرگش را از خانواده‌اش پنهان نکنید زیرا این امانت است بخاطر عده‌ای که زنش نگه می‌دارد و میراثی که بین خانواده‌اش تقسیم می‌شود که اگر کسی از آنها بمیرد سهمش از بین می‌رود.

^{۶۳۰} وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقاً غَلِيظاً (النساء: ۲۱) و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟

- کتمان نکردن مرض نزد طبیب^{۶۳۲}.

۳. حفظ امنیت مالی

- عدم غصب زمین همسایه حتی به میزان یک وجب^{۶۳۳}.
- رعایت حقوق اقلیت‌های دینی^{۶۳۴}.
- پرهیز از خرید اموال مسروقه^{۶۳۵}.

سه نکته

۱. بدترین خیانت، خیانت به جامعه^{۶۳۶} و خیانت به دوست است^{۶۳۷}.

^{۶۳۱} أَيْمًا رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا اسْتَعَانَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُبَالِغْ فِيهَا بِكُلِّ جُهْدٍ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ (كافی: ۳۶۲/۲) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس از اصحاب ما که فردی از دوستانش از او کمک بخواهد و او با تمام توان به دنبال برآوردن خواسته او نباشد به خداوند و پیامبر و مؤمنین خیانت نموده است.

^{۶۳۲} مَنْ كَتَمَ الْأَطِبَاءَ مَرَضَهُ خَانَ بَدَنَهُ (غرر: ۴۸۴) امام علی (علیه‌السلام): هر کس از اطباء مرضش را پنهان کند به بدنش خیانت نموده است.

^{۶۳۳} مَنْ خَانَ جَارَهُ شَيْئاً مِنَ الْأَرْضِ جَعَلَهُ اللَّهُ طَوْقاً فِي عُنُقِهِ مِنْ تَخُومِ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُطَوَّقاً إِلَّا أَنْ يُتُوبَ وَ يَرْجِعَ (الفقيه: ۱۱/۴) هر کس به اندازه یک وجب به زمین کسی خیانت کند خداوند تا آن مقدار را تا عمق هفت زمین به گردش آویز می‌کند تا وقتی که خداوند را با همان طوق ملاقات بنماید مگر این که توبه نموده و برگردد (وزمین را برگرداند).

^{۶۳۴} مَنْ أَخَذَ شَيْئاً مِنْ أَمْوَالِ أَهْلِ الذِّمَّةِ ظَلَمًا فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ (الجعفریات: ۸۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس با ستم چیزی از اموال اهل ذمه (کفار ذمی که تحت حمایت حکومت اسلامی هستند) بگیرد به خداوند و پیامبر و مؤمنین خیانت نموده است.

^{۶۳۵} مَنْ اشْتَرَى خِيَانَةً وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ كَالَّذِي خَانَهَا (وسائل: ۳۳۳/۱۷) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس خیانتی را (مال دزدیده شده‌ای را) با آگاهی بخرد مثل همان کسی است که خیانت کرده (و دزدی) نموده است.

۲. خیانت در هریک از موارد فوق، از فرد شخصیتی خائن می‌سازد، هر چند در دیگر امور امانتدار باشد^{۶۳۸}.
۳. گفتگوهای صمیمی با دوستان، زمینه افشای سر است^{۶۳۹}.

امانت و اقتصاد

امانتداری برخلاف القائنات شیطان، روزی پربرکتی را به همراه می‌آورد^{۶۴۰}، تا آنجا که برای ثروتمند شدن توصیه به امانتداری شده است^{۶۴۱} و همچنین گفته شده است که: انسان خوش حساب، شریک مال مردم است^{۶۴۲}.

^{۶۳۶} إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْظَعَ الْعِشْرِ غِشُّ الْأُمَّةِ (مستدرک: ۷/۷۲) امام علی (علیه السلام): بزرگترین خیانت، خیانت به امت اسلامی است و رسوا ترین غش، فریب پیشوایان است.

^{۶۳۷} غَايَةُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْخَلِّ الْوَدُودِ وَ تَقْضُ الْعَهْدِ (غرر: ۴۱۹) امام علی (علیه السلام): نهایت خیانت، خیانت به دوست مهربان است و همچنین شسکت پیمان است.

^{۶۳۸} لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةِ فَيُؤَدِّيهَا: عَلَى الْأَمْوَالِ وَالْأَسْرَارِ وَالْفُرُوجِ وَ إِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَ ضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ (بحار: ۷۵/۲۲۹) امام صادق (علیه السلام): کسی امین نمی‌شود مگر این که نسبت به سه چیز مورد اطمینان باشد: اموال، اسرار و نوامیس. اگر دو تا را حفظ نمود و یکی را وا گذاشت امین نیست!

^{۶۳۹} (المؤمن) لَا يُحَدِّثُ بِالْأَمَانَةِ الْأَصْدِقَاءَ (بحار: ۸۵/۱۳۸) امام صادق (علیه السلام): مؤمن با دوستانش درباره امانت (و راز) سخن نمی‌گوید.

^{۶۴۰} الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ (کافی: ۵/۱۳۳) امتداری رزق را جذب نموده و خیانت فقر را جلب می‌کند.

^{۶۴۱} أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ وَ كُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا (وسائل: ۱۲/۱۵۶) حضرت لقمان (علیه السلام): امانتدار باش! تا دنیا و آخرتت سالم بماند و امین باش! تا ثروتمند شوی.

^{۶۴۲} عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ تُشْرِكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ هَكَذَا وَ جَمَعَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ (وسائل: ۱۹/۶۸) امام صادق (علیه السلام): بر تو با به راستگویی و اداء امانت آن وقت در اموال مردم شریک خواهی شد اینچنین. آنگاه حضرت انگشانشان را جمع نمودند.

امانتداری موجب می‌شود انسان حرصش را کنترل نموده و در مقابل مشکلات شکیباییش را از کف ندهد و ارتباطش را همیشه با خداوند حفظ نماید.^{۶۴۳}

و از طرفی خیانت، روزی‌هایی را که قرار بوده است به انسان برسد، متوقف می‌کند^{۶۴۴} و خانواده‌ای را تباه می‌سازد.^{۶۴۵}

نحوه رواج خیانت در جامعه

خیانت در جامعه این گونه رواج پیدا می‌کند که:

ابتداءً نظام سیاسی بر اساس فریب و خیانت به جامعه، حکومت را بدست می‌گیرد^{۶۴۶} و یا اگر کلیت نظام براساس رضایت مردم و الهی باشد، بعضی

^{۶۴۳} إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا. إِلَّا الْمُصَلِّينَ... الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (المعارج: ۱۹ - ۲۲ و ۳۲) به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. و چون خیری به او رسد بخل ورزد. غیر از نمازگزاران:... کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را مراعات می‌کنند.

^{۶۴۴} مَنْ خَانَ خِيَانَةً حُسِبَتْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِهِ وَكُتِبَ عَلَيْهِ وَرْزُهَا (کافی: ۳۰۴/۵) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌و-

علیه‌وآله‌وسلم): هر کس خیانت کند رزقش بسته می‌شود و گناه خیانت بر او نوشته می‌شود.

^{۶۴۵} أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُمْ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرِّكَهَ الْخِيَانَةُ وَالسَّرِقَةُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ الزُّنَا (بحار: ۱۷۰/۷۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): چهار چیز است که اگر داخل هر

خانه‌ای شود آن را خراب می‌کند: خیانت و دزدی و نوشیدن شراب و زنا.

^{۶۴۶} إِذَا مَاتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأُخْرِجَ مِنَ الدُّنْيَا ظَهَرَتْ فِي الدُّنْيَا خِصَالٌ لَا خَيْرَ فِيهَا فَقُلْتُ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ تَقَلُّ الْأَمَانَةُ وَ تَكْثُرُ الْخِيَانَةُ (بحار: ۳۱۰/۴۲) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌و-

علیه‌وآله‌وسلم): زمانی که امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بمیرد و از دنیا خارج شود در دنیا خصلت‌هایی آشکار می‌شود که هیچ خیری در آن نیست. از حضرت سؤال شد: اینها چه خصلت‌هایی است؟

حضرت پاسخ دادند: امانتداری کم می‌شود و خیانت زیاد می‌شود.

انتصاب‌ها بر اساس شایسته‌سالاری صورت نمی‌پذیرد^{۶۴۷}، و آنها نیز که با شایستگی در مسئولیتی گمارده شده‌اند اگر بخواهند دلسوز و امانتدار باشند، مورد دشمنی دیگران قرار می‌گیرند^{۶۴۸}.

و از طرفی بعضی از مسئولین معنوی مردم، با همه توصیه‌ای که به امانتداری می‌کنند خود کمتر به آن وفادار می‌باشند^{۶۴۹}.

حال که امراء و علمای یک جامعه رو به تباهی رفتند^{۶۵۰}، مشخص است که باورهای ایمانی در جامعه رو به کاهش گذاشته^{۶۵۱} و خیانت و دروغ جای آن را

۶۴۷ ... ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ وَ اسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا [اخْتِيَارًا] وَ لَا تُوَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جِمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ لِلَّهِ وَ إِدْخَالِ الضَّرَرِ عَلَى النَّاسِ (نهج: نامه ۵۳) امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌اشان به مالک اشتر: ... سپس در کار عاملان خود بیندیش، و پس آزمودن به کارشان بگمار، و به میل خود و بی مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار، که به هوای خود رفتن و برای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت.

۶۴۸ مَنْ صَحِبَ السُّلْطَانَ بِالصِّحَّةِ وَ النَّصِيحَةِ كَانَ أَكْثَرَ عَدُوًّا مِمَّنْ صَحِبَهُ بِالْعِشِّ وَ الْخِيَانَةِ (شرح: ۳۲۹/۲۰) امام علی (علیه‌السلام): هر کس با صاحب منصبی در کمال درستی و خیرخواهی همراهی

کند بیشتر مورد دشمنی او قرار می‌گیرد تا کسی که به او با فریب و خیانت همراهی نماید!
 ۶۴۹ ... يَا مَعْشَرَ الْيَهُودِ «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ» وَ الصَّدَقَاتِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَاتِ «وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (البقره: ۴۴) (تفسیر الامام: ۲۳۳) امام حسن عسکری (علیه‌السلام): خداوند به عده از کفار و منافقین یهود می‌فرماید: ای گروه یهود! «آیا مردم را به نیکی» و صدقات و ادای امانت «فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟»

۶۵۰ صِنْفَانِ مِنَ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْأَمْرَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ (هود: ۱۱۳) (إرشاد: ۷۰/۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): دو گروه از امت من هستند که هر وقت صالح باشند مردم هم صالح خواهند بود، و زمانی که فاسد باشند مردم هم فاسد خواهند بود: حُكَّامٌ وَ عُلَمَاءُ. خداوند می‌فرماید: و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد.

می‌گیرد^{۶۵۲} و در ادامه، ارتباط معنوی مردم با خداوند کم‌فروغ گشته^{۶۵۳}، تا آنجا که کلاً این ارتباط قطع می‌گردد^{۶۵۴} و در این زمان، دیگر مردم مورد رحمت خداوند نخواهند بود^{۶۵۵}.

اضافه بر این، عدم خیرویت مسئولین در تنظیم اقتصاد جامعه، به همراه خیانت‌ورزی‌های مختلف، سبب تورم قیمت‌ها می‌شود و تورم از مهم‌ترین عوامل ازدیاد خیانت در جامعه است^{۶۵۶} (می‌دانیم که رشد افسار گسیخته تورم، مهمترین رنج اقتصادی مردم است^{۶۵۷}).

^{۶۵۱} مَا قُسِمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ (کافی: ۵۱/۲) امام رضا (علیه‌السلام): در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است!

^{۶۵۲} أَقْلُ شَيْءٍ الصَّدْقُ وَالْأَمَانَةُ (غرر: ۲۵۱) امام علی (علیه‌السلام): کمترین چیز راستگویی و امانتداری است!

^{۶۵۳} أَوَّلُ مَا تَنْقُضُونَ مِنْ دِينِكُمُ الْأَمَانَةُ وَ آخِرُهُ الصَّلَاةُ (بحار: ۳۵۰/۲۴) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم): اول چیزی که از دینتان کاسته می‌شود امانتداری است و آخرین آن هم نماز است.

^{۶۵۴} سئل علی (علیه‌السلام) عن زمان خروج الدجال فقال إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَصَاعُوا الْأَمَانَةَ (بحار: ۱۹۲/۵۲) از امام علی (علیه‌السلام) درباره زمان خروج دجال سؤال شد حضرت: زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند.

^{۶۵۵} أَهْلُ الْأَرْضِ مَرْحُومُونَ مَا يَخَافُونَ وَ أَدْوُوا الْأَمَانَةَ وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ (تهذیب: ۳۵۰/۶) امام صادق (علیه‌السلام): اهل زمین مورد رحمت خداوند هستند مادامی که از خداوند هراس داشته باشند و امانت را اداء نمایند و عمل به حق کنند.

^{۶۵۶} غَلَاءُ السَّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ وَ يَذْهَبُ الْأَمَانَةَ وَ يُضْجِرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ (کافی: ۱۶۴/۵) امام صادق (علیه‌السلام): بالا رفتن قیمت‌ها اخلاق را بد نموده و امانتداری را از بین می‌برد و انسان مسلمان افسرده می‌شود.

^{۶۵۷} سئل ابو عبد الله (علیه‌السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْيِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» قَالَ الْأَذْيِ غَلَاءُ السَّعْرِ وَ الْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ (بحار: ۵۹/۵۱) از امام درباره این آیه قرآن سؤال شد: «و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم. سجده:

لازم به تذکر است که همیشه کارهای زشت با نام‌های زیبا انجام می‌گیرد، در مقوله خیانت نیز این قانون جاری بوده و عمل بر خلاف تعهدات، تجارت موفق نامیده می‌شود، و خیانت، زیباترین چاره‌جویی محسوب می‌گردد و فریب، اندیشه‌ای ظریف نام می‌گیرد^{۶۵۸}، و امانتی که پذیرفته می‌گردد، یک فرصت شمرده می‌شود، و زکات ضرر انگاشته می‌شود^{۶۵۹}.

این نام‌ها را دهها شیطان به انسان القاء می‌کنند، شیاطینی که در اطراف هر فردی مدام می‌گردند تا خیانت را برایش جلوه داده و آن را تنها راه برای حل مشکلات زندگی معرفی کنند^{۶۶۰}. و حال آن که حقیقت این است که خیانت با هر

۲۱ «عذاب کمتر بالا رفتن قیمتها است و عذاب بزرگتر (امام) مهدی (عجل‌الله‌فرجه) با شمشیر است!

^{۶۵۸} لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدِ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِ الْعَدْرِ كَيْسًا وَ نَسِبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحَيْلَةِ مَا لَهُمْ قَاتِلُهُمُ اللَّهُ قَدْ بَرَى الْخَوْلُ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةَ وَ دُونَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ فَيَدْعُهَا رَأْيَ عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا وَ يَنْتَهَزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيَجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ (نهج: حکمت ۴۱) امام علی (علیه‌السلام): ما در روزگاری بسر می‌بریم که بیشتر مردم آن بی‌وفایی را زیرکی دانند، و نادانان آن مردم را گریز و چاره‌اندیش خوانند. خدایشان کیفر دهد! چرا چنین می‌پندارند؟ گاه بود که مرد آزموده و دانا از چاره‌ی کار آگاه است، اما فرمان خدا وی را مانع راه است. پس دانسته و توانا بر کار، چاره را واگذارد تا آن که پروای دین ندارد، فرصت شمارد و سود آن را بردارد.

^{۶۵۹} لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظْرَفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَ يُقْرَبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَ يُضَعَفُ فِيهِ الْمُنْصِفُ فَقِيلَ لَهُ مَتَى ذَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ إِذَا اتَّخَذَتِ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَ الزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَ الْعِبَادَةُ اسْتِطَالَةً وَ الصَّلَاةُ مَنًا (کافی: ۹۶/۸) امام علی (علیه‌السلام): زمانی بر مردم بیاید که هرزه، ظریف و خوشمزه شمرده شود، و نابکار مورد تقرب قرار گیرد، و شخص منصف تضعیف شود. به ایشان عرض شد: چه هنگام چنین شود یا امیر المؤمنین؟ حضرت فرمود: هر گاه امانت به غنیمت، و زکات به غرامت، ستانده شود و عبادت موجب سرکشی گردد، و برای صلح رحم منت گذارند.

^{۶۶۰} مَنْ أَتَمَّنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَلَّ بِهٖ إِبْلِيسُ مِائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرْدَةٍ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَ يُوسَّوْسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُهْلِكُوهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ (مستدرک: ۱۴/۵) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس که نسبت به امانتی

نامی صورت گیرد، خیانت است! آن هم خیانت و ستم به خود زیرا هیچ کس نمی تواند جز به خویشتن ستم کند^{۶۶۱}.

نحوه برخورد با مقوله خیانت

در برخورد با مسئله خیانت باید به نکات ذیل توجه نمود:

۱. از اتهام دیگران به خیانت^{۶۶۲} به صرف سوء ظن، باید به سختی پرهیز

نمود^{۶۶۳}.

۲. از اعتماد بیش از حد به دیگران، باید اجتناب کرد^{۶۶۴}.

۳. برای اعتماد به دیگران به ملاک‌هایی مثل ظاهرالصلاح بودن باید

توجه نمود^{۶۶۵}.

۴. باید از آنهایی که به نفع انسان خیانت می کنند دوری نمود، چه این

که در آینده همین افراد به ضرر انسان نیز خیانت خواهند کرد^{۶۶۶}.

مورد اطمینان قرار گیرد صد شیطان از کمک کاران سرکشش را بر او موکل می کند تا گمراهش نموده و وسوسه اش کنند تا هلاکش سازند مگر این که خداوند او را نگذارد.

^{۶۶۱} وَمَنْ يَكْسِبْ إِنَّمَا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ (النساء: ۱۱۱) و هر کس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زیان خود مرتکب شده است.

^{۶۶۲} أَدَّ الْأَمَانَةَ إِذَا أُتْمِنْتَ وَلَا تَتَّهِمْ غَيْرَكَ إِذَا أُتْمِنْتَهُ... (مستدرک: ۲۱/۱۴) زمانی که مورد اعتماد قرار گرفتی اداء امانت کن! و زمانی که به کسی اعتماد کردی او را متهم نکن!

^{۶۶۳} مَنْ سَاءَتْ ظُنُونُهُ إِعْتَقَدَ الْخِيَانَةَ بِمَنْ لَا يَخُونُهُ (غرر: ۲۶۴) امام علی (علیه السلام): کسی که بدگمان باشد، به کسی اعتقاد خیانت دارد که خیانت نکرده است.

^{۶۶۴} لَا تَتَّقِ بِأَخِيكَ كُلَّ الثَّقَةِ فَإِنَّ صِرْعَةَ الْأَشْتِرِّ سَالٍ لَنْ تُسْتَقَالَ (کافی: ۶۷۲/۲) امام علی (علیه السلام):

به دوست همه اعتماد را نداشته باش زیرا به زمین خوردن از راه بی بندوباری جبران پذیر نیست.

^{۶۶۵} لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ (کافی: ۱۰۴/۲) امام صادق (علیه السلام): از نماز و روزه آنها فریب نخورید زیرا چه بسا شخصی عادت به نماز و روزه کرده باشد که اگر آن را ترک

کند متوحش شود و لکن آنها هنگام راستگویی و اداء امانت بیازمایید.

۵. ضرورت دارد از آنها که امانتدار هستند پیوسته حمایت شود^{۶۶۷}،
بخصوص در سپردن مسئولیت‌های خطیر^{۶۶۸}.
۶. سپردن امانت به دیگران باید همراه با توکل به خداوند باشد^{۶۶۹}.
۷. اگر کسی احساس می‌کند می‌تواند کاری را با امانتداری به پایان
ببرد باید خودش را به دیگران بشناساند^{۶۷۰}.
۸. قراردادهای علنی و واضح باشد خصوصاً در زمینه‌ای که امکان رسوایی
وجود دارد^{۶۷۱}.

^{۶۶۶} إِحْذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةَ الْخَائِنِ وَالظُّلُومَ وَالنَّمَامَ لِأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ وَمَنْ ظَلَمَ لَكَ سَيَظْلِمُكَ وَمَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيَنْمُ عَلَيْكَ (بحار: ۲۲۹/۷۵) امام صادق (علیه‌السلام): از سه صنف مردم بپرهیز: خائن، ستمگر و سخن‌چین؛ زیرا کسی که به نفع تو خیانت کند به ضررت نیز خیانت خواهد کرد و هرکس بخاطر تو ستم کند بر علیه تو نیز ستم خواهد کرد و هرکس به نفع تو سخن چینی کند بر علیه تو هم سخن چینی خواهد کرد.

^{۶۶۷} إِنْ اللَّهُ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (حج: ۳۸) همانا خداوند دفاع می‌کند از آنانی که ایمان دارند همانا خداوند آنانی را خائن و ناسپاس هستند دوست ندارد.

^{۶۶۸} ... فَأَعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَّةِ أَتْرَأَ وَأَعْرِفَهُمْ بِالْأَمَانَةِ وَجَهًا فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ (نهج: نامه ۵۳) امام علی (علیه‌السلام): بر آن کس اعتماد کن که میان همگان اثری نیکو نهاده، و به امانت از همه شناخته‌تر است - و امتحان خود را داده - که این نشانه خیرخواهی تو برای - دین - خداست.

^{۶۶۹} قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (یوسف: ۶۴) [یعقوب] گفت: «آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا بهترین نگهبان است، و اوست مهربانترین مهربانان.»

^{۶۷۰} وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُنُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَمْ لَا تَرَوُنَّ أَنَّي أَوْفَىٰ الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (یوسف: ۵۹) و چون آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد، گفت: «برادر پدری خود را نزد

من آورید. مگر نمی‌بینید که من پیمانۀ را تمام می‌دهم و من بهترین میزبانانم؟

^{۶۷۱} وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنَّكُمْ سَتَذَكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا (البقرة: ۲۳۵) و درباره آنچه شما به

۹. در صورتی که برای انسان مشخص شد که مضمون قرارداد با مبانی شرعی نمی‌سازد باید قرارداد را ندیده بگیرد^{۶۷۲}.
۱۰. صرف تخلف موجب خیانت نمی‌شود! باید ابتدا علت تخلف را مورد بازجویی قرار داد^{۶۷۳}.
۱۱. به بعضی از افراد اصلاً نباید اعتماد نمود، مثل:

افراد غیر قابل اعتماد

- آنها که دارای پرونده خیانت هستند^{۶۷۴}؛ خصوصاً دوستان از خویشان^{۶۷۵}.
- شرابخواران، بخصوص در مسئله ازدواج^{۶۷۶}.

طور سربسته، از زنان [در عده وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید، بر شما گناهی نیست. خدا می‌دانست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید.

^{۶۷۲} وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (التوبة: ۱۱۴) و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود. و [لی]

هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست.

^{۶۷۳} فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّ حَسَنًا أَ فَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي (طه: ۸۶) پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت [و] گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود، یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟».

^{۶۷۴} لَا يَخُنُّكَ الْأَمِينُ وَ لَكِنَّ اتَّمَنَّتِ الْخَائِنَ (کافی: ۲۹۹/۵) امام باقر (علیه‌السلام): به امانت‌دار خیانت نکن! و به خائن اعتماد نکن!

^{۶۷۵} اخذرُ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينَ وَ الْأَمِينَ مَن خَشِيَ اللَّهَ (وسائل: ۳۱/۱۲) امام صادق (علیه‌السلام): از میان دوستان از خویشانت به جز امین، بر حذر باش! امین از خداوند هراس دارد.

- انسان‌های امینی که به راحتی فریب می‌خورند.^{۶۷۷}
- دروغگویان.^{۶۷۸}
- بد قول‌ها.^{۶۷۹}
- نوکیسه‌ها.^{۶۸۰}
- زنانی که از عقل تجربی ضعیفی در مسائل اجتماعی برخوردار هستند.^{۶۸۱}
- آنها که اهل فریب هستند.^{۶۸۲}

^{۶۷۶} إِنْ شَارَبَ الْخَمْرَ لَا يُزَوِّجُ إِذَا خَطَبَ وَلَا يُشْفَعُ إِذَا شَفَعَ وَلَا يُؤْتَمَنُ عَلَى أَمَانَةٍ فَمَنْ أَيْتَمَنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ فَاسْتَهْلِكَهَا لَمْ يَكُنْ لِلَّذِي أَيْتَمَنَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَأْجُرَهُ وَلَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ (وسائل: ۸۳/۱۹) امام صادق (علیه‌السلام): نوشنده شراب را اگر خواستگاری کرد کسی را به او تزویج نکنید و اگر خواست که واسطه شوید، شفاعتش نکنید و اگر کسی به او بخاطر امانتی اعتماد کرد و بعد امانت را از بین برد، به کسی که به او اعتماد کرده است خداوند اجری نمی‌دهد و ضررش را جبران نمی‌کند.

^{۶۷۷} إِلَى اللَّهِ أَشْكُو بِلَادَةَ الْأَمِينِ وَ يَفْظَةُ الْخَائِنِ (شرح: ۳۴۳/۲۰) امام علی (علیه‌السلام): به خداوند شکایت می‌کنم از سادگی امین و بیداری خائن!

^{۶۷۸} مَنْ عَرَفَ مِنْ عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِ اللَّهِ كَذِبًا إِذَا حَدَّثَ وَ خُلْفًا إِذَا وَعَدَ وَ خِيَانَةً إِذَا أَوْتَمَنَ ثُمَّ أَيْتَمَنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَبْتَلِيَهُ فِيهَا ثُمَّ لَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ وَ لَا يَأْجُرَهُ (الكافي: ۲۹۹/۵) امام باقر (علیه‌السلام): هر کس از بنده‌ای از بندگان خدا دروغی را بشنود و از کسی که امین می‌دانست خیانتی مشاهده کند، باز هم او را بر امانت خدا امین بدانند، بر خداوند لازم خواهد بود، که او را به خیانت آن خائن گرفتار کند و بعد هم جبران نکند و پاداشی نیز به او مرحمت نکند.

^{۶۷۹} همان.

^{۶۸۰} همان.

^{۶۸۱} مَنْ أَيْتَمَنَ امْرَأَةً حَمَقًا (مستدرک: ۱۲۸/۱۴) امام علی (علیه‌السلام): زمانی که رفاعه را در سمت قاضی اهوای منصوب می‌کردند در ضمن نامه‌ای به او نوشتند: هرکس به زنی اعتماد کند حماقت نموده است! (منظور در امور قضایی باید به عجز و اتابه زنان توجه نکرد زیرا آنها بیشتر براساس عواطفشان با مسائل برخورد می‌کنند لذا نمی‌تواند در مسائل قضایی عمق مسئله را ببیند).

^{۶۸۲} لَا أَمَانَةَ لِمُكْوِرٍ (غرر: ۲۹۱) برای مکار اعتمادی نیست.

• یهودیان^{۶۸۳}.

۱۲. در برخورد با خائنین باید به نکات ذیل توجه نمود:

برخورد با خائنین

- ❖ عدم پشتیبانی از آنها چه با:
- توجیه کارشان^{۶۸۴}.
- خرید اموالی که با خیانت بدست آمده است^{۶۸۵}.
- دادن مسئولیت به آنها^{۶۸۶}. خصوصاً مسئولیت بازرسی^{۶۸۷}.
- ❖ مدارا با آنها تا حد امکان^{۶۸۸}.
- ❖ پرهیز از خیانت به آنها^{۶۸۹}.

^{۶۸۳} لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائدة: ۱۳) تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

^{۶۸۴} إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (النساء: ۱۰۵) ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و زنهار جانبدار خیانتکاران مباش.

^{۶۸۵} مَنْ اشْتَرَى خِيَانَةً وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ كَالَّذِي خَانَهَا (وسائل: ۳۳/۱۷) امام علی (علیه السلام): کسی که خیانتی را آگاهانه (مال دزدی را) بخرد مثل کسی است که خیانت کرده است.

^{۶۸۶} مَنْ خَيْرَ خَوَانًا فَقَدْ خَانَ (بحار: ۲۱۲/۷۴) امام علی (علیه السلام): کسی که خائن را انتخاب کند خیانت نموده است.

^{۶۸۷} لَا تَدْعُ أَنْ يَكُونَ لَكَ عَلَيْهِمْ عِيُونٌ مِنْ أَهْلِ الْأَمَانَةِ (بحار: ۲۵۰/۷۴) پیوسته جاسوسانی از امانتداران داشته باش!

^{۶۸۸} ... لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائدة: ۱۳) تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

❖ عدم قبول امانت از خائنین و عدم قبول هر مسئولیتی که به نفع آنها است.^{۶۹۰}

❖ خداوند خائنین را رسوا می‌کند^{۶۹۱}، پس چه خوب است خداوند برای این منظور از ما استفاده نماید.

❖ پس از اثبات خیانت، باید آنها را از مقامشان عزل نموده و سپس به سختی و علنی مجازاتشان کرد تا عبرت دیگران شوند^{۶۹۲}.

❖ پس از این که به صورت یک طرفه، قرار دادی نقض شد، باید به صورت رسمی، نقض قرار داد را اعلان نمود و سپس بر خلاف آن عمل کرد.^{۶۹۳}

^{۶۸۹} (کافی: ۹۸/۵) سیف بن عمیره از ابو بکر حضرمی روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی مالی بر عهده دیگری دارد و آن شخص دین را انکار کرده و مال را از او برده است، پس از چندی مالی از منکر نزد طلبکار آمده همانند آنچه از وی برده است، آیا می‌تواند آن را به جای مال خویش تصاحب نماید؟ فرمود: آری، و بگوید: «خداوند، آنچه برگرفتم از روی خیانت و ستم برنگرفتم، بلکه آن را به جای حقی که داشتم برداشتم».

^{۶۹۰} كَفَى بِالْمَرْءِ خِيَانَةً أَنْ يَكُونَ أَمِينًا لِلْخَوَانَةِ (بحار: ۳۸۰/۷۲) امام علی (علیه السلام): برای خائن بودن همین بس که کسی امین خائنین باشد.

^{۶۹۱} ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (يوسف: ۵۲) [یوسف گفت: «این [درخواست اعاده حیثیت] برای آن بود که [عزیز] بداند من در نهان به او خیانت نکردم، و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند».

^{۶۹۲} إِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ (نهج: نامه ۵۳) امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک اضر می‌فرماید: اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود، و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت همداستان بود، بدین گواه بسنده کن، و کیفر او را با تنبیه بدنی بدو برسان و آنچه بدست آورده بستان. سپس او را خوار بدار، و خیانتکار شمار و طوق بدنامی را در گردنش در آر.

امانت و خیانت در قیامت

روی دوزخ پلی کشیده شده است که آن سویش بهشت است. همه انسانها باید از این پل عبور کنند.^{۶۹۴} این پل تجسمی از نیت و اعمال انسانهاست. نیت و اعمال انسانها، یا با محوریت ارتباط با مردم صورت می‌گیرد و یا در محور ارتباط با خداوند می‌چرخد. امانت داری و مهربانی، شاخص‌ترین عنوان برای ارتباط با مردم بوده و نماز مهمترین نحوه ارتباط با خداوند است. با توجه به مقدمه‌ای که گفته شد این مطلب قابل فهم خواهد بود که: صراط (پل مذکور)، از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول، امانت و رحمت است و قسمت دوم، نماز است و قسمت آخر خداوند متعال خواهد بود.^{۶۹۵} آنچه گفته شد با تعبیری دیگر نیز در ادبیات دینی ما آمده است. به تعبیر ذیل دقت کنید:

^{۶۹۳} وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (الأَنْفَال: ۵۸) و اگر از گروهی بیم خیانت داری [بیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است]، زیرا خدا خائنان را دوست نمی‌دارد.

^{۶۹۴} وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (مریم: ۷۱) و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

^{۶۹۵} ثُمَّ يُوضَعُ عَلَيْهَا (النار) صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السِّيفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاطِرٍ الْأُولَى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ الثَّلَاثَةُ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيَكَلِّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهَا فَتَحْبِسُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ الْأَمَانَةُ فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمُ الصَّلَاةُ فَإِنْ نَجَوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنْ رَبِّكَ لِالْمُرْصَادِ (کافی: ۳۱۲/۸) سپس بر آن پلی نهند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر که بر آن سه طاق باشد نخست بر روی آن امانت است و رحمت و بر دومی نماز است و بر سومی توجه پروردگار جهانیان که جز او شایسته پرستشی نیست و مردم را تکلیف کنند بر گذشتن از آن و رحم و امانت داری آنها را باز دارند و اگر از آن رها شوند نماز آنها را بازدارد و اگر از آن رها شوند پایان کار آنها با پروردگار جهانیان است جل ذکره و اینست قول خدا تبارک و تعالی (۱۴- الفجر) راستی که پروردگارت در کمینگاه است.

تعابیر اخروی از امانت

- از پیمان‌ها، روز قیامت سؤال خواهد شد^{۶۹۶}.
- امانت جزء شفاعت کنندگان است^{۶۹۷}.
- کسی که امانت‌دار باشد مورد شفاعت قرار می‌گیرد^{۶۹۸}.
- کسی که خیانت کرده باشد و خیانتش را جبران ننموده باشد با دین اسلام نخواهد مرد^{۶۹۹}.
- با شهادت در راه خداوند، همه گناهان آمرزیده می‌شود جز کسی که در رد امانت کوتاهی کرده باشد^{۷۰۰}.
- خیانت در آتش است^{۷۰۱}.

^{۶۹۶} أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (الإسراء: ۳۴) به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پریشانی خواهد شد.

^{۶۹۷} الشُّفَعَاءُ خَمْسَةٌ الْقُرْآنُ وَالرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ وَنَبِيِّكُمْ وَأَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ (بحار: ۴۳/۸) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): شفیعیان پنج چیز هستند: قرآن، رحم (علقه خویشاوندی)، امانت، پیامبران و اهل بیت پیامبران.

^{۶۹۸} إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدًا وَأَوْجِبُكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةَ أَصْدُقُكُمْ لِسَانًا وَأَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ (بحار: ۵۱۱/۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فردا کسانی به من نزدیک هستند و از شفاعت من برخوردار می‌گردند که راستگو باشند و امانت‌ها را رد کنند و خلق نیک داشته باشند و به مردم نزدیک شوند.

^{۶۹۹} مَنْ خَانَ أَمَانَةَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أُدْرِكُهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ (الفقيه: ۱۵/۴) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هر کس در دنیا به امانتی خیانت کند، و آن را به صاحبش باز نگرداند و در آن حال از دنیا برود بر غیر ملت من (که اسلام و دین حنیف است) مرده، و خدا را دیدار کند حالی که بر وی خشمگین باشد.

^{۷۰۰} الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُكَفِّرُ الذَّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا الْأَمَانَةَ (عوالي‌اللالی: ۱۲۱/۱) پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کشته شدن در راه خداوند همه گناهان را پاک می‌کند به جز امانت را.

- امنیت در قیامت، با امانتداری در دنیا قابل وصول است^{۷۰۲}.
- گره‌های آتش را باید با ادای امانت در دنیا، گشود^{۷۰۳}.

امانت در ادعیه

در ادعیه ارزشمندی که در منابع اسلامی وجود دارد، درخواست امانتداری از خداوند، در فرصت‌های مختلف توصیه شده است؛ مثل:

- هنگام طلب فرزند^{۷۰۴}.
- دیدن هلال ماه مبارک رمضان^{۷۰۵}.

^{۷۰۱} لَوْ لَا أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ وَالْخِيَانَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أُمَكْرَ الْعَرَبِ (بخاری: ۱۰۹/۴۱) امام علی (علیه‌السلام): اگر از پیامبر خدا نشنیده بودم که مکر و فریب خیانت در آتش است من مکارترین عرب بودم!

^{۷۰۲} كَانَ فِيمَا نَجَى مُوسَى رَبَّهُ إِلَهِي مَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْخِيَانَةَ حَيَاءً مِنْكَ قَالَ يَا مُوسَى لَهُ الْأَمَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (بخاری: ۱۷۰/۷۲) امام هادی (علیه‌السلام): از جمله گفتگوهای حضرت موسی با خداوند این بود: پروردگارا چیست جزای کسی که خیانت را به خاطر خجالت ترک کند؟ خداوند فرمود: ای موسی او در روز قیامت در امنیت خواهد بود.

^{۷۰۳} مَنْ اتَّيَمَّنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَأَدَّاهَا فَقَدْ حَلَّ الْفِ عُقْدَةَ مِنْ عُنُقِهِ مِنْ عَقْدِ النَّارِ فَبَادِرُوا بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَإِنَّهُ مِنْ اتُّمِّنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكُلُّ بِهِ إِبْلِيسُ مِائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرْدَةِ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَيُوسِسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُهْلِكُوهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ (مستدرک: ۵/۱۴) امام صادق (علیه‌السلام): هر کس که نسبت به امانتی مورد اطمینان قرار گیرد و بعد آن را اداء نماید هزار گره از گره‌های آتش از گردنش باز می‌شود زیرا هر کس که نسبت به امانتی مورد اطمینان قرار گیرد صد شیطان از کمک‌کاران سرکشش را بر او موکل می‌کند تا گمراهش نموده و وسوسه‌اش کنند تا هلاکش سازند مگر این که خداوند او را نگذارد.

^{۷۰۴} (الدعاء في طلب الولد) اللهم ... يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْطِي أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ خَيْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مُنْتَهَى رِضَاكَ عَنِّي فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ الْعَهْدِ (كافي: ۹/۶) امام صادق (علیه‌السلام): خدایا! ... ای بخشنده ای بزرگ ای عطا کننده به من عاقبت خیر عطا کن تا این که به منتهای رضایت تو برسم در رابطه با راستگویی و اداء امانت و وفاء به عهد.

- در دعای حرز روز یکشنبه^{۷۰۶}.
- در دعای شب دوشنبه^{۷۰۷}.
- در تعقیب نماز عشاء^{۷۰۸}.
- دعایی که ائمه بزرگوار (علیهم السلام)، برای اصحابشان می نمودند^{۷۰۹}.
- در دیگر دعاهاى عمومی^{۷۱۰}.

لازم به تذکر است که هر یک از «دعا» و «عمل»، جای یگدیگر را اشغال نمی کنند؛ بلکه فرد در حین عمل از خداوند استمداد می طلبد که کارش را با

^{۷۰۵} (الدعاء عند رؤية هلال شهر رمضان) اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْأَمَانَةِ وَالْإِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى (مستدرک: ۴۳۹/۷) امام صادق (علیه السلام): خدایا این ماه را بر ما بنمایان با امنیت و امانتداری و ایمان و سلامت و اسلام و پیشی گرفتن در آنچه تو آن را دوست داری و خوش داری!

^{۷۰۶} (عوذة يوم احد) أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَوْنِ الْأَمَانَةِ (بحار: ۱۷۰/۸۷) به تو پناه می برم از خیانت در امانت!

^{۷۰۷} (الدعاء فى ليلة الاثنين) أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ وَتَضْيِيعِ الْأَمَانَةِ (بحار: ۲۹۲/۸۷) به تو پناه می برم از خیانت و تباہ ساختن امانت.

^{۷۰۸} (دعاء فى تعقیب صلاة العشاء): اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ وَقَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَبَصْرِي مِنَ الْخِيَانَةِ إِنَّكَ أَنْتَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورِ (بحار: ۱۱۳/۸۳) خدایا زبانم را از دورغ و قلمم را از نفاق و عملم را از ربا و نگاهم را از خیانت پاک ساز! زیرا تو به خیانت های چشم و آنچه سینه ها آن را مخفی نموده اند آگاهی!

^{۷۰۹} قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ادْعُ اللَّهَ لَنَا فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اللَّهُمَّ وَأَفْعَلَهُ بِهِمْ (كافى: ۵۸۰/۲) یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به ایشان گفت که برایمان دعا کن! حضرت: خدایا به آنها راستگویی و اداء امانت و محافظت بر نماز را روزی فرما! خدایا آنها سزاوارترین مخلوقات تو هستند که برایشان این کار را انجام دهی، خدایا برایشان این کار را انجام ده!

^{۷۱۰} اللهم ... أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّهَا بئْسَ الْبُطَانَةُ (مستدرک: ۸۱/۹) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): خدایا! ... به تو پناه می برم از خیانت زیرا این خلقت زشت است!

موفقیت انجام دهد. براین اساس گفته شده است که انسان قبل از ورود به ماه مبارک رمضان، همه امانت‌هایی را که هنگام ادای آن رسیده است، رد نماید^{۷۱۱}.
و از طرفی هم، هنگام رؤیت هلال ماه رمضان، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْأَمَانَةِ...» خداوندا هلال این ماه را بر ما بنمایان! به همراه امنیت و امانتداری...^{۷۱۲}.

^{۷۱۱} إِنَّ شَعْبَانَ قَدْ مَضَى... لَا تَدْعَنَّ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ إِلَّا أَدَّيْتَهَا (وسائل: ۳۰۱/۱۰) همانا شعبان گذشت ... همه‌ی امانت‌ها را بدون استثناء اداء کن!
^{۷۱۲} مستدرک: ۱۸۸/۱۴

منابع

قرآن کریم.

ابن‌إدریس حلی، مستطرفات السرائر، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ سال نشر: ۱۴۱۱ هـ.ق، چاپ دوم.

ابو الحسن، محمد بن حسین بن موسی موسوی بغدادی، - سید رضی، نهج البلاغه، انتشارات دار الهجرة، قم؛ نسخه صبحی صالح.

ابو جعفر محمد بن حسن - طوسی «شیخ الطائفه»، الامالی، انتشارات دارالثقافه قم؛ چاپ اول.

ابو جعفر محمد بن حسن - طوسی «شیخ الطائفه»، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامی تهران؛ چاپ چهارم.

-
- ابو جعفر محمد بن حسن - طوسي، «شيخ الطائفة»، مصباح المتهجد، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت؛ ١٤١١ هـ ق، چاپ اول.
- ابو جعفر، محمد بن ابى القاسم طبرى - عماد الدين طبرى، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، انتشارات كتابخانه حيدرئيه نجف اشرف، تاريخ نشر: ١٣٨٣ هـ ق، چاپ دوم.
- ابو حامد، عبد الحميد بن هبة الله بن ابى الحديد معتزلى، شرح نهج البلاغه، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى قم؛ تاريخ نشر: ١٤٠٤ هـ ق.
- ابو محمد، حسن بن ابى الحسن ديلمى، إرشاد القلوب إلى الصواب، انتشارات شريف رضى؛ سال نشر: ١٤١٢ هـ ق، چاپ اول.
- ابو محمد، حسن بن ابى الحسن ديلمى، أعلام الدين فى صفات المؤمنين، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم؛ تاريخ نشر: ١٤٠٨ هـ ق، چاپ اول.
- ابو محمد، حسن بن على بن حسين بن شعبه حرانى حلبى، تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه و آله)، مؤسسه انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، تاريخ نشر: ١٤٠٤ هـ ق، چاپ دوم.
- ابو محمد، على بن يونس نباطى بياضى، الصراط المستقيم، انتشارات كتابخانه حيدرئيه، نجف اشرف؛ تاريخ نشر: ١٣٨٤ هـ ق. چاپ اول.
- ابو منصور، احمد بن على بن ابى طالب طبرسى، الأحتجاج، انتشارات نشر مرتضى، مشهد مقدس؛ تاريخ نشر: ١٤٠٣ هـ ق.
- امام سجاد (عليه السلام)، الصحيفة السجادية، انتشارات الهادى؛ سال نشر: ١٤١٨ هـ ق، چاپ اول.
- تاج الدين - شعيرى، جامع الأخبار، انتشارات رضى قم؛ چاپ دوم.
- جعفر بن محمد الامام الصادق (عليه السلام) - منسوب، مصباح الشريعة، انتشارات مؤسسه الأعلمى للمطبوعات؛ تاريخ نشر: ١٤٠٠ هـ ق. چاپ اول.

-
- جمال الدين، ابو العباس، احمد بن محمد بن فهد اسدى حلى، عدة الداعى، انتشارات دار الكتاب الإسلامى، ١٤٠٧ هـ ق؛ چاپ اول.
- حسين بن سعيد - اهوازى، المؤمن، انتشارات مدرسه امام مهدى (عجل الله تعالى فرجه) قم؛ چاپ اول.
- زين الدين على بن احمد - عاملى جبلى «شهيد ثانى»، كشف الريبه، انتشارات مرتضوى؛ چاپ سوم.
- زين الدين على بن احمد - عاملى جبلى «شهيد ثانى»، منية المريد، انتشارات مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى قم؛ چاپ اول.
- سيد فضل الله - راوندى، النوادر، انتشارات امام مهدى (عجل الله تعالى فرجه) قم؛ چاپ اول.
- شيخ ابو الفتح - كراچكى، كنز الفوائد، انتشارات كنز الذخائر قم؛ چاپ اول.
- عبد الواحد تميمى آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، انتشارات دفتر تبليغات، تاريخ نشر: ١٣٦٦ هـ ش، چاپ اول.
- على بن حسن - طبرسى، مشكاة الانوار، انتشارات كتابخانه حيدريه، نجف اشرف؛ چاپ دوم.
- على بن محمد الامام العسكرى (عليه السلام) - منسوب، تفسير الامام، انتشارات امام مهدى (عجل الله تعالى فرجه) قم؛ چاپ اول.
- محمد - رى شهرى، ميزان الحكمة، مكتب الاعلام الاسلامى، چاپ اول.
- محمد باقر بن محمد تقى علامه مجلسى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، انتشارات اسلاميه.
- محمد بن حسن بن على بن محمد بن حسين، - شيخ حر عاملى، تفصيل وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم؛ تاريخ نشر: ١٤٠٩ هـ ق، چاپ اول.

-
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامی؛ چاپ چهارم.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، الخصال، مؤسسه انتشارات اسلامی؛ چاپ دوم.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، ثواب الاعمال، انتشارات رضی قم؛ چاپ دوم.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، صفات الشیعة، انتشارات اعلمی تهران؛ قطع وزیری.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، انتشارات جهان؛ تاریخ نشر: ۱۳۷۸ هـ ق، چاپ اول.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، معانی الأخبار، مؤسسه انتشارات اسلامی قم؛ تاریخ نشر: ۱۳۶۱ هـ ش.
- محمد بن علی - قمی «شیخ صدوق»، من لایحضره الفقیه، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، - «شیخ صدوق»، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ تاریخ نشر: ۱۳۹۸ هـ ق، چاپ دوم.
- محمد بن محمد بن اشعث، الاشعثیات (الجعفریات)، مکتبه النینوی الحدیثیه تهران؛ قطع وزیری.
- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، الاختصاص، کنگره هزاره جهانی شیخ مفید قم؛ چاپ اول.
- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، الارشاد، کنگره هزاره جهانی شیخ مفید قم؛ چاپ اول.
- محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، امالی مفید، کنگره هزاره جهانی شیخ مفید قم؛ چاپ اول.
- محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سمرقندی کوفی، تفسیر العیاشی، انتشارات چاپخانه علمیه تهران؛ تاریخ نشر: ۱۳۸۰ هـ ق.

محمد بن یعقوب - کلینی رازی، الكافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
میرزا حسین - محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، انتشارات
مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم؛ تاریخ نشر: ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ اول.
نعمان بن محمد - تمیمی، دعائم الاسلام، دارالمعارف مصر؛ چاپ دوم.
ورام بن ابی فراس «ورام»، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه قم؛ قطع وزیری.

۱۸۱ / خیانت

فصل نهم

هشت گناه
مستندات

۱۸۳ / خیانت

